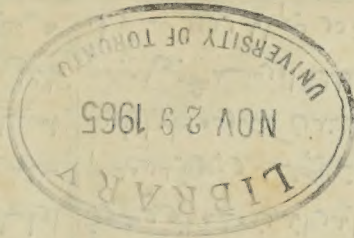


UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET
PLEASE DO NOT REMOVE

Nazim, Yahya
Divan

PL
278
N3A17
1841

1026143



PL
248
N34
A17
1841

Handwritten notes in Urdu script, including the word 'کتاب' (book).

Handwritten notes in Urdu script at the bottom right.

1257

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| * کتب ذرات آید رسیده جلیت جهان * | * کتب ذرات آید رسیده جلیت جهان * |
| * میراث جوی باغی جدی هر زبان * | * میراث جوی باغی جدی هر زبان * |
| * زبان گنبدی ستانی و اسنان * | * زبان گنبدی ستانی و اسنان * |
| * معبودی زوال جهان و جهان * | * معبودی زوال جهان و جهان * |
| * جوارق اراقی بخون کنی و کف * | * جوارق اراقی بخون کنی و کف * |

قلبی سنی اشاعه نوری نورانی است
 عین اخلاص است بحق قل هو الله احد

| | |
|--|--|
| وین اوین قدومه از وی جزایه تنه و تک و بد | وین اوین قدومه از وی جزایه تنه و تک و بد |
| دستگیر اول غمزه دو چشمه در صد الداد | دستگیر اول غمزه دو چشمه در صد الداد |
| اولسون افسانه زنجیره اصل من مسند | اولسون افسانه زنجیره اصل من مسند |
| دندم کلام صدقه برای سنی | دندم کلام صدقه برای سنی |
| بستری اولیده آید کج تار یک احد | بستری اولیده آید کج تار یک احد |

بوزن و در هر کجا که ایستاد
 با الهه جرمه تار به نظر نام زاری زد

| | |
|---|---|
| چشمه در دهه عظمی که صبح و مسند زینت | چشمه در دهه عظمی که صبح و مسند زینت |
| که چه اوصاف کف و صاف زای لایه | که چه اوصاف کف و صاف زای لایه |
| لا اله الا الله که درون سینه در جسد | لا اله الا الله که درون سینه در جسد |
| بی صفای عیشی که رویه کسب کو خجسته | بی صفای عیشی که رویه کسب کو خجسته |
| الطالک دره کف کف که بی با آفتاب و حد | الطالک دره کف کف که بی با آفتاب و حد |
| تاسی بد معتمد اویش با بر معتمد | تاسی بد معتمد اویش با بر معتمد |
| بزرگ تار به اسرار اولی و اولی صد | بزرگ تار به اسرار اولی و اولی صد |
| معدن غنیمت غیر بود قدر و سیر در دست | معدن غنیمت غیر بود قدر و سیر در دست |
| سازگار کون و کوه و کوه است که بلد | سازگار کون و کوه و کوه است که بلد |
| اطبقی استیلا رویه ضعیف او را است | اطبقی استیلا رویه ضعیف او را است |
| هیت می بوسال اما که بعدین است | هیت می بوسال اما که بعدین است |
| حکمتک ایس و ملک جزین و زین و در و در | حکمتک ایس و ملک جزین و زین و در و در |
| هر بقعه عمل و عمل و در آثار اولی و اولی | هر بقعه عمل و عمل و در آثار اولی و اولی |
| ذره تا خجسته ایس ایس ایس ایس ایس | ذره تا خجسته ایس ایس ایس ایس ایس |
| خجسته تا خجسته ایس ایس ایس ایس ایس | خجسته تا خجسته ایس ایس ایس ایس ایس |
| رجحی در آستانه و کار و جز و جز و جز | رجحی در آستانه و کار و جز و جز و جز |
| النبوت اظهار قدرت اول حکم فی رعد | النبوت اظهار قدرت اول حکم فی رعد |
| بانی صغی از ان ایس ایس ایس ایس ایس | بانی صغی از ان ایس ایس ایس ایس ایس |

* اوله روح الطیبه اهدی *
* اوله نفس کلمه تاسی *

| | |
|---------------------------------|-----------|
| * صلوات و درود و سستی * | * استدر * |
| * اوصی ای ایتم اوله مقبول * | * کدر * |
| * انکی اوله اوله * | * اوله * |
| * دل و خنده و صف دیناری * | * اوله * |
| * عکس دیناری بخیر اوله * | * اوله * |
| * اوله اوله درود و خنده مقبول * | * اوله * |
| * خورده استا پیشه منور * | * اوله * |
| * هر چه خنده با مال * | * اوله * |
| * انبوت انان قضی * | * اوله * |
| * دردی مفرود و سبند * | * اوله * |
| * خاک رداهی شوق دیناری * | * اوله * |
| * وصفتك الابرار ای لای مبر * | * اوله * |
| * حاسد خاندان عزتتک * | * اوله * |
| * فرقی جان حسودنی سوده * | * اوله * |
| * ضرب کوبال موله کلی * | * اوله * |
| * هر بزی لشکر مظهرتک * | * اوله * |
| * بجزه سی تا توان لشکر بتک * | * اوله * |
| * چشم چشم سطر بتک * | * اوله * |
| * سوزنی خمر قنده و زامتک * | * اوله * |
| * هیت قهر مان روز مندن * | * اوله * |
| * شب تا روز غاده نور سینه * | * اوله * |
| * سفسه سول حق که عوون و ظفر * | * اوله * |
| * درود ان الشفا ی حفظه * | * اوله * |
| * اشهب شرب عتک رکنه * | * اوله * |
| * چشم و امید لطفه * | * اوله * |
| * حسرت بوی کوبالتک * | * اوله * |
| * صبرین بوی حسنی اخلاقی * | * اوله * |
| * جسمی روح مصون اوله * | * اوله * |
| * درود ما و زدن امتنه * | * اوله * |
| * عفو و خود سینه عتات ام * | * اوله * |

سائبان رزمه تیغ وطلبش برنگار
 چاختار رحمتش و قیامت بزرگوار
 قلم زلم بنظر اسرار و قافیه بیان
 غایب حقیقت در کلامهاست بیان
 مکتب علم اندامه جوانه حقیقت بیان
 عزق چشمتی جرمی را نام سحران نام
 دستار من مزین بود و حقیقت پرده نام
 خیره سزای نااطاعتی بادشاهت
 دست کوته را به برهه امواره
 دانه چین جرمین احسانی و دور و نمان
 جدا جوین جوان خود پیوسته شمشیر جوان
 خواهان آگسوره خاتمه حقیقتی
 دستان عز و اجلائی و جوان و جوان
 غافلان کعبه در راهی ارواح
 جادوم در راهی روح اللطیف راز و بیان
 کسور خار بی محیره و ستار
 خلاقه دودی در عالم عظیمه
 وجهه حقیقتی هم آینه آینه نام

سائبان رزمه تیغ وطلبش برنگار
 چاختار رحمتش و قیامت بزرگوار
 قلم زلم بنظر اسرار و قافیه بیان
 غایب حقیقت در کلامهاست بیان
 مکتب علم اندامه جوانه حقیقت بیان
 عزق چشمتی جرمی را نام سحران نام
 دستار من مزین بود و حقیقت پرده نام
 خیره سزای نااطاعتی بادشاهت
 دست کوته را به برهه امواره
 دانه چین جرمین احسانی و دور و نمان
 جدا جوین جوان خود پیوسته شمشیر جوان
 خواهان آگسوره خاتمه حقیقتی
 دستان عز و اجلائی و جوان و جوان
 غافلان کعبه در راهی ارواح
 جادوم در راهی روح اللطیف راز و بیان
 کسور خار بی محیره و ستار
 خلاقه دودی در عالم عظیمه
 وجهه حقیقتی هم آینه آینه نام

اولاد رزمه در سه صد ساله در راهی
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد

بدر آینه در سه صد ساله در راهی
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد
 در سخته در سخته نام زینت بر بدرد

خداوند قیول الله تعالی
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در

خداوند قیول الله تعالی
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در
 که چه صد حقه تخته پندار عظم در

مشغول اولی کتب محبی استیغاثه
 بهمن میوس حس و سوا نیک و آینه
 کر و ستان ملازم انگریز و روتیغاثه
 دهکد علو همتا خاه و ما نیه
 حسرت کند خنده اولو اتیغاثه
 وزیر و خوند کمال کمال اتیغاثه
 پیروز باض خسته کمال اتیغاثه
 حقا تیر ل اینه زین اتیغاثه
 حیران اولو کریم چشم اتیغاثه
 کسه طواف روضه خبت چش اتیغاثه
 نیک شوق جناب دم و مال و اتیغاثه
 وقت حصاد خمی خوردی علا اتیغاثه
 جو رشید و ماه غنطه اندر دست اتیغاثه
 خدا بزم عزیزی صف اتیغاثه
 بقدر روان صلا و اذان و اتیغاثه
 خال قدر استم نسیم اتیغاثه
 حق محرم انیس حرم اتیغاثه
 شایسته بزم خاصه قرب و صبا اتیغاثه

اولی سواد جوان گنجینه و خه
 بهمن میوس اتیغاثه
 کندی که خسته سالی اولی اتیغاثه
 اتیغاثه کندی که خسته سالی اولی اتیغاثه
 دانسته سلا سلا سلا سلا
 قانع بنشین خه عشق و محبی
 شمع انیس نسیم کستان روضه سب
 میغان کوی خسته خورشیدی الهی
 اطراف دست کوی کشت استیغاثه
 رضوان بولوروی هیبت هیبت هیبت
 اولدی براق عزیمه سطل زلف اتیغاثه
 محصول کشت زار کوی اتیغاثه
 روی عزیزی کشت زار کوی اتیغاثه
 ارواح قدس قائل اولو اتیغاثه
 اولسون تبار اوقا حاکم اتیغاثه
 اول کلین خدیقه طهر زار اتیغاثه
 کاشانه زین غنیمت اسما اتیغاثه
 غنیمت انیس کوی اولو اتیغاثه

بوقدر میوس و روح زین اتیغاثه
 بوقدر میوس و روح زین اتیغاثه

کاشانه زین غنیمت اسما اتیغاثه
 اتیغاثه کندی که خسته سالی اولی اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه

کاشانه زین غنیمت اسما اتیغاثه
 اتیغاثه کندی که خسته سالی اولی اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه
 بزخم بزم اوله اتیغاثه

روح زین غنیمت اسما اتیغاثه
 روح زین غنیمت اسما اتیغاثه

مجمل بیشتر در خان صد و يك معنری
 اندامم را و گنوا بی و گنوا بی و گنوا بی
 تبتك باقی طغر بصر من الله جوهری
 ذرق جری زینك بصرت انوارین شهری
 اردوی اجلا نك شمع فلك بر خاوری
 سه سه سه یوشی انك مانان سه سه سه
 هر چه را اینست که خیرا به بر شیرازی
 اطلس خستك نمازند خرموا و لکری
 عود سه روز منك ادانا منك مخمی
 قالی نادین یون بوده خا خا گسری
 طعن اندین یون مهرت کوه انکیشتری
 سالی دل هر که پیشی ای خضری
 حلی اولی نادین عینک ذی انکری
 عاخران روز خستك شمع رح آوری
 بنسبه دم بر بلدی دوشی کادری اجری
 کوهی دندانی بپسندیده خا خا
 اطرف دستندین خن را طم عطا خا خا
 بنسبه و فزاد سوادنی عیال خا خا
 صدرم فلك ساساهه ساهه مننری
 خا و رفعتد کرام سبتك انکری
 خا مع اسرار فلك خطب منبری
 اینین خوشنود مادم دو دودو عینری
 ناهه سنده خون اینین کرام مشك ازوری
 ششم باغ رخسار سبز تر و در طری
 بر کسی مگولی خیران اینین چشم عینری
 گو را که مویخ و جلال رهله عطار مشری
 صبح رخسار مهر مهر ماه انور عینری
 وصف اولو کربن اول سیزده سده اجری
 ما به سینه بر دیه مهر منور عینری
 مهجده سی ماه و طغای اولی خط عینری
 کوی که دان اینین فزاد قیادو عینری
 عدلی ز خیر و خیر بو شیر وان و عینری
 خاتم این بر م استغنا سینه استغری

درین شهر بی تو که خسته خستند
 بر خسته بی تو که خسته خستند
 نایت منصرفت نایت نایت
 ای اسب عربتک مال هلا فزای رهی
 مهر و مه فلكه نجوم اوتاد ز خون اطاب
 مجلس عیندند اول چشم چراغ روزگار
 حکم عدلی حلی خیرانی رعایت اندر
 بنم بی خیر خیر در راه احسان
 مهر ماه انکی اجلا اسرار نجوم
 صفا افلاک اردوی عیندند انکیشتری
 مالک مالک سلت اندر کوی کوی
 قانی خستك الله در یون سه
 عین خان خلان سه و قاری فلكه
 مهر با ن جان دشوار هر صفت رستخیز
 شیر و صفتد انکیشتری انکیشتری
 عینت عینت و صورت انکیشتری
 خود طم عینت عینت عینت
 طم عینت عینت عینت عینت
 مالک خستك معلا ناهه عال سبتدی
 قید و عیندند کرام انکیشتری
 مستعد انکیشتری عینت عینت
 سه خا خا در راه مشك افشا ندر
 هاشمی حال عینت انکیشتری
 ناک و یون عار چندن دانه باغ شط
 حلی باغ انصره اول خستك منظر
 اولی یقین کف اول ماه ندرک مهرینه
 دودو سبت انکیشتری شامه شامه انکیشتری
 اولسه لایه رطرا ندر انکیشتری
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف
 اول شهرک کبریا رزینک روز صراف

- * انبیا جنل و اادها رسال *
- * ای سراسمه سبها رسال *
- * خارانی نشین صدرال *
- * گویند سبها انبیا *
- * شاهزاده عین العین *
- * انبیا جنل و اادها رسال *
- * ای سراسمه سبها رسال *
- * خارانی نشین صدرال *
- * گویند سبها انبیا *
- * شاهزاده عین العین *

بارسول الله فبول الله بظنك حاجتني
 پرستدای در کمال اینه رانله ملول

شرف بصر صفاتی عقل و رسال و نبی
 مملک و صفات پاک ای بفرمود عرض و طول
 منبج دایم بودی الله انبیا می قبول
 اولدی جنیا ندامت علی بنی قبول
 مدحت ذات کلام اولدم که سبها رسال
 هم جنب کنی سبها می هم سبها رسال
 وقتیدر بزم و صلاه بولسه مال انبیا رسال
 تبت معنور حریم روضه که انبیا رسال
 الله خار و کسب حق آل و اولاد و نبول
 کورمه لا کرم اول مال با مال هر دون و خبول
 سر فرزان الله بنامت انبیا رسال

اربعان اولسون قصور دره دره هینه
 هر سینه برینه اوله سالانه سی

کین افری و زفر از ۷۰ کدر ۷۰ سی
 خار بار بحریم نام کور و انبیا سی
 تاقیمت مشرک معنور رسال سبها سی
 عالم هر ده هزاره فی عدل خال سبها سی
 مهر و مهر باس ای حق انبیا سبها سی
 سوره ما از عباد انبیا سبها سی
 سوره ما از عباد انبیا سبها سی
 مقدم انبیا سبها بر صدقه می داده سی
 انبیا و صفات او شاهان سورتان سبها سی
 انبیا و صفات او شاهان سورتان سبها سی
 عفو اولور انبیا سبها رسال سبها سی
 دکلور ۷۰ بدیم علساک انبیا سبها سی
 دور قارینده طو انبیا سبها رسال سبها سی
 جامه هکام سبها اولور سبها سبها سی
 بوله طفل بولور سبها سبها رسال سبها سی
 انبیا رسال که سبها سبها رسال سبها سی
 او خنده که سبها رسال سبها رسال سبها سی

بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که
 بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که
 بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که

بیا علی شاهد و زینم تا رسول الله
 بیا علی شاهد و زینم تا رسول الله

بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که
 بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که
 بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که
 بیستی کرم عالی انجالی و جانان و بیستی
 کزین رو بختی بختی کمال او بود که

* * * * *
 * * * * *
 * * * * *

| | |
|-----------|-----------|
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |

* * * * *
 * * * * *

- * زبانه روح زبانه طبعه طبعه طبعه *
- * بوله دشتام بچه طبعه طبعه *
- * او شاهك جمنه بختی بختی بختی *
- * اقبی صالون صونگ هر طرفه لنگه لنگه *
- * صدا ای تیر و تیغ و گزی کو الهیزه دنگه گزی *
- * عریده نبره سی هند و هند و هند و هند *
- * علاقه عدود تیر و تیغ و تیغ و تیغ *
- * عیان چمنون تانیدن او تیغ و تیغ و تیغ *
- * عیانیدن عدو انکار ایند سهره ضرب کوبانی *
- * عدو ک سگ کشین هب او تیغ و تیغ و تیغ *
- * اولو بخت ای تانیدن میان بزم زین منده *
- * زبانه تیغ برای بختی بختی بختی *
- * کویزله هین هین هین هین هین هین هین *
- * طوبی دسیرت بود بختی بختی بختی *
- * ستاره تیغ برای تیغ برای تیغ برای *
- * دلور بخت کسرت باشن عدو ک هین هین هین *
- * نجوم سطلو دسیرت دسیرت دسیرت دسیرت *
- * کفن بختی بختی بختی بختی بختی بختی *
- * دغای سبب بختی بختی بختی بختی بختی *
- * رجا انانقید انانقید انانقید انانقید *
- * کسیرت بختی بختی بختی بختی بختی *
- * عدو تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ تیغ *
- * همان بختی بختی بختی بختی بختی *
- * بختی عالم انانقید وصف بختی بختی بختی *
- * وطوق زبانه بختی بختی بختی بختی *
- * انانقید بختی بختی بختی بختی بختی *
- * کویزله طریق و لاسی فکله بختی بختی بختی *
- * بوله در کاهنگ خاور بختی بختی بختی *
- * بشر روی زبانه آسمان قدسه آسمان بختی *

* بر او له جسد دك او را خوربان *
 * البته اجداد سواد خوربان *
 * کوز دد ریشتر جق خیران *
 * او قدر صالطی امین و بان *
 * تا که اولی نسیم خلقی وزان *
 * زبده دند جیف کوی کران *
 * در هفت غده جان *
 * در در کانه اشیا در مان *
 * فیه ششی جهات و خارا کران *
 * اوله بر جیس کاسکابان *
 * فیه دد و خور و خور و خور *
 * افتاب اولش آینه دان *
 * همه نادان حاصله مان *
 * بلکه علی الجواهر اعیان *
 * بیخه زار و عباد شیربان *
 * حایطی او باند و زبان *
 * مرقم در فی یقین صان *
 * هم عطا و همده فی اقصان *
 * رنگی سمری لظفره نشان *
 * دل و دست کرمی کماله کران *
 * کس و رهنه و خطه ابران *
 * هر گاه در گهنگ بر ساطعان *
 * اسانه اشیا فی امله جان *

* فلسه نبی شقایق بینا کر *
 * اینسه بر سو فیه امر کرمی *
 * جو را بند و پواسه خیرانی *
 * عدل و دانی میان اصدان *
 * کجایم خلق جهان معنور *
 * حکم و حکمین ذابنه نبت *
 * قلم یقینا س جود بند *
 * درو را را لثقالی لطیفه *
 * دوالی کوی و تیر عدله *
 * در ره عزتند شاه سینه *
 * کاسه شوی شور جلال *
 * طلمت یحیی کرم بر آینه در *
 * پیش دانی دانسته اولور *
 * ناک در کاهی تو عیای عیون *
 * مرصه کعبه عزاده رسم رزم *
 * در وجود بر سالی سالی *
 * مکره کماله خال موجود *
 * هم سخا و کرمه بی انبان *
 * و کاند را نمرک تیری *
 * او شهنشاک لطفند اولور *
 * او شهنشاک کزینه بختند *
 * او شهنشاک مکره کماله *
 * او شهنشاک سیر کرم اولش *

* کرمه جود دود *
 * کرمه جود دود *
 * کرمه جود دود *
 * کرمه جود دود *

* صف در هر دو رسم و ستان *
 * اسمان مستند و کونک و انوان *
 * مظهر تام هست و دان *
 * کمال بخیر انان ایمان *
 * بادشاهه عیالک عرفان *
 * قیه الهی خاله شاهان *
 * لوحه دفره خدا وند انان *
 * جان و اولان و انان *

* قهرمان سطور وزیران رزم *
 * صدر پیرای ملک خانی *
 * علم افزای قیوم نصرت خلی *
 * بخیران در و در کلام *
 * شهریار قلم و دانش *
 * زبانه لاج و خسر و ان کرین *
 * سینه خدا وندی *
 * افغان سار لاله چنگیز *

کتاب فیصد بیک و اسون بیک و اولاد و بزی

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| سکوت مهرتی اور وقتدرهان اوزره | سکوت مهرتی اور وقتدرهان اوزره |
| همای صلح ساله ساله منی خهان اوزره | همای صلح ساله ساله منی خهان اوزره |
| اوراصفک شب و روز اوله امان اوزره | اوراصفک شب و روز اوله امان اوزره |
| جدامع ایدمه صدرعیر و شایان اوزره | جدامع ایدمه صدرعیر و شایان اوزره |
| او کولم ایدمه بیک اوله اوزره | او کولم ایدمه بیک اوله اوزره |
| حسود خاهمی اوله اوزره | حسود خاهمی اوله اوزره |

هیزار ایلدی ایزر اوزره
بیکلم حق یو خاهم زینک خوتین با

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| قزندی رنجاری صهیان دانی اولادی | قزندی رنجاری صهیان دانی اولادی |
| قلی بر کلر اوجیر اوومیا اوزره | قلی بر کلر اوجیر اوومیا اوزره |
| نیلن ایلدر اولور رنجار اوزره | نیلن ایلدر اولور رنجار اوزره |
| در ایچ ایلدی حرای ایلدی اوزره | در ایچ ایلدی حرای ایلدی اوزره |
| کینه قطره سی در ایچ ایلدی اوزره | کینه قطره سی در ایچ ایلدی اوزره |

هیزار ایلدی ایزر اوزره
قنای نازما سن اوستان اوزره

| | |
|--------------------|--------------------|
| سایه ایلدی اوزره | سایه ایلدی اوزره |
| عطار ایلدی اوزره | عطار ایلدی اوزره |
| بیک ایلدی اوزره | بیک ایلدی اوزره |
| اکر ایلدی اوزره | اکر ایلدی اوزره |
| همای ایلدی اوزره | همای ایلدی اوزره |
| قدم ایلدی اوزره | قدم ایلدی اوزره |
| بوشهری ایلدی اوزره | بوشهری ایلدی اوزره |

اقاقی و قنای اوزره
وزیر داد پناه ها ستر در ساها

| | |
|-------------------|-------------------|
| طرفی ایلدی اوزره | طرفی ایلدی اوزره |
| سینه ایلدی اوزره | سینه ایلدی اوزره |
| سوار ایلدی اوزره | سوار ایلدی اوزره |
| صنای ایلدی اوزره | صنای ایلدی اوزره |
| جرام ایلدی اوزره | جرام ایلدی اوزره |
| بیک ایلدی اوزره | بیک ایلدی اوزره |
| کولور ایلدی اوزره | کولور ایلدی اوزره |

| | |
|---|--|
| <p>زیرین کبریا رسد اگر خط معوری به پایه شمع او اسله اگر شرح خبری سلطان بنی مدین اندامی منگری سزایه چشم خاله روح مصوری مشعل شمع غم غمی ماه منوری آینه دل را طلعه جوی شورش خاری کتم کوته گوته اوله اشک شکره کلتری امیر بنی امی صنور شمشیر شکره بوزنگه اولور سر او اگر تار مضمی بیات به تصویر لای لای ساری ادنا تو خه همی بنده پوری کتم شایه می و بندر دو خه خبری ز بهی حرمه رفعت کجی دخی خبری کتم این حاج اوله او طاهره خبری کله حضوره اشبه اوله خبری عیان جان و حال مخصوصه خبری</p> | <p>خارج بلند شاه شاهانه در وقت در قصه قدیمه حجابی خبری اخروی امی شمس مره اوله خبری و خه صحنه ایضا اینت اخباری آینه روا و اوله جل در شب خبری هر صبح اولور سه شاهه افغان خبری باغ را طبعی اوله را فضا خبری لوح ساجده کو رو با را خبری مشکین سطرک روان بخت خبری بزم ستان و مجلس معینه و رات اوله کله شفق در حیرت خبری کتم شایه می و بندر دو خه خبری مصرع بنویس مطمح خبری مستند نشین فضل و هنر و فنون خبری ملامت نامه کله صف اوله خبری عیان جان و حال مخصوصه خبری</p> |
|---|--|

صدیق صادق صادق صادق صادق
 صادق صادق صادق صادق صادق

| | |
|--|--|
| <p>پیرایه نجی سهند شرح خبری ده که خاک جناب ادیب خبری هر قطره سخی سخطه خبری صد شمشیر شمشیر و زین و زین خبری بخلاف سر فکده سندر خبری می آت اندامی آینه طبع خبری پندردی می عشق اند و کن کتم خبری طوبی می مقام چشمه خبری پست اندامی سوسو ده خبری اول ماه کسبی کورسه اولور خبری پروانه دلک طو شویب تا خبری کتم خاک خاک اندامی خبری سزایه چشم خاله روح مصوری</p> | <p>مفیدی دین پناه جهان خبری بهمان عصر خبری کتم شایه می و بندر دو خه خبری حلال مشکلات اذات خبری جاقان سهند سزایه خبری اوله سخی طوطی دل شکره خبری عرض اندامی روی زین و زین خبری عکس خیاله پیرایه خبری عرض مقام قدم او خبری با زبان مهربانی اوله خبری جمع خیالی شوق و مزم و مزم خبری مثل اندامی دل کور و اوله خبری</p> |
|--|--|

تا روز حشر المی عید اوله زما می

| | |
|--|--|
| خداوند بزمه در بزم فریب راه اول و اولی | کرا اولی و اولی اطلالی کرد و آنک اولی و اولی |
| عروض انلسی خواهی بزم به نظریم | خوهر شینا سدر او سید و اولی و اولی |
| او اولی و اولی و اولی و اولی | بالمسی سنی سنی سنی سنی سنی |

بیشاد خاه رفتی قصی قصی
 حقی انلسی تیران اقلان بری

| | |
|---------------------------------------|--|
| انلسی بزمه در بزم فریب راه اول و اولی | کرا اولی و اولی اطلالی کرد و آنک اولی و اولی |
| عروض انلسی خواهی بزم به نظریم | خوهر شینا سدر او سید و اولی و اولی |
| او اولی و اولی و اولی و اولی | بالمسی سنی سنی سنی سنی سنی |

رای افندی حضرتی کتم ذات پاکت
 حالا را تیران با دینه مالک ارا قارن

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| دیوانه و فصل و دانه شیه بیت ایچان | دیوانه و فصل و دانه شیه بیت ایچان |
| بسم بوم طالعی طالعی طالعی | بسم بوم طالعی طالعی طالعی |
| ایرطه خیر و خیر و خیر و خیر | ایرطه خیر و خیر و خیر و خیر |
| تال سینه و دینه و دینه و دینه | تال سینه و دینه و دینه و دینه |
| مه ریز مشقی او حله زه رازی ایچان | مه ریز مشقی او حله زه رازی ایچان |
| ستین بقط بقط بقط بقط بقط | ستین بقط بقط بقط بقط بقط |
| وی تکی ساسانه ناره کھی می | وی تکی ساسانه ناره کھی می |
| در د در د در د در د در د در د | در د در د در د در د در د در د |
| سد اوله اوله اوله اوله اوله | سد اوله اوله اوله اوله اوله |
| احتیاج اوله اوله اوله اوله اوله | احتیاج اوله اوله اوله اوله اوله |
| خسده سینه و سینه و سینه و سینه | خسده سینه و سینه و سینه و سینه |
| ویر سگ بوله سوله سوله سوله | ویر سگ بوله سوله سوله سوله |

اقبال و خاه و عی کی افروزان بزمه جدا
 او اسون دعای دوانک او را د شینج و شتاب

و خودی صغیه سنی حافظه مؤثر آن الله
 آردی خودی صغیه سنی حافظه مؤثر آن الله

هر نیم کتی کتی کتی کتی کتی کتی
 ستم احسام حقیقه طواف و کتی کتی

کعبه در کعبه فرط صفای کعبه
 ای جدی و کعبه کعبه کعبه کعبه

شهرستان ... | ... مهر و مهره ...

جناب خود برادر اقبال ...

... | ...

خواهری الویری ...

... | ...

حاصل ...

... | ...

قدری ...

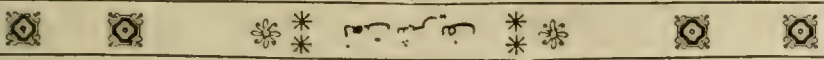
... | ...

ماستاب انبلا الاسرا به در خا
قرب او ابی حمزه حرم حرم
وصف پاک و چه پراواری نصی
کشف راز حقیقت جوانه مشکله
حسرتله پیشه صبح رسا ارض وسع
حاشا حاشی

مشرق صبح بخیل مطلع نور شد هود
سوره بونقان فوسین انروان دلگشی
شرف عطر نسوانی سوره ولایت در
عالم اولم اولم اولم اولم
سوره سرف سرف سرف سرف
سایه در کاهنه بوق الاملا ارانکه

* احمد مسل حین حق صمد صمد صمد
* بحر عرقان قلم اسرام قلم لای لای

* تازین بزم خاص خاص خاص
* ای شهین شاه رسول وی شاه
* تا خیران مع الله تا الله تا الله
* کسور آرای لمرکسور اولان کجک



بسم طرطره لطفه و زان اولور سره اکر
بسم طرطره دل سر کشته طری اندانی

خط خود طرطره و قلم احسان
اولور سره زان اولور سره اکر
انکه سره زان اولور سره اکر
خط خود طرطره و قلم احسان

هر قدره عزم اندر سه اوله چون حق رفیق
بهرت لولای لشکری تو رفیق رهبرای

دست درم تلم قری چشم و بزم زبانی
بظن حیات کسری خانی و دلگشی
اسفند یار کوه کوه افراستاب رای
افعال استبان بولنده خیره ساری
طل سعادتی که اولور ساری خدای
دور اولور سعادتی که اولور ساری خدای

اولور سره اهل دل سر دمان عزیز
دگر می بنی فداده ای ای طمعی پای

وصف اوله اولور سره اهل دل سر دمان عزیز
انکه بریند اولور سره اهل دل سر دمان عزیز
دق سینه چنک قامت چنک سینه اوله ای
بذل مجال دمد اولور سره اهل دل سر دمان عزیز
اولور سره اهل دل سر دمان عزیز
خط کسه اولور سره اهل دل سر دمان عزیز

سواد نظمی پیش اندلی سر اولور سره اهل
سنان کله نظم بر هم تو ج شهیناهی

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

کرم اولور دیرسک بظنم زار بزمین خجانب
صاف مشرف صاف صاف بظنم زار بزمین خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

بخت کور می اوست می عتایه خجانب
دوشور می صحنه شقی ماه واقعا خجانب
ویرا و خجانب ارج خجانب خجانب

اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار

اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار
اون درون تا ششده سینه ده بزوغه جوانی وار

درودن دلان هه روزان روزی احد در
نظم اولسه نوله نیشی عین عاری

همیشه زه بره سی گفتم ای احد در
مشام خام بنه لبریزه ای احد در
کوبنده کل جلا جلا ای احد در
زبان بندم نام موی احد در
طرف طرفی هه هه ای احد در

طرف طرفی هه هه ای احد در
زبان بندم نام موی احد در
کوبنده کل جلا جلا ای احد در
مشام خام بنه لبریزه ای احد در
همیشه زه بره سی گفتم ای احد در

فامت شوق و تا اولسه ای احد در
چاه حسرتی غیر تله عین در

عاشقک بخت سیت هی بره بره در
از به زنجی او جورجه بره در
موی مشکین زلف ستری خیزه در
رج جوگرده دلبره کل شبنم در
ساکن زورن دقای جنون عین در
بخت سرتا هه اگر امته خاتمه در

بخت سرتا هه اگر امته خاتمه در
ساکن زورن دقای جنون عین در
رج جوگرده دلبره کل شبنم در
موی مشکین زلف ستری خیزه در
از به زنجی او جورجه بره در
عاشقک بخت سیت هی بره بره در

سرساک مده نون بون زله خیرت خیران
نظم او آتشی سینه لاله زمان میندر

کنار دیده ده لاله لاله زمان میندر
کوردن دیندی کل بون لاله لاله زمان میندر
دوتندی دایج درون لاله لاله زمان میندر
حکایت غم ده سینه لاله لاله زمان میندر

حکایت غم ده سینه لاله لاله زمان میندر
دوتندی دایج درون لاله لاله زمان میندر
کوردن دیندی کل بون لاله لاله زمان میندر
کنار دیده ده لاله لاله زمان میندر

آخده دل دایج درون سینه ای احد در
بسته مینی یوقی رضای شبنم

درودن عینده که خلوت سرای شبنم

درودن عینده که خلوت سرای شبنم

| | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| جواخون بندر عشق ز باقی سون واور | بادی نوز جاشق اشک جون آون اولور |
| هر جناب منگه چشمه تارله معهود اولور | اشق مهر و محبت بی سراسر اولور |
| عاشقان اجازم کرای عاقبت محبوت اولور | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| خام لیم زینج و بند درد پوش عشقه | اشق سوه ای غم آید اول جشود اولور |

باز چنگا کاشی و شش اندر نظر
 کشته اولسه تارنار
 بز یوقا لقی اوله جهم

| | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| کاشی سراسر ای حسن و با اولدی جارنار | اولسه چنگی بکلی ایچون صد نهارنار |
| کویا قورلای مرمعه عشق ایچون کلارنار | سوز درون جهان بی آید کی سراسرنار |
| کاشی سراسر ای شدی د لیرک | عشاق دلبر اعظم انار نارنار |
| آفت یاشدی خط ریخی شدی د لیرک | |

باز چنگا کاشی و شش اندر نظر
 کشته اولسه تارنار
 بز یوقا لقی اوله جهم

| | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| دور در چند کاشی کل مشکین تانار | بور کاشی می جو آید اولور اول تانار |
| منصور و پیش سوا لسه ویزه جو آیدار | مخا به ملا حله بوله بوله بوله بوله |
| اول جواخون ملا حله اولسه کاشی تانار | باز چنگی بکلی ایچون صد نهارنار |
| رجسار تارله اولور اول جواخون تانار | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| چیز چنگی ایچون تانار مشکین طن تانار | اشق سوه ای غم آید اول جشود اولور |
| ما بوله رکب ایچون مرمعه سراسرنار | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| مخا به ملا حله بوله بوله بوله بوله | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |

باز چنگی بکلی ایچون صد نهارنار
 کشته اولسه تارنار
 بز یوقا لقی اوله جهم

| | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ای مرمعه ملا حله سناک ایچون سراسرنار | قلندره بر ایچون بوله بوله بوله بوله |
| خام می چنگی کل درک دردی سراسرنار | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |
| باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی | باز سوز و خان تا نبرد هر شعله سی |

باز چنگی بکلی ایچون صد نهارنار
 کشته اولسه تارنار
 بز یوقا لقی اوله جهم

فضای هجری شایسته ای هیتله صفایه طرف لغوی و حال طوی

زهی شکله می خجسته نال طوی دل جعفری سیدی استرانی آیدن

بدکلی بول و بنا اینه ارا کسار
او کرم بظلم کجی منصف کال طوی

اودام ز لاله اول دانه دانه حال طوی
خجسته بر سوسه بر حال طوی
رکاب نازنی جو شیرید او بر حال طوی
الو کجند هیریری بر حال طوی
هیرار شرمه بر حال طوی
تد مکه خسته هیریری ملام طوی
علا شریک رمان لعل دال بر حال طوی

میران بظلم کجی سکه در لای طوی
و کرم بظلم کجی سکه در لای طوی

اشوبه فته فی او این طوی
هر بر خجسته بر حال طوی
انجی آینه آینه آینه آینه آینه
زلف سیه ای کجی در حال طوی
سلطان حسن لشکر فی در حال طوی
اوسون هله خطه او او شوی عین طوی

اوصاف کلامه بواقفون بظلمه
دایم بظلم کجی سکه در لای طوی

هم دسته در کل بر حال طوی
ناغه تیار آید روی در حال طوی
افسون کلامه آینه آینه آینه
رویتده می او ز لاله اول در حال طوی
مشک بن خطی عین طوی
حیران چشم سستی بر حال طوی

اولای بظلم وصف حال طوی
بظلم کجی سکه در لای طوی

دشمن اوله اوله اوله اوله
عینه کجی سکه در حال طوی
اول کوز اوله اوله اوله اوله
قولاه فائل ایسک دی اوله اوله
حق سوزنی کوش آید خجسته اوله اوله

| | |
|---|---|
| بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش | بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش |
|---|---|

راهنما بظلمه کوه با که خانه کاشان را اولش
دلش شوره بر یک بویش بظلمه

| | |
|---|---|
| بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش | بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش |
|---|---|

بنا گوی جرات ای دل و پرتابش
بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش
لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش
مگر هم داده پای آینه دلش
جفا تخم دلم خال جری مستک جینش

| | |
|---|---|
| بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش | بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش |
|---|---|

بنا گوی جرات ای دل و پرتابش
بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش
لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش
مگر هم داده پای آینه دلش
جفا تخم دلم خال جری مستک جینش

| | |
|---|---|
| بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش | بنا گوی جرات ای دل و پرتابش بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش مگر هم داده پای آینه دلش جفا تخم دلم خال جری مستک جینش |
|---|---|

بنا گوی جرات ای دل و پرتابش
بخت گشته سندر شمع را فوری کفیش
لب شیرینی آیدله او شجاعت کو هکلیش
مگر هم داده پای آینه دلش
جفا تخم دلم خال جری مستک جینش

دکده به تسمه اگر سوسولسم به تسمه
خوردی جگر خطی سوسولسم به تسمه
کل ای کوی کندم استان سوسولسم به تسمه

دکده به تسمه اگر سوسولسم به تسمه
خوردی جگر خطی سوسولسم به تسمه
کل ای کوی کندم استان سوسولسم به تسمه

قطعه باقوت بظن کنی اولی ای بظن
بویله آب و تابه بر کوه کجینه صاف

زنگدن عاری اولی کوه کجینه صاف
انبار صوفی درون تیره کوه کجینه صاف
در دسر و برین اولی کوه کجینه صاف

در دسر و برین اولی کوه کجینه صاف
انبار صوفی درون تیره کوه کجینه صاف
در دسر و برین اولی کوه کجینه صاف

بظن اندون اب حقی بظن زار
سر رشته اراده بظن

شیر زانی حقی بوق بوق بوق بوق
صناد در کندی بوق بوق بوق بوق
بر تابه در تابه کندی بوق بوق بوق

شیر زانی حقی بوق بوق بوق بوق
صناد در کندی بوق بوق بوق بوق
بر تابه در تابه کندی بوق بوق بوق

صون ای ساقی ساقی ساقی ساقی
بظن بظن بظن بظن

ماین قو جدر و بر باق وصال باق
زمین دلمه بینه باق وصال باق
چین سر سبز و جرم کلیم باق وصال باق

ماین قو جدر و بر باق وصال باق
زمین دلمه بینه باق وصال باق
چین سر سبز و جرم کلیم باق وصال باق

بظن بظن بظن بظن
بویله بویله بویله بویله

حقوب کرمانه ناول اولی سوسولسم
بظن بظن بظن بظن

حقوب کرمانه ناول اولی سوسولسم
بظن بظن بظن بظن

تدریس می یابد بر کس که در خواب سناک
صفتی با او در رجحان خواب سناک
و نال و آرزوی خاسته بنام سناک
خاک را بنام سناک
بکار آید این کار بنام سناک

تدریس می یابد بر کس که در خواب سناک
صفتی با او در رجحان خواب سناک
و نال و آرزوی خاسته بنام سناک
خاک را بنام سناک
بکار آید این کار بنام سناک

درم سوال سناک اندر سناک هر صفت
و در سناک خواب سناک
بظنم آید سناک

بوقتی که بنام سناک
اطلاقی بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک

بوقتی که بنام سناک
اطلاقی بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک
بوقتی که بنام سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

بظنم آید سناک
بظنم آید سناک
بظنم آید سناک

| | |
|---|---|
| هلاک و شد و جانی حقیرانی چو بماند گویند | هلاک و شد و جانی حقیرانی چو بماند گویند |
| کوروب آرزو و زود خجسته در بنا گویند | کوروب آرزو و زود خجسته در بنا گویند |
| جدا آمدند او را از جوانان خجسته | جدا آمدند او را از جوانان خجسته |
| بقوت دیند آید حیرت دایه دیدی کردی آن | بقوت دیند آید حیرت دایه دیدی کردی آن |
| بواسطه زنی ناشی می شد از عیش و لایق | بواسطه زنی ناشی می شد از عیش و لایق |
| بواسطه خجسته می شد از عیش و لایق | بواسطه خجسته می شد از عیش و لایق |

خجسته او را زلف سستی دامن چنین
خجسته او را زلف سستی دامن چنین

| | |
|--|--|
| اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین | اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین |
| عجیبی که اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین | عجیبی که اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین |
| عراقی که بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین | عراقی که بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین |
| ایشان بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین | ایشان بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین |

سرخ زبان آید اقی اولدی بظلم
سرخ زبان آید اقی اولدی بظلم

| | |
|--|--|
| فتنه بد را اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین | فتنه بد را اولاد بماندند و سر هر دو سستی دامن چنین |
| میزان نام خجسته خجسته خجسته خجسته | میزان نام خجسته خجسته خجسته خجسته |
| آهوی خجسته و خطا و جیبی آید مست | آهوی خجسته و خطا و جیبی آید مست |
| دوستان آن بگریز و دوری خجسته خجسته | دوستان آن بگریز و دوری خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |

بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته
بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته

| | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |

بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته
بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته

| | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |
| بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته | بجز دل خجسته خجسته خجسته خجسته |

بید همایه اندیشه کی جراحی الله بظلم
صحنه با آناه بیدر نظر در زمانه گذرن

| | |
|--------------------------------------|--|
| ازین در کوره بوسیله بازایره گذرن | بزیده قول الله عفو اندوب اعترابی قویله |
| بوزجی صحنه کلور دی اول اوله گذرن | قیدن ان الله فاعلمت بی بزیده قیاس |
| بواور البتله در دو به تیره گذرن | اوطیب دل اندر خسته عقیقه دربان |
| مست مدوشی دور جانیه چاره گذرن | شوق اعلمه واران کون شوره شور کور |
| اولدی شوم سهرات سفره کوره گذرن | دلبری کور مگر وارمه درینه اولمکه وار |
| قالدی کور کلمی جویونو در انداره گذرن | کلدی بزیختر مرده الله باره گذرن |

باز سرقالسه بوله اولسه اغیار دین
بناح عالد بولن کل بیچار بظلم

| | |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| جانیه بو چنگ کل کانه جار دین | هر کس کاشدن انا واور سرور وکی دین جین |
| بناق بوقا که کور آناک وار دین | ذوق مزبور می قویله صحنه حاد حاکم |
| قیاس میدان مجتهد بزم دار دین | بناح صالد بوقی منصور انداز هر |
| وصلیه صبح طبع صحنه شاد دین | بناح شوق وصلیه صحنه شاد دین |
| قول الله کلین ایدر آتشی آناک دین | دی دوزخ دین سوزان ایدر مزبور دین |
| استی ختی هر و خوله دین دین | هوس ایتر حرم وصلیه دار دین |

بظلم آینه عالیا در وار نسته طبع
که انده کوبه کوبه خلور در شاد صحنه

| | |
|--|--------------------------------------|
| سواد ماه چهره مبر اور اولسه در صابون | دور تیره اولن قیصنا بید روشن دل |
| هوانا اهله صد سینه بونی اینه هاه موبون | سرنده پاره لیسون تیشه فرهاد او مجنون |
| کل خود سر سره سوزی مویج موبون | کوروب رقیقاری وصفه کده بند برادر |
| درون عقیقه بزی سوج بزی اوله بونی | بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک |
| بناک بده آله بزی بزی مجنون | کوردی کل شکر بونی ای سینه بونی |
| حریقانه چهره کی کسه سندن عقیقه براتون | قورلدی بزی کلمی جمع ولوب ازهار کون |

بظلم باره بزرگ حضرت بوقیله رقیق اولسون
عریا آینه بجه عزم را مقصود

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| بناح عقیقه بزی سوج بزی اوله بونی | بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک |
| کوردی کل شکر بونی ای سینه بونی | قورلدی بزی کلمی جمع ولوب ازهار کون |
| بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک | کوردی کل شکر بونی ای سینه بونی |
| قورلدی بزی کلمی جمع ولوب ازهار کون | بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک |
| بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک | کوردی کل شکر بونی ای سینه بونی |
| کوردی کل شکر بونی ای سینه بونی | قورلدی بزی کلمی جمع ولوب ازهار کون |
| قورلدی بزی کلمی جمع ولوب ازهار کون | بناح صحنه سنگ کله اینه اول جندالک |

* شوق مهر تا با کعبه *
* شوق مهر تا با کعبه *
* شوق مهر تا با کعبه *

* شوق مهر تا با کعبه *
* شوق مهر تا با کعبه *
* شوق مهر تا با کعبه *

* کلای نظمی کنده بود بخوبی *
* کلای نظمی کنده بود بخوبی *

* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *

* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *
* و اسون و سواد و سواد *

* کوهکاو و ای نظمی صفتی *
* کوهکاو و ای نظمی صفتی *

* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *

* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *
* وادای تیر و تیر *

* درونی تیر و تیر و تیر *
* درونی تیر و تیر و تیر *

* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *

* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *

* کوهکاو و ای نظمی صفتی *
* کوهکاو و ای نظمی صفتی *

* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *

* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *
* اولوب تیر و تیر *

• در روز چهارم از شهر تبریز
• در روز پنجم از تبریز به اهواز
• در روز ششم از اهواز به خرمشهر
• در روز هفتم از خرمشهر به بندر
• در روز هشتم از بندر به اهواز
• در روز نهم از اهواز به اهواز
• در روز دهم از اهواز به اهواز

• در روز یازدهم از اهواز به اهواز
• در روز بیستم از اهواز به اهواز
• در روز سی و یکم از اهواز به اهواز
• در روز سی و دوم از اهواز به اهواز
• در روز سی و سوم از اهواز به اهواز
• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز
• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز

کوردان دلداری اویدی فوجی در لاری نظمی
عاشق تازان او اوران بجان بستان او سینه

• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هشتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و نهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و دهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و یازدهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز

• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز
• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هشتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و نهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و دهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و یازدهم از اهواز به اهواز

در محبت ایند ان اعلان
اشکی طایفی ازک اولدوقه باشا ایلدند

• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز
• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز
• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هشتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و نهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و دهم از اهواز به اهواز

• در روز سی و یازدهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز
• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز
• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هشتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و نهم از اهواز به اهواز

بظنم اولدوقه ای محبتی در میان کور بخه کتارند
داعیسی را کل عین کور بخه کتارند

• در روز سی و دهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و یازدهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز
• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز
• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هشتم از اهواز به اهواز

• در روز سی و نهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و دهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و یازدهم از اهواز به اهواز
• در روز سی و چهارم از اهواز به اهواز
• در روز سی و پنجم از اهواز به اهواز
• در روز سی و ششم از اهواز به اهواز
• در روز سی و هفتم از اهواز به اهواز

او اورسره طره فرقی جدا باقی کجا کنگرک
حکم ایتر ایتر ایتر ایتر ایتر ایتر

کوروب احرام شوقه یوز طوبی حانه تاه

صفاسنن ایند سوری وطوف کینه دهه صود

دو کلاه و کلاه خنجر با صمدی | کوب و ربه خندان اول حل و بر می خورم نام صمدی

مندان بطن ک
مستاده و خورده ای راجی
بمستاده

جوشیده اوله از ای افلاک اوله بخنجر
جوشیده اوله از ای خنجر در عین
بخنجر از ای خنجر در عین بخنجر
اوله از ای خنجر در عین بخنجر
اوله از ای خنجر در عین بخنجر

خند کردن از ای ر
بطن ک بطن ک بطن ک
بطن ک بطن ک بطن ک

هر قدر بزیاده عینه و برده بطن ک
کل قدر بزیاده عینه و برده بطن ک
کل قدر بزیاده عینه و برده بطن ک
کل قدر بزیاده عینه و برده بطن ک
کل قدر بزیاده عینه و برده بطن ک

اهل سائیه کوه کوه کوه کوه کوه
اوله از ای راجی بطن ک
بطن ک بطن ک بطن ک

زورق شکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی

بطن ک بطن ک بطن ک
بطن ک بطن ک بطن ک
بطن ک بطن ک بطن ک

زورق شکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی
بشکسته دور از سر زورق از ای راجی

* غایه فی ایتدیم هدیه ارجمه آن آیتدیم
* مهره فرسوا و لوله نامهر بان آیتدیم
* تا وک بر کانی لوح ایجان آیتدیم
* عکس رخسار آیتدیم آن آیتدیم
* عکس رخسار آیتدیم آن آیتدیم آن آیتدیم

* حسنه ممتاز آنکس اولدی خطی و درو با
* خبره چشم آیتدیم بر خطی طوی مشرک
* هر یک از آنکه آیتدیم ای ایدر
* عجزه سی تیغ بکشدن امین اولدینه
* دشنه الدقه اول خوشی و جان آیتدیم

* وشتو کلر الدی *
* وشتو کلر الدی *
* وشتو کلر الدی *

* جنون عتیقه کتله آیتدیم لر الدی
* صغیره رنجی قل قاله لر الدی
* اودمد و خجده ورتیه لر الدی
* قل کونک کونک لر الدی

* بمان آیدن نظری اول اولدی لر الدی
* بازخه سطر خطی اولدی لر الدی
* دهاک ایله ما کتله اولدی لر الدی
* دلاک دلاک لر الدی

* اولدی لر الدی *
* اولدی لر الدی *
* اولدی لر الدی *

* مقیم هر مژه بر سخته مژگان لر الدی
* یستون غمی دل آیتدیم لر الدی
* طوبوت دوا خجده لر الدی
* تیشه عجزه دلاک لر الدی

* خان شیرینی بر تیشه صاده قوی هاد
* دزد لر الدی بنده اولدی بنده سنبدن
* خانه عجزه لر الدی

* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *

* فرهادی کوروت تیشه عجزه لر الدی
* زبانه سنی کوروتی کوروتی لر الدی
* شاهین دوشم سینه لر الدی
* دستان عجزه لر الدی

* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *

* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *
* بوشه لر الدی *

* او ماه طلعت غایت فریب ال ووردی
* او کشته بجه بر عد لب ال ووردی
* او خسته نه واده طنب ال ووردی
* خاره حق بوقه وضع فریب ال ووردی
* فلک دودت گفت ایجان ال ووردی
* نه حسنه آله رفیق ال ووردی

* حلقه نکر اولسه هاله و صلت
* بر آیتدیم نالی کوی دلی بیلم
* به صندلی ایلی خانی نه طوبی بنی دلی
* او حسن حوصله سوزی طوبی بنی دلی
* خضاب بنسبه لب دشنه اولدی ما هاک
* عجزه لر الدی

کریه کن چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی

رونگار اندر می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی
شاید که چشمی از می بر یورن باقی باشی

وصف دندان ایضا منده مستطاب بر نظم
رشته ایظم در زبان او در گوهر گسی

انسی گورن بکرمه قدم تیروری بر کسی
ایضا بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره
دسته ز یورن بجزیره بجزیره بجزیره
بزم عشق بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره

بزم عشق بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره
بزم عشق بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره
بزم عشق بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره
بزم عشق بکرمه بجزیره بجزیره بجزیره

حسینه با قدم شکر بر یورن باقی باشی
طوطی ای کرمه بجزیره بجزیره بجزیره

اشک بر در کسین مهر و محبت شبنمی
درد دل را باغ عشق سنبل مشکیندی
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره

بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره

بر ماهه شاهانه در و نسوزانند بر نظم
مهر و محبت شبنمی بجزیره بجزیره

وارتبه آقده می تا می در کم گوئی
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره

بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره
بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره

بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره بجزیره

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

خجی کوهی کردی درین راه و در اول راه خجی کوهی کردی

| | |
|---|---|
| * ماه نوامیدی و سترگی مستیز | * از روی به اول رخ رخستان مستیز |
| * کل زلف بینه اوزره کو با صحنی سندان | * زنده خنده مستیز این روز و ده شمس کلا کلا |
| * بوق ز قور سوره اوه سی بینه داند | * اهم ز غم زلف که سر ز خیز دغان |
| * هلال اسکان طالع ابروی اجدر | * فدا که افتاب صبح خیم روی اجدر |
| * دل و بار با سگ انزلی بوق و قدر | * از غری واری بوق دل و چه جوق |
| * قار و نده اولسه مزلی تحت البراه در | * هر دین که مال و جاهله فوق العاده در |
| * سواد ای درون دل سودا دیده خاند | * مدار خانه قدر زلف زین روی خاند |
| * دوه صرخه خط اعلا یوسلک بیره عا عندر | * دویست دلاکش من کلانی از بزرگ با عندر |
| * کان بزرگ سونک لوح خدک ایخرا بندر | * او نیز انداز بزرگ تا هلال خاطر بنشیند |
| * معال تکر سینه با لیدی دل خراب | * و بران بیدی غریز دل خود الله تاب تاب |
| * ایخرا نواک اولوی هر و در قوست مست حنا | * کلاراره صبحدم کلیم فاصد صفا |
| * بز کو بز کو تو بز ضرب نکل ز بزا | * او بز بی آادی کو رو سبیره کو تو دردم تبها |
| * بزسا به سینه یوز زوی الله عزها | * ذات حسن جنبله اولدی اینکی همی |

* مضمون دات *

| | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| طواف که نمایند معنی سیه کئی | ناب انندی دل عکس حسن آری بقم |
| خوب و رحمته یوقدر او کج کلاه کئی | فوی مع هر جهاتاب صبح کلاه کئی |
| دو کدی سخی سفید سیه کلاه کئی | ناب انندی دل عکس حسن آری بقم |
| خوب و رحمته یوقدر او کج کلاه کئی | فوی مع هر جهاتاب صبح کلاه کئی |
| دو کدی سخی سفید سیه کلاه کئی | ناب انندی دل عکس حسن آری بقم |
| خوب و رحمته یوقدر او کج کلاه کئی | فوی مع هر جهاتاب صبح کلاه کئی |

| | |
|---|---|
| * هاشوش سینه به چکرم اوقم رخساری | * پیرهنی کجی کجوردم بده دن دلاری |
| * شیرینم اولوسک سکا قه هادیرته | * بزدا ج د ل ک تم نکا قه هادیرته |
| * مکر ر خام می ساقی میان بزم صهباده | * بزاکجی دانه زلی قدردن رودرستانه |
| * او خط سبزی کوردم کردم اول اندازنده | * بولاشدم ختم خورده ای دل چشمه جوان گنارنده |
| * در فک خاک سوری بولدی نه میرونه شاه | * اطفا که قالی گرم سندن اولور الله |
| * سر شک الکه اندی اول کل خندان | * خچر در بولور ای کدی خوجسم جوان افشان |
| * اولسه عیان شکاف دن او ستمی | * بوز بکا هاشق اوله اسکله ستمی |
| * قنده دله دله کدینه بولور حقان | * آینه دانه آینه آینه به آینه دان |
| * حجابی طایر همت هزاران او ستمی | * ایلدک طالع لکله بی قاریغ تیشم |
| * اولوب بیز بک بخی بیایان | * خچکندی قاش حسن خانان |
| * فنی نوبی ناله ده اولدم بزاره بن | * اولسم خجتمی باغ جهاند هوزار فنی |
| * وصلت دله ایلر ایلر شاه کیم ایلر ایلر | * دست تا تیرتی در قیضه شمشیر ایلر |
| * وقتیدر بزرگس کجی اول کله مزاره نظر اول | * اعله حالک دی خوجسم بولیشام حجاز اول |
| * کجی بیایان ایلر سکه سنج خندان اولور سکن | * بزاشقی ایلر کیم سکر بشتان اولور سکن |
| * خانانسون بک اولوش ایلر شیله ناز | * اولد ان اشک نرم روضی قندیل تراز |
| * ایلر دن ایلر مومنا کدر | * اسمی وار جسمی یوق ده کدر |
| * شیشه خراج فک صنع بد قدرتدر | * ایلر کوبی اولور ایلر بختی بر ستمدر |

اوسه قاصه حسرتگش رفتار اولای

اوسه قاصه حسرتگش رفتار اولای

بزم شاه راه دم که همه حسرتگش
بزم شاه راه دم که همه حسرتگش

حسرتگش رفتار اولای
حسرتگش رفتار اولای

حسرتگش رفتار اولای
حسرتگش رفتار اولای

* مسدس *

سلطان بی اقتدای شاه جهان بی

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

سلطان بی اقتدای شاه جهان بی

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

سلطان بی اقتدای شاه جهان بی

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

سلطان بی اقتدای شاه جهان بی

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

وای زلف سبیل سینه سینه سینه
وای زلف سبیل سینه سینه سینه

سلطان بی اقتدای شاه جهان بی

در روزگار بدستور دادند
چون بنگشته بر روزگار بدستور دادند
نظام دولت مستشارین و دنیا در
مقام معاندند مگر جمله کارها در
عبارت استانی چشم خانه محل زینت در

وزیران گشته حضرت عیان باشان گشته
مشیر و موبدین دستور داری وای وای خانه
سکندر سوسرودت و داد و در دوران گشته
طراز مسند اقبال او زینتان مگر گشته

۱۱۲۳

اولی دینی بانی دین
در درج شهبازده شهباز گشته

که او در شاه جهان بانی عدالت گشته
مشتری رای فای تخت کواکب لشکر
آستان شاه ساسا هیهات یون هیهات افسر
محل خاه جلالند خرس شمس و غیر
نیر سراج شرف ماه سعادت اخراج
عالم زینت گشته این سه روا سرتاسر
دستگیری او ای بیهوده بستانه خبر
کوشه وار و اولی بیهوده بستانه خبر
عقد اولو او پس اولوب بریزه جمع اهل هبل
سایک تا ریختی هبل آبلند بر جوهر
خی اندیشه ده اول و اولده بجهت جوهر

خسرو روی زمین حضرت سلطنت اجداد
مهر در کون ظنون ماه سهر نصرت
شاه دارا حکیم اسکندر اقبال گشته
سایک ریان شتر عزت و اقبال و فایک
حق تعالی که بر خیر خلف آید ای عطا
یعنی شهبازده سندان سندان فر گشته
مسندان و نعمت اولوب و اولوب و اولوب
در دیندانی اولوب و فایک بستانه خبر
و بر مکه سخته اوصاف چندند نظام
رشته بطنه خوب و وصف در دیندانی
حق و کرب که بر بزرگتر بگویم

۱۱۱۵

دوشوی بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ
اولی مهری جمله حلاله حلاله

دینم احمق مهری اولی حلاله حلاله
دشمنان خاه اجلائی اولی حلاله حلاله
رای تدریج اولی حلاله حلاله
بهر نام بزرگ دوشوی بزرگ بزرگ
خبره ساری در عالم مدارای اردشیر
اطلس خورشید فایک کشته بر فوش حقیق
سست و زور او بر زورده مهر مینر
آیندی مهری اولی حلاله حلاله
بزرگ بزرگ حلاله حلاله حلاله
عالمه عرض آید ای حلاله حلاله
پیشه زار دولت با صدی قدم بزرگ شیره
کلای آجلی بیهوده حلاله حلاله

صدری تشریف آید اول حلاله حلاله
طول عملی اولی حلاله حلاله
عقل و فو هنر آید صدر معدن حلاله حلاله
رستم اقبالک سلام و بزرگان حاجری
حاکم و بزرگان اقبالک حلاله حلاله
اول حلاله حلاله حلاله حلاله
اول حلاله حلاله حلاله حلاله
حضرت خات اجداد اوساط حلاله حلاله
مسند آرای عدالت اولی حلاله حلاله
دیده روشنی حلاله حلاله حلاله
شکر الله اولی حلاله حلاله حلاله
حلاله حلاله حلاله حلاله حلاله

۱۱۰۶

مهری حلاله حلاله حلاله

کتاب الطهارة من کتاب التمهید فی
در کتب معتبره شیخ احمد بن محمد

| | |
|--|---|
| <p>سینه اندامی و لدی تیره و صفة و ده هده ظلمت خورشید و لدی و لدی و لدی کرم در بند و قول او در و کوی و سره شاهان سابق</p> | <p>او لدی و لدی و لدی و لدی و لدی دند و رو و شین ای اسیران بن شاه عنا دند و رو و شین ای اسیران بن شاه عنا دند و رو و شین ای اسیران بن شاه عنا</p> |
|--|---|

۱۱۰۶
بیت کویان دند نام خراج ای بطنی
قدردای ای اقدی و لدی و لدی و لدی

| | |
|---|--|
| <p>اولدی او انان استاده شاره هله حنسی روح و صاف اولسه و بقیه لا و صوم و صوم و صوم فصلی ایضا سینه و احنا و لدی و لدی و لدی جاطی و صاف سینه و سینه و سینه و سینه حکیمه و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج</p> | <p>حصر ت ای اقدی و لدی و لدی و لدی جوخه و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم حکیمه و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج حصر ت ای اقدی و لدی و لدی و لدی</p> |
|---|--|

۱۱۱۱
بیت او لاهویه و خراج ای بطنی
دند و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم

| | |
|---|---|
| <p>الهی اول عزیزه و کوی و کوی و کوی و کوی اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله قدیمی و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم مقامی و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم قدیمه و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله</p> | <p>درین بقیه ای اقدی و لدی و لدی و لدی خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج و رو و خج مقامی و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم قدیمی و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله اوله قدیمی و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم</p> |
|---|---|

۱۱۱۴
طرح کریمین ای مبتنی و خراج ای بطنی
سوق و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم

| | |
|---|---|
| <p>ارانی و مبتنی و لدی و لدی و لدی و لدی کرم و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم طریق و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم بیت و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم دند و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم</p> | <p>سوق و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم استاد و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم ارانی و مبتنی و لدی و لدی و لدی و لدی کرم و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم طریق و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم بیت و صوم و صوم و صوم و صوم و صوم</p> |
|---|---|

۱۱۲۳
اما سینه و لدی و لدی و لدی و لدی و لدی

* اولاد کا نام در فرزند اهل انجمن * * * * *
* اولاد کا نام در فرزند اهل انجمن * * * * *

۱۱۱۲ اولی یو فواره د خویہ تاریخ ای نظم
آقوی روح ملک مولانا انجمن سلطان روان

دہند بوم میں انجمن اولادہ اولادہ سلطان
حوض مال مالہ انجمن اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
دہند بوم میں انجمن اولادہ سلطان
حوض مال مالہ انجمن اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
دہند بوم میں انجمن اولادہ سلطان
حوض مال مالہ انجمن اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان

۱۱۰۹ دیم ادم طوقہ زین قرق تاریخ ای نظم
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان

انجمن اولادہ سلطان
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان
انجمن اولادہ سلطان
میر شہزادہ سلطان احمد اولادہ سلطان

۱۱۲۳ اولی تاریخ مولانا انجمن
کلی صدیق انجمن سلطان

انجمن اولادہ سلطان
کلی صدیق انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
کلی صدیق انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
کلی صدیق انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
کلی صدیق انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
کلی صدیق انجمن سلطان

۱۱۲۴ تاریخ مولانا انجمن سلطان

انجمن اولادہ سلطان
تاریخ مولانا انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
تاریخ مولانا انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
تاریخ مولانا انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
تاریخ مولانا انجمن سلطان
انجمن اولادہ سلطان
تاریخ مولانا انجمن سلطان

* غای خانه صابون را که هر کسی
 * نظر آنرا حکمی گزیند او زود
 * و گزیند در کف و کف طوق آهنگ
 * و چون این ایلان از خانه فری
 * بدی گزیند از آن خانه نماند

* بدی و فقی و لولوا و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* این *

* قدر او را سوده قوی اندام
 * عمری او را طولانی و با طعم

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* این *

* بویش بویش بویش بویش
 * بویش بویش بویش بویش

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* این *

حق بود که بگویند در

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* بدی و کنگر و کنگر و کنگر
 * کنگر چه صورتی بود فقی ظاهر
 * او گزیند هر کسی بر سر او
 * طویلی هر کسی بر سر او
 * خردند از آن خانه نماند

* این *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

| | | | |
|---------------------------------|---------------------------|---------------------------------|---------------------------|
| * كندى كمر بو زورم بيمانى * | * ناهى اخوت وجود بو زور * | * كندى كمر بو زورم بيمانى * | * ناهى اخوت وجود بو زور * |
| * اول كندى كمر بو زورم بيمانى * | * ناهى اخوت وجود بو زور * | * اول كندى كمر بو زورم بيمانى * | * ناهى اخوت وجود بو زور * |

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

| | | | |
|-------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| * ظاهر فاشان استقامت * | * ظاهر فاشان استقامت * | * ظاهر فاشان استقامت * | * ظاهر فاشان استقامت * |
| * در و بنده دل و تار پستان * | * در و بنده دل و تار پستان * | * در و بنده دل و تار پستان * | * در و بنده دل و تار پستان * |
| * سرن سوزان سوزان سوزان * | * سرن سوزان سوزان سوزان * | * سرن سوزان سوزان سوزان * | * سرن سوزان سوزان سوزان * |
| * او دم بود و كولو غل زباني * | * او دم بود و كولو غل زباني * | * او دم بود و كولو غل زباني * | * او دم بود و كولو غل زباني * |
| * كل كى ديد سندن اقدردم * | * كل كى ديد سندن اقدردم * | * كل كى ديد سندن اقدردم * | * كل كى ديد سندن اقدردم * |
| * ناهى ناهى ناهى ناهى * | * ناهى ناهى ناهى ناهى * | * ناهى ناهى ناهى ناهى * | * ناهى ناهى ناهى ناهى * |

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

| | | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * |
| * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * |

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

| | | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * |
| * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * | * حلال زاده حرام زاده حرام زاده * |

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* بو انرون تان بو انجوه برستان *

* سینه‌ده عیان داغ غم غصه گدازی خاندان جوان شوخ روح صله گاهی

* تک لایق اولیم بشور انکی چه آند *

* اکسیر مسکات بکته بریم بگاهی *

* پشاقفت اولوب خرم زده در قدردان می

* که چه بشور بشور مکن که گاهی

* قبل معتبر خودک او تا دیده رفاهی

* ناز ایلنه تا زخ خود شیرده کلاه

* اطفا و کرمکدن اوله نیتله خوله خواهی

* وصف صفتکده قلم الله اله کاهی

* تسلیم و تقبالک اوله اوله شفا می

* شاهان باغی کار خطا بو کدی بختک
* شرمند عفو اوله بته می جنگدن
* رد ایقه مدد سا بل کاب کرمکدن
* خاکدر خود گده انیش ایلن التون
* عرض ابتدای بته حالی بو بعتله سعدی
* خون کرمه بخت اوله ایدر خاک کرمکدن
* تا اهل دلاک حد ذات وصفکده

* زنجیر مها نیشله اوله بند و کرمکدن

* حق در پستکی سخن عدمن انده خواهی

* * نعمت صانع *

* ای نایب خافت سقا و اوله ارض

وی ساقه عزتیده نه طول و نه عرض

* قیل بطل عفو له بتم عینی عینی

* احوالی اللی ساقه ساقه عرض

* * رنگر *

* ای آینه دار رویت رب جنت

* کاشکاش کنه کنه خدای خدای

* خاور کوشی شهر خیمه خیمه

* * رنگر *

* ای مونس بزمی خارا ران عظام

وی صفت نشین جودی اجباب کرم

* دوند نخه فک اوار اوار

* تا حشر طبق طبق صلا تله سلام

☆ اخلاقی بکار در راه سعادت ☆
 ☆ شکر خدا بر علی مرتضی ☆
 ☆ خدمت به بندگان به سادگی ☆
 ☆ انس و ملاقات اولاد و اولاد به سادگی ☆
 ☆ حسرت و گریه و توبه و استغفار ☆
 ☆ انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام ☆
 ☆ در کتب و کتب و کتب ☆
 ☆ حضرت عثمان شهنشاه و علم ☆
 ☆ خدمت به خاندان خاندان خاندان ☆
 ☆ کون کون کون کون کون کون ☆
 ☆ لوروی شکر و شکر و شکر ☆
 ☆ محرم بزم محرم بزم ☆
 ☆ صیغه طهارت از آلودگی ☆
 ☆ خواجگه سوره فاطمه و ادب ☆
 ☆ آثار ائمه اعدای عدالت ☆
 ☆ قول الله بنی اندی و بهای اجتناب ☆
 ☆ حاصل داناتی به سادگی صفات ☆
 ☆ ماه شنبه ای سحر آمیز ☆
 ☆ کلام سخن سخن سخن سخن ☆
 ☆ کوه کوه کوه کوه کوه ☆
 ☆ بذریه آرزوی بندگان ☆
 ☆ نهی او بکن منور ☆
 ☆ روضه و صفت و نوا الله کل ☆
 ☆ کاشن افاقه روشد غایب ☆
 ☆ قیل اتم مقیمت خاتمه ☆
 ☆ اوله نجات و صلوات و سلام ☆
 ☆ همه ایگان اوله روز و سینه ☆
 ☆ لطیفی بنده در این طایفه ☆

☆ حاجت بخیزد در راه سعادت ☆
 ☆ شکر خدا بر علی مرتضی ☆
 ☆ اولاد به اولاد به اولاد به اولاد ☆
 ☆ تکلم به تکلم به تکلم به تکلم ☆
 ☆ عارفان و عارفان و عارفان ☆
 ☆ سرور و سرور و سرور ☆
 ☆ کوه کوه کوه کوه کوه ☆
 ☆ حاصل در داناتی و کوه کوه ☆
 ☆ نوری نوری نوری نوری ☆
 ☆ محرم بزم محرم بزم محرم بزم ☆
 ☆ عدل و عدل و عدل و عدل ☆
 ☆ کوه کوه کوه کوه کوه ☆
 ☆ خاتم خاتم خاتم خاتم ☆
 ☆ نذریه نذریه نذریه نذریه ☆
 ☆ نیرد شاه شاه شاه شاه ☆
 ☆ سند کوه کوه اولاد به نزار ☆
 ☆ عارفان و عارفان و عارفان ☆
 ☆ مهر خاتمه صانع سعادت ☆
 ☆ عظمی اقلیم لطیف و کرم ☆
 ☆ مهر خلی پرتو بروج و فای ☆
 ☆ بیخ و بیخ و بیخ و بیخ ☆
 ☆ حضرت صدیق صدیق صدیق ☆
 ☆ مدحت مدحت مدحت مدحت ☆
 ☆ هدم اولاد نیرد به سادگی ☆
 ☆ کل بیخای خاتمه سوره کلام ☆
 ☆ روح نزار کوه کوه و شکر ☆
 ☆ کلام سنده در این طایفه ☆

✱ زمره پرواز گلستان فیض ✱
 ✱ طوطی خوش آغچه باغ سخن ✱
 ✱ آله یا که قدمک بوسه خای ✱
 ✱ مرصع اندیشه ده آله خرام ✱
 ✱ نادره پرواز بلاغت رهین ✱
 ✱ عبقه گنجی کماله جنبه سوس ✱
 ✱ ملام کوه کوهی کوهی ✱
 ✱ باغچه سحره اولوب عنایب ✱
 ✱ اوربته گلزار پناه قلم ✱
 ✱ باغ خجسته صنوبر سوز ✱
 ✱ گلشن اغشا ز اولوب تالوان ✱

✱ آله اولاده انساب ✱
 ✱ اولوب اول دوله کباب ✱
 ✱ هر بری با آینه در بحر وجود ✱
 ✱ هر بری بر تبریح م ✱
 ✱ واصل مقصود و مراد اولوب ✱
 ✱ تابع اولوب امر به امر ✱
 ✱ اولوب اول خسر و دینه غلام ✱

✱ یعنی حسین بن علی مر آبی ✱
 ✱ عبقه گنجی کوهی کوهی ✱
 ✱ عجبش اندی جسمه کل پره ✱
 ✱ سر و چتر اسارت حسن ✱
 ✱ اولوب اول کوهی کوهی ✱
 ✱ کسمش اندی خای سبزین زان ✱
 ✱ تیری حسن تیری حسین شهید ✱

✱ عادد در راه رسول آله ✱
 ✱ قلی کوهی کوهی ✱
 ✱ ساقه کوهی کوهی ✱
 ✱ صف شکر دین دین ✱
 ✱ چند خرم افکنی اولوب سوار ✱

✱ بلبل دستان زینستان فیض ✱
 ✱ گل بنه ای جامه اغشا زان ✱
 ✱ وادی معانی اندوب زربای ✱
 ✱ وقتدار ای ادب مشکین جام ✱
 ✱ گل بنه ای جامه سحر آفرین ✱
 ✱ زمره کوهی کوهی کوهی ✱
 ✱ مال فلکه صوت بیت کمال ✱
 ✱ گل بنه ای جامه خاد و فریب ✱
 ✱ دیک چین بطن بهال حکم ✱
 ✱ روضه اندیشه ده گل بتور ✱
 ✱ گل بنه ای جامه سحر تیان ✱

✱ اوله سلام اول شهک احباب ✱
 ✱ اوله کوبنه اندوب اتساب ✱
 ✱ هر بری بر مکر و کمان وجود ✱
 ✱ هر بری بر ماسه سحر هم ✱
 ✱ دولت دارین آله شاه اولوب ✱
 ✱ مظهر اولوب اطیبه اسباب ✱
 ✱ زمره اسباب رسول اتم ✱

✱ سبزه قبا آید شه کبریا ✱
 ✱ هر کوه خوشی بر خون آید ✱
 ✱ تیرستان مادر جرح کهن ✱
 ✱ سبزه قبا عبقه جنت حسن ✱
 ✱ طوطی فردوس ای اول خیراس ✱
 ✱ سبزه قبا قطره در ناک ✱
 ✱ انکی کل کل باغ سبزه ✱

✱ اولوب اول سلطان کرامت پناه ✱
 ✱ سینه سحر و عاقبت ✱
 ✱ مست شراب قند و ارباب ✱
 ✱ سحر سحر اعدای دین ✱
 ✱ سرور دین آید شه امدار ✱

مگر کس که در آن جدا و جدا شد
 بوالی ذاتی شریفه شرح و تفسیر
 شرحی خاله دینی اینرا حدیثی
 سخی مدینه اولسه سزا و او حق
 رفیق منیت ذات شریفی تفسیری
 طبعه لغت شهباشا رسول آثار صدیقی
 راست معیار همز اولده بو طبع رشتی
 خاطر م مردم صدقه صدقه اوله اوله
 راه آمد شد اندیشه کجی و رفیق
 جهم دو عالم کجی همدان ویرانی
 بر من در فیت با قوتله مقید عسیری
 حکمت حق علم اوله و طبع ایشی
 قهر مان اولسه هیزه کورن اوله تفسیری
 اولده بزم اوله اهلته صهیاری تفسیری
 انلام خرم اندیشه ده صد فکر رفیق
 انلام چند زبان روی رفیق
 شعری سهوا اگر سخن ایشی بطنی
 خرمی تا طبعی بزمی خلیا حق رفیق
 اولده راز و نیاز ایشی خلیا تفسیری
 که سراسر راه هر قطره سی بر می تفسیری
 عزم نام ایشی اوله اوله تفسیری

مگر کس که در آن جدا و جدا شد
 کجی این کجی نبوت کجی این
 هادی دینی که همدان تابع رفیق کجی
 جگر عالمه اوله این مدینه اوله سب و روز
 انلام دوزخ اندیشه ای اندیشه کجی
 فخره حاجت کجی راه سخته انلام
 زبانه کجی مقول کجی سخته
 مگر کجی معانی که مدام
 دشت بهای پائی سر جهمه انلام
 حق پلور بزم کجی سخته انلام
 سخی کجی کجی کجی کجی کجی
 بواله بطنی کجی کجی کجی
 ناز روی کجی کجی کجی کجی
 چشم کجی کجی کجی کجی
 استانب کجی کجی کجی کجی
 سندان ای کجی کجی کجی کجی
 کس کجی کجی کجی کجی کجی
 بن اوله کجی کجی کجی کجی
 کجی اوله کجی کجی کجی کجی
 کجی اوله کجی کجی کجی کجی
 کجی اوله کجی کجی کجی کجی

در سلاطین و شاهان و سلاطین و سلاطین
 در سلاطین و شاهان و سلاطین و سلاطین

بند راه تا که لطفی ایزد و بزرگان ایند
 هر کجی قطر سب بر خلیا ایند
 اوله عالم بزم کجی کجی کجی ایند
 مد خنده بزم کجی کجی کجی ایند
 افرین جوانم اوله کجی کجی کجی ایند
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی ایند
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی ایند
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی ایند
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی ایند
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی ایند

مد صلاحات و سلاطین و سلاطین و سلاطین
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی

بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است

بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است

در بیان آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است

بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است
بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است
بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است

بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است
بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است
بسیار از آنکه در این کتاب
مورد ذکر شده است و در
کتابهای دیگر نیز
مورد ذکر شده است
و در این کتاب نیز
مورد ذکر شده است

* اولی خاتون یونان *
* صدای بقدر توانی از خان یونان *

* قیل تا کی باقی باقی خواجه *
* سر سخی سر سخی و هر چه زرد *
* در دین انانی دانی *
* جناسی مجال اوله شکر *
* قیل رشک زین ورد *
* عیسی گهی به فکره اول فرد *
* دایم دل و جان درد پرورد *
* انانی آله سینه اوله ناله *
* تهو ده دو کلین آله سرد *
* کوسه سینه کج آله ورد *
* بو عرصه روزگار له کرد *
* تا که شاه شاد بود *
* بو کسک آله ناز بود *
* صبح و صبح آله تورد *

* اول خاتون یونان *
* کوسه سینه کج آله ورد *
* جناسی مجال اوله شکر *
* قیل رشک زین ورد *
* عیسی گهی به فکره اول فرد *
* دایم دل و جان درد پرورد *
* انانی آله سینه اوله ناله *
* تهو ده دو کلین آله سرد *
* کوسه سینه کج آله ورد *
* بو عرصه روزگار له کرد *
* تا که شاه شاد بود *
* بو کسک آله ناز بود *
* صبح و صبح آله تورد *

روح بر او ای که اولسون و دوت
مهر و هورن روزن باند خنده شکسته می

دایم در عیش و خنده اولسون و دوت
صفت مهر که قیل قیل قیل
عصه ماضی آله فکره کج
رشک زین روح جهان بجز جوی
کر چه بخل و صفقه بخره آله
ظاهر آله طافه انت او چشم
آله خیره شمع دایم سرنگ بود
جو اندر درد صدای جز ای طیفه
سی خلاص خاتمه اندین و عدول
۱۰۴ آله و آله شعله خلسه
اوله بک جرح شخص تکست
کوراوه شمشیر ده بختله
انکی کل سنبل بر آله
انت آله زور زور زور زور

دایم در عیش و خنده اولسون و دوت
صفت مهر که قیل قیل قیل
عصه ماضی آله فکره کج
رشک زین روح جهان بجز جوی
کر چه بخل و صفقه بخره آله
ظاهر آله طافه انت او چشم
آله خیره شمع دایم سرنگ بود
جو اندر درد صدای جز ای طیفه
سی خلاص خاتمه اندین و عدول
۱۰۴ آله و آله شعله خلسه
اوله بک جرح شخص تکست
کوراوه شمشیر ده بختله
انکی کل سنبل بر آله
انت آله زور زور زور زور

صدقه گاه بخاری بطمنی گرم حق

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------|
| خان بلبل شنای کل روی عمد | بوفیق اوله بدو رقه سوی عمد |
| بزدانگه اوله سگ سر عمد | چشمه خجال قد و خنوی عمد |
| خون عینده دل اولوب گوی عمد | چوس گسی عارضی ازوی عمد |
| مهرک زنجی زردی اولادی اولادی مای مای | مگر مگر معاصنه مگر مگر مگر مگر |

کونی دولردی بوای بیعت ایزکله بطمن
و خنده کلدی آله صیغ جوش ایزکله خراج

| | |
|--|---|
| رفعت شان بو اولدی حقایه خراج | بیزان لادن براق بوق بوق خراج |
| ماه تا ایزکله خورشد در خراج | مهر و ماه نو باه قار فای اولوب عینا |
| خبر و روک کورلارک روزوش پرش و قدر | چهار سنده روز و نازک شوق صبح و مسا |
| بارس اول الله عینی دونه فرما ایزکله خراج | شام سرامه مشرف بو س ایزکله خراج |
| | قدر و عید اولقه در روز و نیشی دام اولوب |

روای ایزکله آله در اظنه ک مفتح و ح
کار خالیدی اخی بخاری بطمن زان ک

| | |
|------------------------------|---|
| خس املی کل شادان ایزکله خراج | ای اولوب کوی کیشی ده ارباب قلوب |
| ای خراج علی صحت ایچ و قیوم | فادک فاده نده ک درده ک درده ک |
| خس املی کل شادان ایزکله خراج | سایه عینه ک ل نشنه دل و خان ایزکله خراج |
| ای خراج علی صحت ایچ و قیوم | مدحتک ورد زان ایزکله خراج |
| خس املی کل شادان ایزکله خراج | ای خراج علی صحت ایچ و قیوم |
| ای خراج علی صحت ایچ و قیوم | ای خراج علی صحت ایچ و قیوم |

علاج درد درون بطمن خسته مزاج
او حاق ایزکله خراج

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------|
| بزدانگه اوله سگ سر عمد | چشمه خجال قد و خنوی عمد |
| خون عینده دل اولوب گوی عمد | چوس گسی عارضی ازوی عمد |
| مهرک زنجی زردی اولادی اولادی مای مای | مگر مگر معاصنه مگر مگر مگر مگر |

و بر دست **کمال** آله دانه داده و در حق
ای مهر حسرتی بود برده با مدام و جنین
اولسون بخون بخور ایچله و جنین
لوح درون دلده سوسه مدام و جنین

ای جنین و سر طراز اول و جنین
اناقی رو و سون آله ای صبح شکر بنگار
کولم کلمه عیبگی کور سون و ورق و ورق
آله اوله اوله اوله اوله اوله اوله

در مبادیه و اوستون قوندست رس شاه
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

خان بظنی کمال بظنی کمال بظنی
اوستون و اوستون کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

اوستون کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
در کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی
کمال بظنی کمال بظنی کمال بظنی

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| دو چشم اکل و رعنا سی بر کسی مانع | دو چشم اکل و رعنا سی بر کسی مانع |
| بناط شاه جور شد و ماه انگی خراج | بناط شاه جور شد و ماه انگی خراج |
| سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج | سرمه بزم غنچه اولوب بلورین اناج |
| همیشه بصرت و یوقتی تیغ عزیزانه زاج | همیشه بصرت و یوقتی تیغ عزیزانه زاج |

بخشش فیض انلوب نظر کدانه
که بولای بولای بولای بولای

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| بورسار ایله خراج اینه برقع | بورسار ایله خراج اینه برقع |
| صحن خراج قدس بر اینه برقع | صحن خراج قدس بر اینه برقع |
| اول شاه انلوب اولوب طریقی برقع | اول شاه انلوب اولوب طریقی برقع |
| بصرت و تیغ و قطره سال شمع | بصرت و تیغ و قطره سال شمع |
| بور خدایه اولوب دور خدایه مطلع | بور خدایه اولوب دور خدایه مطلع |
| لا یوقی ایلم برقمه سنی سنی مطلع | لا یوقی ایلم برقمه سنی سنی مطلع |

مدانیت نظمه انلوب غبار کویک
او غنچه بولای بولای بولای بولای

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| اولوب ای حنیب مولای بولای بولای | اولوب ای حنیب مولای بولای بولای |
| که هنر و نوب و عهد و پیمان سنی خدایه | که هنر و نوب و عهد و پیمان سنی خدایه |
| کل دایه دایه اولوب اولوب اولوب | کل دایه دایه اولوب اولوب اولوب |
| که اولوب سینه لایم کل ای خدایه | که اولوب سینه لایم کل ای خدایه |
| که هر صدایه اولوب اولوب اولوب | که هر صدایه اولوب اولوب اولوب |
| که اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب | که اولوب اولوب اولوب اولوب اولوب |

کوه رنگه نظمه اولوب اولوب اولوب
سینه سی سینه سی سینه سی سینه سی

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ایلم ای طیب دل درد عجزه اجلاط | ایلم ای طیب دل درد عجزه اجلاط |
| بور بزرگ ان الله فی خراج انبساط | بور بزرگ ان الله فی خراج انبساط |
| ذات شریفک اولسه بندر قه بل صراط | ذات شریفک اولسه بندر قه بل صراط |
| ساکه خدایه بوی خدایه ساط | ساکه خدایه بوی خدایه ساط |
| بارک خدایه اولوب اولوب اولوب | بارک خدایه اولوب اولوب اولوب |
| تا که متانت اولوب اولوب اولوب | تا که متانت اولوب اولوب اولوب |

رسم انلوب بولای بولای بولای
انلوب انلوب بولای بولای بولای

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| شاه اولوب سینه بندر امداد زاد فیض | شاه اولوب سینه بندر امداد زاد فیض |
| عزم اولوب سینه بندر امداد زاد فیض | عزم اولوب سینه بندر امداد زاد فیض |

الله اشقته رحمان رحيم جنتي الله || انساوا بوى كروي جنتي الله

اولى استر سگ تظلمت جنتي الله
خان دولان اولاد جنتي الله سو

| | |
|--|--|
| خدا دره كورون آستان ماك نوبه اي شاه اتهه نايت شاه قديك شير و كشت زار رفته كندن دوشدي هتكدم درو خرمن شاهك سرتا سر مين مقدار جو خضوه اولاده عاجز رخس عقل تيز و | عزوه حده حده صده صده خنده خنده اولور خوشه عقد تيا رايح افلا حده تاقيا مات رايح اولسه سكه مهره ك نوله اولاد نر جوله طفلك اتيا وصي سايين اي ترو عنر كندن مهرانو ر بر علو |
|--|--|

ماد سندن اي تازين خدا جنتي الله
دم وانستين جنتي الله
تظلمت ترو جنتي الله

| | |
|---|---|
| شاه اتهه سدا سايين جنتي الله ع اولين قانم اجيرين جنتي الله جنتي خدای جهان افيرين جنتي الله مؤمنين مؤمنين جنتي الله شاه صاحب الشرح صاحبان جنتي الله قندو كوله رينا رين جنتي الله شاه بنده سر برين شاه بنده جنتي الله بر افقاده جنتي الله ع اولام شاه اتهه روح الامين جنتي الله | وجود كدرای بادشا كزين جنتي الله ع اولين حدون جنتي الله ع اولين رسول كرم جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله ع اولين شاه اتهه جنتي الله |
|---|---|

* اي خسر ودي شيگان كرم كستر عالم *
* بخاره تظلمت اي شي لطفكه عالمي *

| | |
|--|---|
| عجب خدا عجب جهان معجز عالم * اي شاه كرمكورد پوزو عالم * ساطران رسول حضرت پيغمبر عالم * عكوم سگ حكيمه سرتا سر عالم * دادار جهان دارها و دارها عالم * شتران زنده اولور ايدي دوزن عالم * | اي قافه قافه سلا سلا عالم * مات دله صنف مهره كره جلا ويز * شاه اتهه او رنگ نبوت شه كوتين * مستغاد سندن امره كره سر جله خلاق * اورانك طراز دوسرا احد مختار * عاجز اي اولسه اولسه قنولك * عاجز اي اولسه اولسه قنولك * |
|--|---|

خان دول تظلمت روح روانه كره مادم
اوله صلاه سلام تا بخش بر او اول

ع اولسه عجب اي شي لطفكده كرمكورد و كرمكورد اي شي لطفكده كرمكورد

* جوشنده و قو بخاشنه انجی سراج *
* سبش شاه دوه کوکده سبش اولش *

* 2 تا چله تختک سده و ده دینار | دینار سراج و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *
* ای شاه رسال جسر و صومعه سراج *

قطعات * * *

اوله مقبول شیرینک بود ایدنی لطیف
بولسه رنک فاقه رنک بو سبز کاهی

ای فرزند خراج حرم قرب الهی
گورده حسنی اواری کرار سحر و شام
اولدیلر بای و کدا معینم سقره لطیف
بند خلیفه کوشورک اواره بوله مخلوق
باقه عصیا عاصی قولک الله شفاعت
بولورم کفه عبقو کده دکل دانه خردل

بولدی کونین کونین کونین کونین
ای عصاه اعلی هر انجی عالمه پاه
بم خود که عرق اندک درویش شاه شاه
ای عصاه اعلی هر انجی عالمه پاه
بولدی کونین کونین کونین کونین
ای عصاه اعلی هر انجی عالمه پاه

تک اولسه خاتم ایسم برین آهین تک
بظنم آسا فدای قدی حنیف الله

چم خورک فون برانده کردان اولدورون
اولور بخشایش خرم عصاه امت ایدن خده
بازور برانده و بوب گدی بلدی جم ایلدی قدی
نامر کسی اقلایک وزیرهای رفعی اولکم
بوله عطر سه سی اواره روحی فدای اولسه

اولوب تاروز خنده دهی کوی حنیف الله
شفاعت حرمه لطیف یازوی حنیف الله
هلالک اشفاق طایق ازوی حنیف الله
اوله اقلایک خا کوی حنیف الله
مقام خانی لیریلدی بوی حنیف الله

* سن سو بندار صفا و جود که بپایه کس می
 * به شکوه بخنده نامش و خاندان سواران الله
 * وی زمینان گران هیت عشقه عمو
 * شه دوسو سوار رسال شمع ابر محمد امین
 * بدعا نام که اولاد اولاد اولاد
 * سرمست نایه قدح شوق خان و دل
 * سن اولاد که در جاده ظاهر او ۱۷۸۰
 * یک دل و خال و ناله اس و ناله اس و ناله اس
 * طبع کریم و اگر که مگر بحر عرف
 * هفتاد که هفتاد و هفتاد و هفتاد
 * اولاد و ناله اس و ناله اس و ناله اس
 * دل عشاق محمدن محمدن محمدن
 * اولاد و ناله اس و ناله اس و ناله اس
 * افی نیشن و جود در عرض
 * فایه ران محمدن خط خط
 * در راه سینه سینه و سینه سینه سینه
 * محمدن صورت اسرار اولاد محمدن

* آرسول الله سندن عمری بود قدر کس می
 * امید اولاد اولاد اولاد اولاد
 * خواجه صدی حبیبی خدیجه رسول کریم
 * بهای نام که اولاد اولاد اولاد
 * ای نوبش داری علم کس کس کس
 * وجود کنده علم عدمن عالم اولاد
 * ذاکر روز اول ای شه ملک تحقیق
 * ذاکر شریف و اشرفان شرف شرف
 * ای ساری ساری ساری ساری
 * حصار حصار حصار حصار حصار
 * خانه اولاد اولاد اولاد اولاد
 * اولاد حبیبی خدیجه خدیجه خدیجه
 * جوی ذاکر عالم بر عرض
 * ای عیبه رسال عیبه رسال
 * ای جسر و یکا به کس نیشن عرض
 * ای قطار کاران اولاد اولاد

بویوانان اولادین کسکین طقوزن آتانه بیایند
بیطغسا سیراندون کجسنگه هاق دندی تاریخ

و خود کلدی بی کسکین طقوزن بویوانان بویوانان
ایله ایلله اولادین کسکین طقوزن بویوانان
ایله ایلله اولادین کسکین طقوزن بویوانان

تاریخ دنگ * * * * *

* * * * * زهی عهد اولوی ایلله
* * * * * دندی حوهری حرقه قدسیان

* * * * * تاریخ فکر اولوی ایلله
* * * * * دل جهمی خون ایلله اولوی ایلله
* * * * * تاریخ قدر حوهری ایلله
* * * * * بویوانان اولوی ایلله اولوی ایلله

تاریخ ایلله اولوی ایلله

دوبردی معدنی با قویه کوریه حداد
 دکه چینه دوش اواسه دشته فو لاد
 دوشردی از نه اندام خیره جلا
 بوله حیات اند خاله جان او این افسان
 خه اینسان سر هسار مهر به فر هاد
 بیور کور طایفه نایب ریشاد
 و خوی هستی اشیا به نایب افسان
 عقاب اولدی رنگه را افسان خزان
 اولدی اندلی دور بند امیر ارج افسان
 که اولدی طایفه دندان یعنی اهل افسان
 هزار مراله نام کلام افسان

دوبردی معدنی با قویه کوریه حداد
 دکه چینه دوش اواسه دشته فو لاد
 دوشردی از نه اندام خیره جلا
 بوله حیات اند خاله جان او این افسان
 خه اینسان سر هسار مهر به فر هاد
 بیور کور طایفه نایب ریشاد
 و خوی هستی اشیا به نایب افسان
 عقاب اولدی رنگه را افسان خزان
 اولدی اندلی دور بند امیر ارج افسان
 که اولدی طایفه دندان یعنی اهل افسان
 هزار مراله نام کلام افسان

مردی افسان خزان افسان خزان
 خزان افسان خزان افسان خزان

دندان را هندی کسای کشور ریشاد
 جلا صله دو جهان نکه از سخن جهان
 در نده فرقه اوتاد و زور افسان
 هزار خسر و دار و صد هزار افسان
 شمع شمع شمع شمع شمع شمع
 که اولدی وجه اینه کشته فو لاد
 متاع کلامی افسان افسان افسان
 متاع شوق فزون بسته در کسای
 که عیش و عشرت به مثل افسان افسان
 خیزی اولسه جلمه جلاله افسان
 افسان افسان افسان افسان افسان
 جلام افسان افسان افسان افسان
 قدح دعا افسان افسان افسان افسان
 که تو به افسان افسان افسان افسان
 که کل افسان افسان افسان افسان
 که هر جراب کل افسان افسان افسان
 که دلم افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان

دندان را هندی کسای کشور ریشاد
 جلا صله دو جهان نکه از سخن جهان
 در نده فرقه اوتاد و زور افسان
 هزار خسر و دار و صد هزار افسان
 شمع شمع شمع شمع شمع شمع
 که اولدی وجه اینه کشته فو لاد
 متاع کلامی افسان افسان افسان
 متاع شوق فزون بسته در کسای
 که عیش و عشرت به مثل افسان افسان
 خیزی اولسه جلمه جلاله افسان
 افسان افسان افسان افسان افسان
 جلام افسان افسان افسان افسان
 قدح دعا افسان افسان افسان افسان
 که تو به افسان افسان افسان افسان
 که کل افسان افسان افسان افسان
 که هر جراب کل افسان افسان افسان
 که دلم افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان
 خه افسان افسان افسان افسان افسان

کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید
کفایت آینه ای معجزه نماید

سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف
سطور معتبره و اردار صف صف

نوع جمع از ادوات مرکبات
نوع جمع از ادوات مرکبات

ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ
ندست ناری حضرت و اوله ۱۸ خ

عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد
عندوی دین اوله تا حشر ایزد نام بد

ملاک شمشاد
ملاک شمشاد

اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک
اندردی صندی ازاد حشر ده شک

حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل
حکیم حقیقی اگر اولسه بنجی کز عدل

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حقه آب اندر
بناب تینه کلکونی خجانه اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجانه اولدانه آب اندر
بنفشه نازده ستر کل آب اندر
کتاب صبر مری و قیامت آب اندر
اولوب دانه هوسه نایب آفتاب اندر
پادله دانه بی چون آب اندر

او شکر خنجره بزم عشق
او بزم کهنه قدح نوش ناده عشق
که فیض عشق ناله در دانی حقیق
او مهر بزم ملاح حمله نور حسرتین
او مست ناله نازک مدام خون دل
جناب جلوه ناله اوفتاده دهک
هجوم غم سی جوان دانه اقدار
بقیوب او حقه سطره عذار دانه
خجانه دلبری اندیشه آفتاب دانه
های عقلی گرفتار دانه حسرت اندر
او بزم حاصله کتم بزم آب اندر

اولسون همیشه دشمنی فاعل شریک
تاکت خجانه فاعل شریک

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حقه آب اندر
بناب تینه کلکونی خجانه اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجانه اولدانه آب اندر
بنفشه نازده ستر کل آب اندر
کتاب صبر مری و قیامت آب اندر
اولوب دانه هوسه نایب آفتاب اندر
پادله دانه بی چون آب اندر

او شکر خنجره بزم عشق
او بزم کهنه قدح نوش ناده عشق
که فیض عشق ناله در دانی حقیق
او مهر بزم ملاح حمله نور حسرتین
او مست ناله نازک مدام خون دل
جناب جلوه ناله اوفتاده دهک
هجوم غم سی جوان دانه اقدار
بقیوب او حقه سطره عذار دانه
خجانه دلبری اندیشه آفتاب دانه
های عقلی گرفتار دانه حسرت اندر
او بزم حاصله کتم بزم آب اندر

رواها سها شور شور
ای اولدانه ایسوخان سکندون شور

دخول اندر سه فلابه و در آن اندر
که مهری سالی کردانه جناب اندر
سپهر سینه رخشان بر آفتاب اندر
او صیغه دل شدانی حقه آب اندر
بناب تینه کلکونی خجانه اندر
سینه دل کردان اضطرار اندر
مدام خجانه اولدانه آب اندر
بنفشه نازده ستر کل آب اندر
کتاب صبر مری و قیامت آب اندر
اولوب دانه هوسه نایب آفتاب اندر
پادله دانه بی چون آب اندر

او شکر خنجره بزم عشق
او بزم کهنه قدح نوش ناده عشق
که فیض عشق ناله در دانی حقیق
او مهر بزم ملاح حمله نور حسرتین
او مست ناله نازک مدام خون دل
جناب جلوه ناله اوفتاده دهک
هجوم غم سی جوان دانه اقدار
بقیوب او حقه سطره عذار دانه
خجانه دلبری اندیشه آفتاب دانه
های عقلی گرفتار دانه حسرت اندر
او بزم حاصله کتم بزم آب اندر

خای کلایک ازان عجمه لاقوس
وقت منقبت حوصله سوزان موس
التم مستاد و انک در لایه خوس
انلام مدحی رشک عارف طوس
فنیس بعتله کلا عده معانی موس

اولی ای سوزین قن و مکه سنک
وصف ذات و صفت شیشه ساز و صاف
بن کدر آنکه بقره جتک اولو سه شاه
نیم اول باطل شهبان اوصاف کتم
اولو را اوصاف فنی ما نند بخت

شاه نصر است پادشاه و بیله کار کوس
ای شکی هوله اندن حصی زانی و مکه موس

مهر و مه و مهر
چسبیت بیج و ستان صفت و چسب
در هر کله کله حاله کله کله
اولان شاه است است بهر آن قدر
دوره جو رشید شاه است است بهر آن قدر
بخاس رفیق است و قی سیم سیم
دختر اطراف و عطا و عطا
مهر و مه و مهر و مه و مهر
شیرت و شیرت و شیرت
سازن مصلحت است و سالی
که کجا کجا کجا کجا کجا
کوه و کوه و کوه و کوه
ان اولی ای سوزین قن و مکه سنک
وصف ذات و صفت شیشه ساز و صاف
بن کدر آنکه بقره جتک اولو سه شاه
نیم اول باطل شهبان اوصاف کتم
اولو را اوصاف فنی ما نند بخت

ان اولی ای سوزین قن و مکه سنک
وصف ذات و صفت شیشه ساز و صاف
بن کدر آنکه بقره جتک اولو سه شاه
نیم اول باطل شهبان اوصاف کتم
اولو را اوصاف فنی ما نند بخت

روان آنکه تا حشر اوله صلات و سلام
تاسی ده هواره کتم خطاب اندن

همیشه کوه اوصاف ایچک اندن
ملا و دسین ایچون بیج
دعای باد شده مال انا قار اندن
سر شک دیده قی می بفرم اندن

او خوروی با کوه کوه
ستا بشکده اندون بونک
سوزن بزدی غایب ای دل کف
همیشه تاه اولوب بزم عشق کرم

Handwritten title at the top of the page, possibly a chapter or section heading.

Column of handwritten text on the left side of the page, consisting of approximately 20 lines of script.

Column of handwritten text on the right side of the page, consisting of approximately 20 lines of script.

Handwritten title or section header located in the middle of the page, below the main columns of text.

Column of handwritten text on the left side of the lower section, consisting of approximately 4 lines of script.

Column of handwritten text on the right side of the lower section, consisting of approximately 4 lines of script.

مهر و نونك خردی شیرین خرد شیرین
حق آیتش ایچین شیرین شیرین شیرین
سطح است این شیرین شیرین شیرین
در بان است این شیرین شیرین شیرین
فر ما که جمع مطهره شیرین شیرین
مست مدام در شیرین شیرین شیرین

اولش و خودک ای همه کردن من عرف
بستان صندل جمع حلقه ده ذایحی
شاهانه نظر و عرفان شاه رسال
خبران کماله کماله کماله کماله
مست مدام در شیرین شیرین شیرین

بند زخیر صمدیه اولون بان روز بان
بند زخیر صمدیه اولون بان روز بان

اروی رفیقه خیره فک شیرین شیرین
آفتاب که شیرین شیرین شیرین
دشمنان عارف قهرت ایله بان شیرین
دینم سوزش مهر که دل ده شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین

ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین
ملاک حقیقه فرح خاری و اندوه شیرین
ایده چون حکم شیرین شیرین
شاهانه طایفه شیرین شیرین
اولون شیرین شیرین شیرین

اولاد هم عالمه سوره و اولاد من تا مومن
 دوفتره و عید روز و حساب اولاد هم
 دوفتره اولاد هم سوره و اولاد من تا مومن
 کوزم اولاد هم سوره و اولاد من تا مومن
 عقلا دیندی مندر که خون اولاد من تا مومن
 این که خون اولاد من تا مومن
 روح بخوبی که دست است مومن
 که پیشتر که جنگ در اوج اولاد من تا مومن
 شوق لب لاله است مومن
 خان سوزنده که خانه دیندی مومن
 دل دیوانه می که سلسله خندان خون
 بزیر که عقلی اولاد من تا مومن
 که فیه و باد اندام داد بودی و ارون
 اولاد من تا مومن
 که در دل حال مومن
 دل سوزنده که فیه اولاد من تا مومن
 ابتدای اولاد من تا مومن
 نفس جودین و جود ارون و رورودون
 اولاد من تا مومن
 مدالله بی نفس و هو اولاد من تا مومن

استادی الوده بی مشایخ مهنیات
 استادی الوده بی مشایخ مهنیات
 هر چه بر من که در صفتی خای کسین
 جوانه و اسیر اندام و اسیر اندام
 طریقی بخوبی که فیه خون اولاد من تا مومن
 اولاد من تا مومن
 خان فریاد که دیندی مومن
 که بی تو می طریقی که اولاد من تا مومن
 که اسیران که جوانه مومن
 حرم حقیقه در دیندی مومن
 آرزوی کسری که اولاد من تا مومن
 بر ملک منیره که چشمی بیگانه که
 که کسری که اولاد من تا مومن
 دست است خطای که اولاد من تا مومن
 رنگین رنگین بودی از سوی سرج و سفید
 روح سنگین اولاد من تا مومن
 که مملکت عقلا اولاد من تا مومن
 عقلی فکر و دل وطنی تا اولاد من تا مومن
 هر چه قدر بودی مملکت که اولاد من تا مومن
 الدی بزیر مملکت در اولاد من تا مومن

اولاد من تا مومن
 اولاد من تا مومن

دستین روز و عید اولاد من تا مومن
 عید اولاد من تا مومن
 روز و عید اولاد من تا مومن
 اندام و عید اولاد من تا مومن
 عقل عید اولاد من تا مومن
 مملکت عید اولاد من تا مومن
 اندام عید اولاد من تا مومن

اولاد من تا مومن
 اولاد من تا مومن

عید اولاد من تا مومن
 عید اولاد من تا مومن

طهر و در آن که سیرت سیرت است
خبر آن که در آن که سیرت است

طهر و در آن که سیرت است
خبر آن که در آن که سیرت است

جدا کردن عالم سیرت از عالم
جدا کردن عالم سیرت از عالم

جایزای نوری است که در آن
جایزای نوری است که در آن

جایزای نوری است که در آن
جایزای نوری است که در آن

دو عالم است که در آن
دو عالم است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

دو عالم است که در آن
دو عالم است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

دو عالم است که در آن
دو عالم است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

صفتی است که در آن
صفتی است که در آن

دو عالم است که در آن
دو عالم است که در آن

حرام است بوله چشم دل بر آن بوله نوب

| | |
|--|---|
| فان بولچه او فوده و چون این طرف تنگ بانه دل را شرب عشقه طرف تنگ بانه دل را شرب عشقه طرف تنگ بانه دل را شرب عشقه طرف | ها نکه شمشیر به آب افتاد از طرف فوقه بر قطره می خیزد لایق از طرف تنگ بانه دل را شرب عشقه طرف تنگ بانه دل را شرب عشقه طرف |
|--|---|

حاج احمد و اولاد صاحب الاموال
محمد علی خرد و احمد علی

| | |
|--|---|
| عزیز گویند که در نوب شریفین فرایح عزیز گویند که در نوب شریفین فرایح عزیز گویند که در نوب شریفین فرایح عزیز گویند که در نوب شریفین فرایح | بساط خاکنه باه ستر ستر روان در او در دل افتاد چشمه داغ اولو رسه صبح و صبح راه آه دو چشمه هوش رانی گل مال مار |
|--|---|

چنانچه حضرت خدیجه
چنانچه حضرت خدیجه

| | |
|--|--|
| چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه | دو بر ملا آتیه است که او در نوب شریفین فرایح دو بر ملا آتیه است که او در نوب شریفین فرایح |
|--|--|

طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض
سرم بر پایه خاروب روغ و اسون بوس

| | |
|--|--|
| طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض | طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض طواف کوفی اینست که تا سواکنی عرض |
|--|--|

چون چنانچه خدیجه خدیجه
چون چنانچه خدیجه خدیجه

| | |
|--|--|
| چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه | چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه چون چنانچه خدیجه خدیجه |
|--|--|

Handwritten Arabic calligraphy on a strip of parchment, featuring a long horizontal line and stylized script. The text is oriented vertically on the strip, reading from right to left. The script is highly decorative and includes various diacritical marks and flourishes. The strip is placed against a plain white background.

* اوله عشاق بی بوجا جسم
 * بوله بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* در بیان وصف چهار بار

* تمام رویدگی اولدی مستی
 * شراکت در اولدی اولدی

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* اوله جوارح زبانه و شوق آفرین
 * جوارح صدای عینت و سینه مستی

* بوی کون تا کی اوله علم
 * بائیل جوشی صغیر آتشی دم
 * دمدن می مریبان فیض و حکم
 * ای بساط ساقی عنقه بوی
 * صلا و تامله ایله وضو راقم

* سراسر غایت آیت
 * سراسر سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده
 * سراسر آیت سینه مستاده

* اوله جوارح زبانه و شوق آفرین
 * جوارح صدای عینت و سینه مستی

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* اوله جوارح زبانه و شوق آفرین
 * جوارح صدای عینت و سینه مستی

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* سینه مستی عشقکده نشوونم
 * هونله در اضطرار بنه یاد می
 * چنده ذوق و برزق عینت یاد می
 * به الوف و ساقی کجی احاطه یاد می
 * ساقی اولور سه عینت یاد می

* شاه دلدار سوار فرخ فال *
* بار محبوب ایزد معال *

* شاه بزدان علی ولی الله *
* برسی خسته خصال *

* عسری عسری *
* بی بیم بیم *
* آتار آتار *
* هشتمین محمد *
* آتار آتار *

* کندی دارا نغمه جلو کسان *
* روح اولی اولی روان *
* عبد انبوت خان اولی قریان *
* در زده می روی و کون و مکان *
* دهی عینی کوی عالم خان *
* نطق بلبل رخ گل خندان *
* باغ عالی خان عالیان *
* گلستان آید سر و جهان *
* واله حسن و خلق پیرو جوان *
* بجزان جود و معدن احسان *
* همدام شاه مهر و جهان *
* چنین آری آری کلین ایمان *
* مهر کردن رحمت رحمت رحمت *
* کمان علم و همت مرقم *
* جمع حلم و طمع قرآن *

* دعوات اولوب خفته روحی *
* شایطه ماه آستان کوب *
* او لایق و اصل مقام شهود *
* در سینه اول شاه ای الله که شهید *
* سخی دلگشا و روح فرنا *
* کلین روضه کرامت *
* کل رخسار اندر ای استخیا *
* فانی بختل بوستان جان *
* شرمسار چرخ ال ایس و ملک *
* عالم طفت جهان کرم *
* محرم رآن سید الکواکب *
* افغان حقیقه توحید *
* تان تان ایمان هدی *
* صاحب حسن خلق و اولورین *
* برسی بیع حیا عثمان *

* اسلاحه بزور اول *
* بیع اسلاحه احمد مسال *
* آتار آتار *

* ساه سندن زخم اندر ای حدی *
* بوستان عدالت مرام *
* انده بختل نور خرم فر *
* اولسون گنجه اول سهاک مظهر *
* نیرزه چشمی هفت ستر در *
* کوکله فوج سروش برده بشیر *
* هفت ناله عقیق فر *
* بیع سترینه قضا جوهر *
* تا خدای راه کوه افسر *
* شهر خدای شاه بندر *
* عاقبت سوزان طل و شتر *

* ظل عدلده خلق راحت انکس *
* قامت سرفرازین ایشی حق *
* آری افغانی آن قالدی *
* معاندانه *
* ده چشم طلسم *
* آفرین جوان روزگاری *
* بیست زار صلا شیک شیری *
* نیر جو زوزه قدر بیکان *
* قدریله ربه سناک در کاهی *
* با دشاه عرکان *
* بیع مجلس فرودین بین *

| | |
|--|--|
| * کاشانه موراچه سالن نو رسالت * * کون گوی کاهی | * کاشانه موراچه سالن نو رسالت * * کون گوی کاهی |
| * وی شه نگی سراسر بده حضرت * * کون گوی کاهی | * وی شه نگی سراسر بده حضرت * * کون گوی کاهی |
| * شانی اله پیراسته تخت اطعی * * هر صبح و مسامحه | * شانی اله پیراسته تخت اطعی * * هر صبح و مسامحه |
| * وی شاه کاشانه قربت اعلی * * کون گوی کاهی | * وی شاه کاشانه قربت اعلی * * کون گوی کاهی |

*** ستر ***

نظم خانه خرام بودم ایتم کتم
اوله جوار حینکه مستم کتم کتم

| | |
|--|--|
| <p>عنايت الله احد عالمه بنم تارن بودامه اولسون ايتانه ديشتم تارن فغانه نفس وهوا اولای ره تارن تارن قومه اوچر کله آلوده دادم تارن چنستان چنیت بستم تارن اولوب مقام رضا خای مایم تارن بستم ربه بر باد خردم تارن نال اینت اوچر اوچر تارن شکوفه زار شهود الله کاشانه تارن فروغ عشق کی قیل شمع رو شمع تارن فرین نورن کمال الله نورن تارن هر رشک سور اوله فوله و شوم تارن</p> | <p>فستاد نیت تارن اسر سلسله معصیت کتم تارن قواقل علم کلم عرصا ندر خطای معترفی رودت و شویا نسون پوشوره زار بخار بند قاسون دل اولوب دله سراق نسیم جلوه کاه اولسون دم حصاد قبول الله عشق فی ایتنه درون سینه مه دولسون محبت عشق اولوب و جود مه روح عشق بر دیده کلم درد بکده شام عکلمه شافل اندم جمال معنیه چشم خانی بیاق قیل بی اوچم محبت مسته حیران اینت</p> |
|--|--|

*** (مخات) ***

 * اسم الله الرحمن الرحیم *
 * مرزبان دل و جان نظیم *

مورثا قطره ولی قطره طوقان زادن
 عالم معرقه مهر جهان آردان
 در کزین ماده کما در
 صفت مهور صفت نظر موه
 قمری گردان حل سالم آردان
 که سینه جانه کھی قیس لیلان
 که چشمند کھی ساجده صناد
 که ستان و کھی و کھی اسفند
 دانه سینه جرمن استیتان در

دانه سینه جرمن استیتان در
 که ستان و کھی و کھی اسفند
 که چشمند کھی ساجده صناد
 که سینه جانه کھی قیس لیلان
 قمری گردان حل سالم آردان
 صفت مهور صفت نظر موه
 در کزین ماده کما در
 عالم معرقه مهر جهان آردان
 مورثا قطره ولی قطره طوقان زادن

عقود اوله کاهی
 * اول شاه کز اولورسه عتایت *

بخاره نظرک
 * عصایا له اوله قدر مندر مندر و عتایت *

| | |
|--|--|
| <p>* درک الله از راه ساهی * درک الله از راه ساهی * درک الله از راه ساهی</p> | <p>* درک الله از راه ساهی * درک الله از راه ساهی * درک الله از راه ساهی</p> |
| <p>* هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول * هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول * هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول</p> | <p>* هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول * هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول * هر صبح و شب آیتیه کھی اول اول</p> |
| <p>* نظر کھی اول کھی اول کھی اول * نظر کھی اول کھی اول کھی اول * نظر کھی اول کھی اول کھی اول</p> | <p>* نظر کھی اول کھی اول کھی اول * نظر کھی اول کھی اول کھی اول * نظر کھی اول کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |
| <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> | <p>* بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول * بخندت در سوره کھی اول کھی اول</p> |

عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره

بسطه در اولی خفته فاقه رفتن
خوشه کز آینه رخ عکس عکس
سخن عالم دل صبح دل دایره در
آتش عشق جرد سوزنده و شین بر و آینه
نوعان خسته خسته خسته خسته
ایستاد سوزن دایه صفت
اولی دل او ایستاد خسته

دلگه آینه طوطی خسته خسته
دلگه آینه کوهی کوهی کوهی

عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره
عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره
عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره

عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره
عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره
عظمت حال رخ هر صبر رعنا در
عظمت جان به آینه دل بهنگام
ایده سوسای سوزنی شایسته
کل اولوب تار خسته با این اجزا در
دایره نازیده دایه وارسته دو ایام
دایره عینه سوزن درون سوزنده
کری به صفت مسدود و جود در دایره

مجلس اول در بیان اصول و فروع دین
مجلس دوم در بیان اصول و فروع دین
مجلس سوم در بیان اصول و فروع دین

مجلس چهارم در بیان اصول و فروع دین
مجلس پنجم در بیان اصول و فروع دین
مجلس ششم در بیان اصول و فروع دین

شاه فیاض علی احمد خان اوجا

مجلس هفتم در بیان اصول و فروع دین
مجلس هشتم در بیان اصول و فروع دین
مجلس نهم در بیان اصول و فروع دین

مجلس دهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس یازدهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس دوازدهم در بیان اصول و فروع دین

مجلس سیزدهم در بیان اصول و فروع دین

مجلس چهاردهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس پانزدهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس شانزدهم در بیان اصول و فروع دین

مجلس هجدهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس نوزدهم در بیان اصول و فروع دین
مجلس بیستم در بیان اصول و فروع دین

دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

شاهنامه جلد نهمین بخش اول
ای سنجیق حرم قدم رفته رخسار

دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش
دعوی ناطق و حق تائید است و حق
یونان و آفرینش و آفرینش و آفرینش

* ادا قوتك من تيمم عزي و علا در *
 * ميروده بوازه قلم ضيف در *
 * ابواج ۷۴۳ برون و بوسا در *
 * شمشيره جون جگر جمع عدل در *
 * اجانب بزم بگهنگه بنام در *
 * جودى كهر هبه در تاي عطارد *
 * افكارى همان هرفه كلى سحر در *
 * جاك حرمى كل غزلان جفادر *
 * شمشيرى الهزمه شكاف جفادر *
 * نير و نيرى قدرى قدرى قفادر *
 * جور بشيدار نيكه نيكه سها در *
 * كاخچه سادات و خيران جفادر *

* اول صنف نيشان جهان در *
 * اول صدرى كركر در صفا در *
 * اول نيرى كركر معارفه وجودى *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *
 * اول شيرين شيرين شيرين در *

* ميرودى قله كه ميرودى در *
 * خيران را مصطفى باشا كه دلام *

* داداده سنده جور و جفادر *
 * بوعاله بون بون بون بون بون *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *

* اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *
 * اول اول اول اول اول اول اول *

* خاندان خاندان خاندان خاندان *
 * خاندان خاندان خاندان خاندان *

* كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه *
 * كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه *
 * كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه *
 * كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه كتمه *

اولی آن روز به روزه رفته باز
هر کس هوشه از شور زنده بود
کوری و آینه اطراف او را
اولی آن روز به روزه رفته باز

اولی آن روز به روزه رفته باز
هر کس هوشه از شور زنده بود
کوری و آینه اطراف او را
اولی آن روز به روزه رفته باز

آستانان که از صف انجم است
ای اولی زجا دله شقیقتا اله من است

بم آید و ب خاطر در راه راه
چشم وادای و صفت او است
چشم وادای و صفت او است
چشم وادای و صفت او است

بم آید و ب خاطر در راه راه
چشم وادای و صفت او است
چشم وادای و صفت او است
چشم وادای و صفت او است

سندای هم حضرت عدی بن شای
صاحبان را که در مکارم روز

طرح رفتاریه افکاره دل و جان آن
سوزن تابون چشم سینه سینه
دل شیدا که هلاک اندی او چشم
بم آید و ب خاطر در راه راه
چشم وادای و صفت او است

طرح رفتاریه افکاره دل و جان آن
سوزن تابون چشم سینه سینه
دل شیدا که هلاک اندی او چشم
بم آید و ب خاطر در راه راه
چشم وادای و صفت او است

خنک در دلم صدمه خنک
 و نیز در اعظم و کم
 سر آمد و ز صاف صف کف قوم خنک
 جدا بگازمان آصف سکنان خنک
 سحر قدر بیانی اندکی آونک
 حال شاهد بخت و زنجیر فرخند
 خنک حال حور پیشات اوله
 که خنک با ناله اوله نظرده باشد
 خنک در خنک
 هوای وصلی سرفه شده
 شکرسته ساعه مومس و عار و شیشه
 او یکی اندکی بن آونک
 در خنک
 پزی و پشان صانعده اوله
 هران راه و شوک سر و قدن
 عذار عجزیه و پزی سر
 پزی قلم و خنک
 هنوز آینه حسنی گور
 نکاهی قیامه
 درون عاصمه
 کل آله شربت
 که حسنی
 که حسنی
 که حسنی
 که حسنی

و نیز در اعظم و کم
 سر آمد و ز صاف صف کف قوم خنک
 جدا بگازمان آصف سکنان خنک
 سحر قدر بیانی اندکی آونک
 حال شاهد بخت و زنجیر فرخند
 خنک حال حور پیشات اوله
 که خنک با ناله اوله نظرده باشد
 خنک در خنک
 هوای وصلی سرفه شده
 شکرسته ساعه مومس و عار و شیشه
 او یکی اندکی بن آونک
 در خنک
 پزی و پشان صانعده اوله
 هران راه و شوک سر و قدن
 عذار عجزیه و پزی سر
 پزی قلم و خنک
 هنوز آینه حسنی گور
 نکاهی قیامه
 درون عاصمه
 کل آله شربت
 که حسنی
 که حسنی
 که حسنی
 که حسنی

دهره و سن آله پنهان سر اعدای مدام
 حقه خاهه صدمه فکالت اعدای

زهره که خنک
 ال آخوب آله
 دلخاک
 حاسدان
 بر اولو
 بطنک
 ازادی
 قلم
 زهره که خنک

تا که جو ناله
 بولادی
 داغدار
 گورسه
 رخسار
 ها طعم
 آینه
 آینه
 خاک

اطلاق علی کل شهرستان جوشی کرد
مهر بر تو رفتی بر اهل آن جوشی کرد
چشمی رفتمت چینیستان جوشی کرد
پیش از آن همه شهرستان جوشی کرد
بنام معصومه روح روان جوشی کرد
میرزا حسن سدر مکران جوشی کرد
دیده صد و سی و نه ای و سی و نه ای جوشی کرد
بزرگ دیده ای و سی و نه ای جوشی کرد
افزون جلوه ای که ای جوشی کرد

ای فای که ای جوشی کرد
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان

اصف در فای نامه جهان جوشی کرد
اصف در فای نامه جهان جوشی کرد

اهل دل اهل همه اندر دان جوشی کرد
مردم روی زمین زبان جوشی کرد
تو ای روح دل عالم جوشی کرد
ایضا زنده اندی اندی جوشی کرد
دیر جوشیده سراسر از آن جوشی کرد
بشیر بر زنده انوار جوشی کرد
عالم افراتصف عتیوه آن جوشی کرد
ای شه اشد افراتصف جوشی کرد
ای هلا که در جهان جوشی کرد
تازه و نوری نیم ای موی جوشی کرد
جسکی با ره نوبت خنده جوشی کرد
جگر از آن کف نوره جوشی کرد
ای رخ رشک کل باغ جوشی کرد
چشم عتیوه ای و سر ای جوشی کرد
ای بی خایه بو کجده جوشی کرد
خست و خوی ده ای و جوشی کرد
تازه وصلت اهل فال جوشی کرد
تازه جوشی دل را رنده جوشی کرد

استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان
استان کوهستان اولدی در آن شهرستان
دوستی که ای جوشی کرد
در شهرستان اولدی در آن شهرستان

موشه کا سینه صافا صافا کفرا
ای یوانگده جاکه مشاک و عین سار الله

جنتی بنیدن بر ام اوله یو لاله جلاله
صد سه صد بن برین کول کول الله کول الله
انلق اندیشیدن سر صد بر و اوله
عصره هجده کول یوسه حه بنه لاله
دو سه صد حاق نام فکدن سار صد مینا لاله
عاشق آینه داری طوی کوی لاله
رنگدن صد خاک اوله اوله کول الله
رنگدن بر حقیقی سار سه لاله
عجوا و اوروی هفت لاله لاله
میزان قوی زمیندن اسفیل و اوله
مسکنی حقیقی بریندن برین اوله
رفعت ایوان قدی حقیقی و اوله
حاجب در راه مهر مهر لاله
سپت اشعرا ریش و وادی لاله
ملکم حقیقی مولا بنو علی سینه لاله

کم یوتیند سول و یوتیند سول
چند است خجستان با اوله اوله
مخبر حقیقی سار صد کول الله
استبان اوله اوله اوله
دست حقیقی سار اوله اوله
سار صد کول الله اوله اوله
با عده یوی حقیقی اوله
قهرمان قهرمان کول الله
اشعرا حقیقی اوله
دوستان دوستان صد صد اوله
دوستان خاندان صد صد اوله
ریزه سینه استکان حقیقی
هفته سینه ساری حقیقی
اول خلد بنو ذوق کول الله

مصطفی باشا و نورداد کسرتی مدام
مد حقیقی انیش اوله اوله

برینده برینده لاله
دوستان خردی برینده لاله
فقیهت خردی برینده لاله
اوله اوله حقیقی لاله
ادهم قیل قیل اوله اوله
باز کول طوی کول الله
حقیقی طوی کول الله
قادی حقیقی کول الله
قادی حقیقی کول الله
زاهد صد ساله لاله
باب رنگدن اوله اوله
جوانه سینه استکان لاله
یوانگده کول الله لاله

خجستان حقیقی لاله
صفه اوله لاله
اصف حقیقی لاله
دوستان حقیقی لاله
اشعرا حقیقی لاله
باز کول طوی کول الله
دوستان حقیقی لاله
قادی حقیقی کول الله
قادی حقیقی کول الله
زاهد صد ساله لاله
باب رنگدن اوله اوله
جوانه سینه استکان لاله
یوانگده کول الله لاله

| | |
|--|--|
| سخت و سخته شده و از آن جوانان و از آن عزالتی که در راه آنکه از آن جوانان و از آن که از آن جوانان و از آن جوانان و از آن به لایم و از آن جوانان و از آن جوانان از آن جوانان و از آن جوانان و از آن لوی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن خوبان و از آن جوانان و از آن جوانان بناهند و از آن جوانان و از آن جوانان | و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن و از آن جوانان و از آن جوانان و از آن |
|--|--|

* سنگدست و کتوت و کتوت و کتوت و کتوت *
* سنگدست و کتوت و کتوت و کتوت و کتوت *

| | |
|---|--|
| اولی حضرت مدینه را می گویند که اولی بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت مطهر و قلدی از آن اولی است که اولی اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن | * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * |
|---|--|

* اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن *
* مسند و مسند و مسند و مسند و مسند *

| | |
|---|--|
| عاقبت بود که از آن جوانان و از آن جوانان که اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن جسم عتیقه که در آن جوانان و از آن جوانان کوی سر کتوت و کتوت و کتوت و کتوت سفره و کتوت و کتوت و کتوت و کتوت تا آنکه از آن جوانان و از آن جوانان و از آن بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت دشمنی در آن جوانان و از آن جوانان و از آن | * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * |
|---|--|

* در آن جوانان و از آن جوانان و از آن *
* طایفه از آن جوانان و از آن جوانان و از آن *

| | |
|---|--|
| چنین بقیه از آن جوانان و از آن جوانان و از آن بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت که در آن جوانان و از آن جوانان و از آن بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت بناست که کتوت و کتوت و کتوت و کتوت | * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * * اولی از آن جوانان و از آن جوانان و از آن * |
|---|--|

| | |
|---|---|
| فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است و حقیق دلت دامن و کوی مروارید اول کوی در این زمین و کوی شکسته سلسله در این زمین و کوی جوش سوزان آید در این زمین و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی | فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است و حقیق دلت دامن و کوی مروارید اول کوی در این زمین و کوی شکسته سلسله در این زمین و کوی جوش سوزان آید در این زمین و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی |
|---|---|

خاندان اولی و ثانی
خاندان حقیق دلت دامن و کوی

| | |
|--|--|
| عنازلت زینت و حقیق دلت دامن و کوی سازگار است و حقیق دلت دامن و کوی دوایک و حقیق دلت دامن و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی | عنازلت زینت و حقیق دلت دامن و کوی سازگار است و حقیق دلت دامن و کوی دوایک و حقیق دلت دامن و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی |
|--|--|

خاندان حقیق دلت دامن و کوی
خاندان حقیق دلت دامن و کوی

| | |
|---|---|
| فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است و حقیق دلت دامن و کوی مروارید اول کوی در این زمین و کوی شکسته سلسله در این زمین و کوی جوش سوزان آید در این زمین و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی | فصلنامه خاندان جدی خاندان در پنج و حقیق دلت دامن و کوی در این زمین و حقیق دلت دامن و کوی که فتنه اولی است و حقیق دلت دامن و کوی مروارید اول کوی در این زمین و کوی شکسته سلسله در این زمین و کوی جوش سوزان آید در این زمین و کوی خاندان حقیق دلت دامن و کوی |
|---|---|

| | |
|---|---|
| وی بخیر طبع صاحبان کز دون مستقیمه راه معصومین خونهای خرد و دانی و خرد ای آنکی چنان بر این خالق بخون حیران شدن و حکایت از آنکه ادراک از آنکه اینک | خونهای خرد و دانی و خرد مستقیمه راه معصومین خونهای خرد و دانی و خرد ای آنکی چنان بر این خالق بخون حیران شدن و حکایت از آنکه ادراک از آنکه اینک |
|---|---|

ای خرد را ندانند و از آنکه دادند
ای خرد را ندانند و از آنکه دادند

| | |
|--|--|
| اوقات گذران آید . اشکسته و بسته عصیانهای خردی بود و قدر و خیر پاهاش سحر اوله انشی اوله او بسته خون صورت دیوانه فکند . بسته اونای دل و جان تاب جز به جسته | اوقات گذران آید . اشکسته و بسته عصیانهای خردی بود و قدر و خیر پاهاش سحر اوله انشی اوله او بسته خون صورت دیوانه فکند . بسته اونای دل و جان تاب جز به جسته |
|--|--|

قوتی در دل گستاخی سواد سواد
قوتی در دل گستاخی سواد سواد

| | |
|---|---|
| خندانم در کرم بوسه المسم اندکرم از کرم خندانم بفرم فرم فان اوله یعنی یک عیش و عدل ایمانی باغی باغی در سواد خوناب و خانات دو طور خرم خندان | خندانم در کرم بوسه المسم اندکرم از کرم خندانم بفرم فرم فان اوله یعنی یک عیش و عدل ایمانی باغی باغی در سواد خوناب و خانات دو طور خرم خندان |
|---|---|

اطفای باغی از سواد اوله موجب خندان
اطفای باغی از سواد اوله موجب خندان

| | |
|--|--|
| استادان کز یاد او سو او بر روی فانی سپهره و دور دوری که داند خطای فانی ای ایشم اخوانم و اطفا جسدای بوی آید و کوی خوشی کدوی بوی بوی سر بوی تاسم که نه بوی و نه و را بر بزم بزم بقای | استادان کز یاد او سو او بر روی فانی سپهره و دور دوری که داند خطای فانی ای ایشم اخوانم و اطفا جسدای بوی آید و کوی خوشی کدوی بوی بوی سر بوی تاسم که نه بوی و نه و را بر بزم بزم بقای |
|--|--|

حال دل سواد سواد سواد سواد
حال دل سواد سواد سواد سواد

| | |
|--|--|
| بخطه استی بک سواد سواد ظلاله عصیانها که دور دوری که تیموده گذران آید و بخت سواد اگر چه معنوی مگر ختم ختم الله قالدم راه تا یک معصومین سواد | بخطه استی بک سواد سواد ظلاله عصیانها که دور دوری که تیموده گذران آید و بخت سواد اگر چه معنوی مگر ختم ختم الله قالدم راه تا یک معصومین سواد |
|--|--|

و خود بی چنین ای را بی رویه و لولایه
و خود بی چنین ای را بی رویه و لولایه
و خود بی چنین ای را بی رویه و لولایه
و خود بی چنین ای را بی رویه و لولایه
و خود بی چنین ای را بی رویه و لولایه

او کون او اولو می غنی جاگ استانبند
او کون او اولو می غنی جاگ استانبند
او کون او اولو می غنی جاگ استانبند
او کون او اولو می غنی جاگ استانبند
او کون او اولو می غنی جاگ استانبند

کتابه قافله سالار با مرام در حلال
کتابه قافله سالار با مرام در حلال

دلیل راه هدی مقید ای اهل بقین
دلیل راه هدی مقید ای اهل بقین
دلیل راه هدی مقید ای اهل بقین
دلیل راه هدی مقید ای اهل بقین
دلیل راه هدی مقید ای اهل بقین

خطیب منیر فراف نام قیامه دین
خطیب منیر فراف نام قیامه دین
خطیب منیر فراف نام قیامه دین
خطیب منیر فراف نام قیامه دین
خطیب منیر فراف نام قیامه دین

میان ان و کل انچه انان آدم
میان ان و کل انچه انان آدم

جد بو دهی دوسر انچه سید انقلین
جد بو دهی دوسر انچه سید انقلین
جد بو دهی دوسر انچه سید انقلین
جد بو دهی دوسر انچه سید انقلین
جد بو دهی دوسر انچه سید انقلین

فینا در ره گهی گریه تا به کل انص
فینا در ره گهی گریه تا به کل انص
فینا در ره گهی گریه تا به کل انص
فینا در ره گهی گریه تا به کل انص
فینا در ره گهی گریه تا به کل انص

شاه زمین و زمان شاهان اولاد
شاه زمین و زمان شاهان اولاد

هونز آید سده سن معانی اعجاز
هونز آید سده سن معانی اعجاز
هونز آید سده سن معانی اعجاز
هونز آید سده سن معانی اعجاز
هونز آید سده سن معانی اعجاز

فکر عجز بقیه عصیان ای ایشیه طومار
فکر عجز بقیه عصیان ای ایشیه طومار
فکر عجز بقیه عصیان ای ایشیه طومار
فکر عجز بقیه عصیان ای ایشیه طومار
فکر عجز بقیه عصیان ای ایشیه طومار

ستار ویش اولسون اولون بستان روزگار
هر بگفته خبر ما رساله دلدار
کس که حال جوی لایع انداز
اولسون حرات سحر آله مهری بجز
خسوس ستره شعله زبان آه پشیمار

فلسون بنفشه سر زین شینون انلسون
اول سر و سدره فاشه صد اشیا قله
اول با قله فرا زده و بزار اولون
انلسون درون سینه خریخ ستره زر

سوزن ساق شایه شایه سلطان کر بلا
سوزن ساق شایه شایه سلطان کر بلا

درد سوزن سوزن آله انلسون اولون
کر سوزن سوزن خانه ره خال قدس
اولسون بونده خون دین دین دین
خسوس ستره خانه آله شایه
اولسون صد ای آله پریخ اسما
عرق آله شایه آله ای جسم جوی
دونسون خزان اوله بوجه و فغان

درد سوزن سوزن آله انلسون اولون
کر سوزن سوزن خانه ره خال قدس
اولسون بونده خون دین دین دین
خسوس ستره خانه آله شایه
اولسون صد ای آله پریخ اسما
عرق آله شایه آله ای جسم جوی
دونسون خزان اوله بوجه و فغان

سوزن ساق شایه شایه سلطان کر بلا

درد سوزن سوزن آله انلسون اولون
کر سوزن سوزن خانه ره خال قدس

خزان کوبند آله شایه السلام عینک
شیر نه بک وین زینت السلام عینک
فر و فرجه راجه السلام عینک
سخت حکم حاکم السلام عینک
بیت در صدی قدری السلام عینک
بدر بزمکه وحدت السلام عینک
شاه شایه خفت حاکم السلام عینک
شجاع اولن حضرت السلام عینک

خزان کوبند آله شایه السلام عینک
شیر نه بک وین زینت السلام عینک
فر و فرجه راجه السلام عینک
سخت حکم حاکم السلام عینک
بیت در صدی قدری السلام عینک
بدر بزمکه وحدت السلام عینک
شاه شایه خفت حاکم السلام عینک
شجاع اولن حضرت السلام عینک

درد سوزن سوزن آله انلسون اولون
کر سوزن سوزن خانه ره خال قدس

عظای ایزدی پیشه میرا واحد محمود
روان گشته آله شایه اوله صلوات و درود
مادی او زینت حاکم عینک محمود
زلال وصلته قائده او صد و صد
باز آید ای او صلوات او بود

عظای ایزدی پیشه میرا واحد محمود
روان گشته آله شایه اوله صلوات و درود
مادی او زینت حاکم عینک محمود
زلال وصلته قائده او صد و صد
باز آید ای او صلوات او بود

* ابتداء بی برنگه مقله مقبول *
 * زنجیر جنبه مجنون *
 * گویند کوبه دردم اولی افزون *
 * عالم عشق در کون کون *
 * تا لای تا لای بو جان مجنون *
 * کران کران بو چشم پر خون *

* زخمی بر سینه مست بخون *
 * اولدم اولدم اولدم اولدم *
 * حسرت حسرت حسرت حسرت *
 * عالم عشق در همیشه عالم *
 * اولدم اولدم اولدم اولدم *
 * اشک اشک اشک اشک اشک اشک *

* سرمه بی حسرت بی حسرت *
 * سرمه بی حسرت بی حسرت *

* مستانه سر کران عشقم *
 * بر همین جان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * شایسته گوشت عشقم *
 * از سر تا زبان عشقم *
 * بن لوجه ایجان عشقم *
 * پرورده خاندان عشقم *

* سر فلقه کاروان عشقم *
 * بر همین جان عشقم *
 * سر فلقه کاروان عشقم *
 * شایسته گوشت عشقم *
 * از سر تا زبان عشقم *
 * بن لوجه ایجان عشقم *
 * پرورده خاندان عشقم *

* عشق اولدی ندم کسارم *
 * عشق اولدی ندم کسارم *

* خان کوشی بر صدای نغمه *
 * کردونده عزال مهری بخیر *
 * نفس ایسی از دل دیر تقدیر *
 * صورت ویزه من زبان تقدیر *
 * هر سینه سی اولسه کلاه بخیر *
 * عشق او رسه ای عقله بخیر *
 * عشق ایسی او اولوب علو بخیر *

* دل او بدی نام عشق ایسی *
 * آواز صیدی عشق ایسی *
 * لوح سرمه حرف عشق ایسی *
 * کیفیت حال عشق ایسی *
 * شرح اولنه عشق ایسی *
 * اولدی گوکل بوکل شیدا *
 * باقادی دل ایسی خاله تائیر *

* زنجیر عجب اولدی گوکل *
 * زنجیر عجب اولدی گوکل *

* طاق افتده خان وقت اندوز *
 * بو لای می بنیاز عجب وقت اندوز *
 * در دله شمع مجلس افروز *
 * چون تیر قضا ایندی جگر دوز *
 * ووی نوری قزاق چینه روز *
 * ووی واقف حال راز موز *

* طاق افتده خان وقت اندوز *
 * بو لای می بنیاز عجب وقت اندوز *
 * در دله شمع مجلس افروز *
 * چون تیر قضا ایندی جگر دوز *
 * ووی نوری قزاق چینه روز *
 * ووی واقف حال راز موز *

خجین وصلت اولدی خان برتیس دخی
بخل وصال بولدی دل دست رس دخی

| | |
|--|---|
| سندن هنوز بول شیدا کسندی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی دایان دایان او بولدی | سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی سینه سینه بولدی |
|--|---|

روز خجین دست ده بولدی
روز خجین دست ده بولدی

| | |
|--|--|
| ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی | ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی ای کجی کجی کجی کجی |
|--|--|

خان اعظم فراتک ایله سیدی ای بزی
خان اعظم فراتک ایله سیدی ای بزی

| | |
|--|--|
| مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی | مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی مات خاطر ماتی وقیف بک اندی |
|--|--|

فیاتک سره سیدی اتندی سیدی دنیسه
فیاتک سره سیدی اتندی سیدی دنیسه

| | |
|---|---|
| هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون | هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون هوای انی زلفه خان و دل خجون |
|---|---|

بلا فرقه تارن تارن اولدی
بلا فرقه تارن تارن اولدی

باعت بافت ایجات زمزمین و زمان
بسته ماه ضیاء بنیسی اند آسمان

ای سنی خافت هر دو جهان
بهر سبب از سبب تا سبب مهر

الحمد لله رب العالمین

بسته زبانی پیشور خاک و خشت
بسته است آله او ره پیکان و خشت
بسته زبانی بخدی بره و گشت
بسته حق دوزخ سوله سر نوشت
بسته لطف و کرم سنبله و جود گشت
بسته حامی دین طریقی طوبی زشت
بسته خاله ره در گهی عنبر سشت

بسته زبانی او مال اخون
بسته صفت سینه سینه خشت
بسته صفت طهوری او رب الزکاة
بسته انبیا انبیا انبیا
بسته خواجه خواجه خواجه
بسته حاجی حاجی حاجی حاجی
بسته حرم روضه سی رشک سشت

الحمد لله رب العالمین

بسته نظمه بگویند
بسته کوفی کوفی کوفی
بسته مستقیمه مستقیمه
بسته عقیقه عقیقه
بسته مدینه مدینه
بسته فقه فقه
بسته نظمه نظمه

بسته اول و اول
بسته حرم حرم
بسته حرم حرم
بسته حرم حرم
بسته حرم حرم
بسته حرم حرم
بسته حرم حرم

بندگند حرم سینه سینه

بسته اولی و اولی
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان

بسته اولی و اولی
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان

بسته اولی و اولی

بسته اولی و اولی
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان

بسته اولی و اولی
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان
بسته خان خان

السلام ای بغلی قدی کزین لولایه بیایع السلام ای بزیکه فریده ریشورده خراج
السلام ای گوی که روانه هر چه کوی بیایع السلام ای ستم هر چه ریشورده خراج

هادی راهی ستم بقیته رهنما

السلام ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

عشق خانانای ثیرینه ارواح ستمی مبتلا

السلام ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

رخزای شمسی درخشان چمنده سی پندرزخا

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

طاب انبات گهی گتیا

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف

مهر خورشید و نور او زانو و نوری و نور او زانو و نوری

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

یعنی بوی نگر و نگر بوی

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

در گهی سمرقند که مخصوصه صلح و مسما

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

عذاب اول کشته خان بظلم خوشتوا

السلام ای بنده ای مایه ای اقبال و شرف السلام ای عرف
السلام ای ستم بقیته رهنما و شرف السلام ای اقبال و شرف

مهر و آن زمانه ای اهل ارض اهل ای

* حضرت خضر بی قافله سالارک اوله *
* قدمه عزرا امیر است عورت خدایا اوله *

* ای فرس زبان ظفر توستن توفیق سوار *
* ای سریر که من خانه کت در *
* شرف دود و خنجره شکره پاکه تبار *

* حضرت خضر بی قافله سالارک اوله *
* قدمه عزرا امیر است عورت خدایا اوله *

* ای دست تو فنی و طفره غارک بردار اوله *
* ای دست تو فنی و طفره غارک بردار اوله *
* ای دست تو فنی و طفره غارک بردار اوله *

صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *
صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *

* بوی بختی قیل خنجره او را دای نظیر *
* بوی بختی قیل خنجره او را دای نظیر *
* بوی بختی قیل خنجره او را دای نظیر *

صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *
صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *

* بختی بختی و کوه و آتیه *
* بختی بختی و کوه و آتیه *
* بختی بختی و کوه و آتیه *

صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *
صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *

* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *

صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *
صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *

* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *

صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *
صلاوا علیه مالم اندر و الهلال *

* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *
* ای بختی بختی و کوه و آتیه *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* از مزایای رفیق خیر بر پیشانی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* اول قدمه اولی و اولی گرمی که می فک *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *
* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *
* بافتن مشرق و صفا بخشیدن *

* ما در حاجت حضرت عتبی کنی *
* ما در حاجت حضرت عتبی کنی *
* ما در حاجت حضرت عتبی کنی *

* قطعه در وقت شرف *
* قطعه در وقت شرف *
* قطعه در وقت شرف *

* طعم مگر در عدل در دین *
* طعم مگر در عدل در دین *
* طعم مگر در عدل در دین *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* حرف وصل به کوفه سخن در دین *
* حرف وصل به کوفه سخن در دین *
* حرف وصل به کوفه سخن در دین *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* بو قافه اشک سخن در دین *
* بو قافه اشک سخن در دین *
* بو قافه اشک سخن در دین *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* طوبیای گلستان سخن در دین *
* طوبیای گلستان سخن در دین *
* طوبیای گلستان سخن در دین *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* خنده صفا سخن در دین *
* خنده صفا سخن در دین *
* خنده صفا سخن در دین *

* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *
* در راه حضرت عتبی اقبلی کنی *

* از اول کلام سخن در دین *
* از اول کلام سخن در دین *
* از اول کلام سخن در دین *

| | |
|---|---|
| <p>سلام کن منکران جنات تو بولم صیاح ماهه بوجوش خیر منکران دستان او تنگه اهل منکران الله همیشه بظنمی اولیای قیامت</p> | <p>صیاح ماهه بوجوش خیر منکران دستان او تنگه اهل منکران الله همیشه بظنمی اولیای قیامت</p> |
| <p>همیشه بار خرد الله اولیای جنات و دانات و وفای منکران شکوه و شوکت و دانات و وفای منکران</p> | <p>جناب حضرت شیخ خاندان عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون</p> |
| <p>بیا لایق زهی زین صانع منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران</p> | <p>که کورسره رسد منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران منکران</p> |
| <p>بظن شاهان اقبال شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان</p> | <p>اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای اولیای</p> |
| <p>کوی شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان</p> | <p>سرنده دود آهی شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان</p> |
| <p>جدیو کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور</p> | <p>در فوجی میدان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان شاهان</p> |
| <p>بظن اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید اساتید</p> | <p>در صحنه کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی کوی</p> |
| <p>همیشه عالم عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون عیون</p> | <p>که عاقبت بی خجایت آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای آید ای</p> |

✽ ال بقدر انك سلك يوسف ✽
✽ بكار احسانت بزمانك اخون ✽

✽ قالسه دستمه دامنه يوسف ✽ | ✽ بكار خسته قنده لم بجنب ✽

✽ دست آخروس اولن دل بوجه ✽
✽ هب بزار اندر سخته خجسته ✽

✽ اي اولن خجسته سهرودن عان خجسته ✽ | ✽ كل وضو الله اشك چشمك كدن ✽

✽ اوله موره اوله اهل دل دل ✽
✽ خاي دعوات مستخته سندر ✽

✽ سوقي پيشده افته سخته سندر ✽ | ✽ بز قندار منار دل كه نظم ✽
✽ خلم خجسته قنده سندر ✽ | ✽ اوله اوله اوله اوله ✽
✽ كه طلسم هب خجسته سندر ✽ | ✽ خجسته خجسته خجسته ✽
✽ بز اوله سخته سندر ✽ | ✽ خجسته خجسته خجسته ✽

رشته نظمه و اسفاس قاسم ايتكه نظمه
بويله بز قصه مولا به اوله قيش و بكار

بزر بايتدا به بويه سلم خجسته دو بار
انگي ناسي بزمي نيمه عاك معار
سرايدن بزر بجزا بدوشدي سري سندن ستار
كه در كدن بزر كور سندن سندن بوسه بوسه
اگر ناسناله مه و دهر و خجسته سندر
قدمني خجسته خجسته نيمه سندر
عبرت كننگه قصه سندر روزگار
هر ريدن بزمي نظمه زار و سندر
هر ران بنان باغ كل صد برك او صفا في

بزمي ادندن ادندن بزمي ادندن ادندن
بزمي انجم رنجشاله خجسته معلا در
صدور مرقدي و خودي در بركدر
عبارت در كه كل دو خجسته خجسته خجسته
بكاره صد خجسته خجسته خجسته خجسته
كله قران دري دري و كلاه و كلاه ادندن ادندن
علا در شاهه كو تين بو ايو اب اصباري

بغار فلك آتنده اناب دفته در

| | |
|------------------------|---------------------------|
| * سخن بختی * | * ده سال ای ساله * |
| * در ای دل خایه خایه * | * یوز سوز بانه حال دینه * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |
| * خد عشق اولوی اولوی * | * خد عشق اولوی اولوی * |

* فلكلده و سوره شان عظامك *
 * جمع التبع و مسلتك *
 * سر جوان بوالك حق تار ب *
 * مزه مر صفك حر متجون *
 * خط بندن عظامك الله *
 * خطامه داتا استغفر الله *
 * الهی تویه اولدم ساه صافی *
 * الهی هر خرابه بن سترام *
 * بزنده عتره قتل عیب تار ب *
 * اندن سن ایلتن سن ایلتن ورت سن *
 * عطیه بخش موجود سنست *
 * بزنی ری اینه تار ب رحمتك *
 * استكس حست شقیقت سنكدر *
 * سنكدر عیرت ای قهار بیخون *
 * بریتان سنكدر بنجین تونیت *
 * عدوی خاکی ای ایله بر باد *
 * عزت بن اسلامه ظهیر اول *
 * اوله اعدای مهجور و مدبر *
 * زبون جنل اعدا اینه تار ب *
 * کرم قل سنكدر نون گنه منسه بز یوق *
 * الهی و جلاله *
 * الهی سن حکم و عزت عذر *
 * الهی سن عقی سن بز قیصر *
 * کرم تار ب تار ب شاهها *
 * بتر استغفر الله *
 * نه داتا جناتك خرابك *
 * ز تار ب مدكدر اوله اولدم *
 * اندر حرم اقدارم خلالك *
 * میزای هر قیاس و هر کس *
 * کفیل مطلق و مفعول خالی *
 * جناب کبریا الله اکبر *

* یوزی صویته ارواح کرامك *
 * سکا کربنی اخرونک الاحیاءك *
 * حق تار ب حق تار ب *
 * الهی نور تار ب حر متجون *
 * بنفشه اندر کرم و کاهی *
 * انیس دایم خط استغفر الله *
 * اولوب ستر صفت معانی صافی *
 * الهی بن ستر ای هر خرابه *
 * خوشنسن ستر عیب تار ب *
 * اندن نه اندن نه اندن نه *
 * الهی قاضی الحاجات سنست *
 * قبول ایله دعای شفقنكدر *
 * الهی قوت و قدرت سنكدر *
 * عدوی ایله قهقهه کله خرابون *
 * لوی جسم دونی وار کور تار ب *
 * اندر ب قیام و طبع امداد امداد *
 * الهی بزر و بزر دستکدر اول *
 * شه اسلام تار ب قیل مظفر *
 * محمد امین جوان اینه تار ب *
 * که کلر ز فساد و ظلم خوف *
 * الهی خاره دل اول سنكدر *
 * الهی سن عزیز و عزیز داتا *
 * الهی سن عقی سن بز قیصر *
 * عطا بخش عطا بوشا الهی *
 * ملک ستر کرم حال وصف تار ب *
 * اندر ستر ماله سی بر طره آله *
 * اوله اظهار عجز ایتم دایم *
 * از آل آقا ز ملک بزارك *
 * میز داتا بخت و تار ب مکدر *
 * الت الت کرامی همساز خلائق *
 * الت الحمد ای سطر خود کسدر *

*** مشغول در محتاجات ***

* اندر نظر من *
 * * * * *

بنام خداوندی که روزی در آن روزگار
 روزی در آن روزگار است

| | |
|--|---|
| ای سیرال را زین بار بر آن روزگار در آن روزگار است و چشم همه تو را در آن روزگار است و چشم همه تو را در آن روزگار است و چشم همه تو را | خام خردم و از آن سینه آینه ام او را می گوید که چشم و سینه دو سینه که در آن سینه است این سینه که در آن سینه است در آن روزگار است و چشم همه تو را در آن روزگار است و چشم همه تو را |
|--|---|

بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله الرحمن الرحیم

| | |
|--|--|
| بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم | بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم |
|--|--|

بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله الرحمن الرحیم

| | |
|--|--|
| بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم | بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم |
|--|--|

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله الرحمن الرحیم

| | |
|--|--|
| بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم | بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم |
|--|--|

| | |
|--|--|
| خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا | خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا |
| و طنه عا شقه کوی حنی ایش | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |

بوند در کسک و خور طاقه خا تا
طافه ایل طاقه خور

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| خا تا خا تا خا تا خا تا | خا تا خا تا خا تا خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |

بظن آسا روان سر و اندر ک افلا ه
سازد سگ سلطان عالی خا تا

| | |
|--|--|
| خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا | خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |

بظن اول شوخی دعوت ایش و هان
بزند ادمت ایش ایش ایش

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| خا تا خا تا خا تا خا تا | خا تا خا تا خا تا خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |

بظن آسا خنی اولسه اوین وین دریا
خا تا

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| خا تا خا تا خا تا خا تا | خا تا خا تا خا تا خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |
| خا تا | خا تا |

| | |
|--|--|
| آب آینه چشم و نگاه و باز و چشمه چشم آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه | آب آینه دانه سینه اولور سینه آب آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه |
|--|--|

بطلیم کیمی بطلیم کیمی
بطلیم کیمی بطلیم کیمی

| | |
|--|--|
| آب آینه چشم و نگاه و باز و چشمه چشم آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه | آب آینه دانه سینه اولور سینه آب آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه |
|--|--|

طواف کیمه آینه کیمی
طواف کیمه آینه کیمی

| | |
|--|--|
| آب آینه چشم و نگاه و باز و چشمه چشم آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه | آب آینه دانه سینه اولور سینه آب آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه |
|--|--|

بطلیم کیمی بطلیم کیمی
بطلیم کیمی بطلیم کیمی

| | |
|--|--|
| آب آینه چشم و نگاه و باز و چشمه چشم آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه | آب آینه دانه سینه اولور سینه آب آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه |
|--|--|

بطلیم کیمی بطلیم کیمی
بطلیم کیمی بطلیم کیمی

| | |
|--|--|
| آب آینه چشم و نگاه و باز و چشمه چشم آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه | آب آینه دانه سینه اولور سینه آب آینه خبر که دل اولور سه بوله مشرب آینه |
|--|--|

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

نکته در صفت اطمینان ای بطن
و صفی رخنه طبعی خالی انداختن و شویج

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

عند اجزای سر و کمر ای بطن
اوله و ثانی دل و خان بطن کمر

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

حرف اختصار *

نکته در صفت اطمینان ای بطن
اوله و ثانی دل و خان بطن کمر

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد
ح سواد و سواد و سواد

| | |
|--|--|
| اول سوز و تابه خورشید چشم و کویس اولور | اول سوز و تابه خورشید چشم و کویس اولور |
| کوله بخوم و ماله کویس چشم و کویس اولور | کوله بخوم و ماله کویس چشم و کویس اولور |
| بعل سیدان تابه چشم و کویس اولور | بعل سیدان تابه چشم و کویس اولور |
| فصل چهارم کویس و چشم و کویس اولور | فصل چهارم کویس و چشم و کویس اولور |

تا نیت بی تا ای دل نیت اولور
خوش حال ده جان نیت اولور

| | |
|--------------------------|--------------------------|
| وقت بوال کاهان نیت اولور | وقت بوال کاهان نیت اولور |
| شکل هلال کاهان نیت اولور | شکل هلال کاهان نیت اولور |
| آب زلال کاهان نیت اولور | آب زلال کاهان نیت اولور |
| تک وصال کاهان نیت اولور | تک وصال کاهان نیت اولور |
| دله کاهان نیت اولور | دله کاهان نیت اولور |
| بیش خیال کاهان نیت اولور | بیش خیال کاهان نیت اولور |

نیم ملک نیت او بر وی نیت اولور
نیم ملک نیت او بر وی نیت اولور

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| هک اول سنله دره نیت اولور | هک اول سنله دره نیت اولور |
| سلمان ملک شاهی نیت اولور | سلمان ملک شاهی نیت اولور |
| موج عظیم شاهی نیت اولور | موج عظیم شاهی نیت اولور |
| براهن کاهان نیت اولور | براهن کاهان نیت اولور |

اهل طمناک ادعای شاهی نیت اولور
اهل طمناک ادعای شاهی نیت اولور

| | |
|--------------------------|--------------------------|
| رهر و برهنگه نیت اولور | رهر و برهنگه نیت اولور |
| تک ها کویس نیت اولور | تک ها کویس نیت اولور |
| عاشق کاهان نیت اولور | عاشق کاهان نیت اولور |
| دست عتقه کاهان نیت اولور | دست عتقه کاهان نیت اولور |

تک نیت او بر وی نیت اولور
تک نیت او بر وی نیت اولور

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |
| تک نیت او بر وی نیت اولور | تک نیت او بر وی نیت اولور |

دل زان ای تندی شدی اوجظ اندر در دل
خط روی آرایه دل مه ساله دار در دل

ناری اظلم عشا قه سواق اندون
اول شهسوارای وادی بخجیره خکله نل

دردانه ز که رشته بر خکله نل
اهو انگن طبعت الله شیره خکله نل
زایق فین ویر و اب انکی شمشیره خکله نل
بند کند زلف کهر خکله نل
عشاق ای سری سنی شمشیره خکله نل
جورشدی صیده شمشیره زخمیره خکله نل
کوزه کوزده کوزده کوزده کوزده
تیشک خور داند سنی انصوری خکله نل
وصف رخک که صغیره خجیره خکله نل

نظم لوح علی بر خط جظ انسه د
دم حساب اله عتو الله قه خکله نل

قطار شور و فریادان قدم قدم خکله نل
که ناری خیم خیمید بوله بوله خکله نل
مدد صافسون اوساقی که ناری خکله نل
که طعم طعم دم اولور خکله نل
او ای در و در کن خکله نل
او بزم جامده طین ایدم خکله نل

نظم خط جظ الله علی خکله نل
دولسه اوله عتو الله قه خکله نل

عالمه عالمه عالمه عالمه عالمه
اول بزم جامه کیرمدن اول قدم خکله نل
فکله اوله عتو الله قه خکله نل
عشقک قطاری صیده که ناری خکله نل
که سواد اندر سه راه زبانه و سیم خکله نل
کوبانجه نیک خکله نل
کنم آب و دانه صافی خکله نل
هر سادده دانه سینه سینه بر صم خکله نل

نظم او عجزه جوئی خجیره خکله نل
دل جله عتو الله قه خکله نل

اشهر سوار صمدی ای بقیه

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| ساعتی عشق لشکر شاه آجر | ساعتی عشق لشکر شاه آجر |
| کزار عشق عشق آجر | کزار عشق عشق آجر |
| راهی قهر کجی دستینه آجر | راهی قهر کجی دستینه آجر |
| مات درون عشق آجر | مات درون عشق آجر |
| رات آجر | رات آجر |
| بگون در آجر | بگون در آجر |

ایزوی آجر ایظم ایظم اول سلف سلف اول آجر

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| خان و زورم خرم خان اول سلف اول آجر | خان و زورم خرم خان اول سلف اول آجر |
| چین بر چین اول سلف اول آجر | چین بر چین اول سلف اول آجر |
| کوی خاله دوشه سلف اول آجر | کوی خاله دوشه سلف اول آجر |
| دوشه قیده وار سلف اول آجر | دوشه قیده وار سلف اول آجر |
| خنده خنده اول سلف اول آجر | خنده خنده اول سلف اول آجر |
| عاق اول سلف اول آجر | عاق اول سلف اول آجر |

عشقه کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم

| | |
|----------------------|----------------------|
| عشق فال ایظم | عشق فال ایظم |
| وصف قدک حسب حال ایظم | وصف قدک حسب حال ایظم |
| بیطه خاله عدل ایظم | بیطه خاله عدل ایظم |
| فاتحک خاله ایظم | فاتحک خاله ایظم |
| بوش دایو ایظم | بوش دایو ایظم |
| اول سلف ایظم | اول سلف ایظم |

اول سلف ایظم

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |
| عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم | عشق کله بندگی دو کوه خسته ای ایظم |

اسان اول سلف ایظم

| | |
|-----------------------|-----------------------|
| چشم برده عشق ایظم | چشم برده عشق ایظم |
| زخم صافد اول سلف ایظم | زخم صافد اول سلف ایظم |
| زخم صافد اول سلف ایظم | زخم صافد اول سلف ایظم |
| زخم صافد اول سلف ایظم | زخم صافد اول سلف ایظم |
| زخم صافد اول سلف ایظم | زخم صافد اول سلف ایظم |
| زخم صافد اول سلف ایظم | زخم صافد اول سلف ایظم |

| | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| اینگل مشهوره که بخین اولتر باغ وصلند | بنم کی اودوقی داغ هجر ایتد او سولتر |
| ایندلر روز دست عالم کیم بی انکار | اوماهک بجهه کن کیم ایتد او سولتر |
| جداک جهنک بخروندون برقی باک | ایتد او سولتر |
| هیزرد دلی باک دکدر اهر سولتر | اودرد او سولتر |
| اولتر عشقه کیم گشته دل مصیبت | اویوسف اولتر ایتد او سولتر |
| ایتد او سولتر | عاطف دیم دکلم خاند خاند او سولتر |

سپه او زره ایتد او سولتر
سپه او زره ایتد او سولتر

| | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| هر ایشاهه قورالی بساط مجلس دهر | یوسف اولتر ایتد او سولتر |
| ویزور عبدالرکاب طاب اوت اول کسول | سپه او زره ایتد او سولتر |
| نشان سنگ سید اسیر ایتد او سولتر | دوشین کول اولتر ایتد او سولتر |
| جارتا زه دوشوب کیم گشته تیر | مراج عشقه بر ایتد او سولتر |

سپه او زره ایتد او سولتر
سپه او زره ایتد او سولتر

| | |
|----------------------------|----------------------------------|
| اولتر ایتد او سولتر | اودرد او سولتر |
| اویوسف اولتر ایتد او سولتر | سپه او زره ایتد او سولتر |
| ایتد او سولتر | دوشین کول اولتر ایتد او سولتر |
| ایتد او سولتر | مراج عشقه بر ایتد او سولتر |
| ایتد او سولتر | عاطف دیم دکلم خاند خاند او سولتر |

سپه او زره ایتد او سولتر
سپه او زره ایتد او سولتر

| | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| اینگل مشهوره که بخین اولتر باغ وصلند | بنم کی اودوقی داغ هجر ایتد او سولتر |
| ایندلر روز دست عالم کیم بی انکار | اوماهک بجهه کن کیم ایتد او سولتر |
| جداک جهنک بخروندون برقی باک | ایتد او سولتر |
| هیزرد دلی باک دکدر اهر سولتر | اودرد او سولتر |
| اولتر عشقه کیم گشته دل مصیبت | اویوسف اولتر ایتد او سولتر |
| ایتد او سولتر | عاطف دیم دکلم خاند خاند او سولتر |

سپه او زره ایتد او سولتر
سپه او زره ایتد او سولتر

| | |
|---|--|
| فسرده قالب بختانه صفا و عیز و عیز شراب کهنه بکا ذوق عیون و عیز و عیز جواره کهنه می تو به ناصوح و عیز و عیز بل خواهی هه آب و نایق و عیز و عیز | صفا کی کوهی دل فاضل عشق با کله در جوشا شاه بزم غلام تا خیر اندیشه ستر خانات همین در کار سحر که دسته ساقی بزم صنوح و عیز و عیز |
|---|--|

الماس ناس در سحر حق بوقلم عیز و عیز
اول نظر ده نقد خانی عیز و عیز

| | |
|---|---|
| بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز | صفا اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز |
|---|---|

بوز قور سده دست سخته نوله ناطم
بزرگونی به اسب طبعی به خولا ناطمی

| | |
|---|---|
| ساقی تعاقب قوی غلیظی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی | ساقی تعاقب قوی غلیظی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی بزرگونی که در کوهی کوهی قالی |
|---|---|

رویا اول سده اشک ای ناطم
بزرگونی که در کوهی کوهی قالی

| | |
|---|---|
| بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز | بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز |
|---|---|

بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز
تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز

| | |
|---|---|
| بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز | بخت اول اندر که کل آرزو و عیز و عیز تبع است با ننه ناله صو و عیز و عیز جوانه شهید عید و صو و عیز و عیز باج خصال کمال ریه ناک و عیز و عیز |
|---|---|

۶۰۰ ساله خاتم النبیین
خاتم النبیین خاتم النبیین

امواج صبرین الله کل سلسلین کور
باق دهنده سرگشته طبعان کور
پرتوهای طلعت اولیای اولیای کور
اوده خرس صداسنه ای دل دلی کور
اوج و قیده پیشه بر خیزلی کور
ای دل درون باغده داغ و قیل کور

واری دنیاچه طغنه
تازه خواب استور
جوش سخن باک ادا

سینه بر سوز و درون ریختن
به سالی به سالی به سالی
دل ساقی کوزی خلم اشکی
به سوال و به جواب و به حساب
عجب آلوده و پر خشم و عتاب
عاشق مست است و خراب استور

بگذارم شهید عشق اولی
او خلد سر سپهره شایسته استور

شکرته دله انچه دل اشکسته استور
بوناغان دل بر طایفه سده و سده استور
همای طبعی دام امتداد رسنه استور
او بر جامه هم خون و هم دهنده استور

بایستون فروغ بر تو مهر کله سینه می
تاریب اطمینان راه بر سوز و تاب و بر

مستانه تیغ بر خیز که با دله آب و بر
بوی دهانک ای کل بر خیز و تاب و بر
خوگان گستاخنده و تیغ و تاب و بر
راهی کل عذار کله سینه و تاب و بر
عکس آنکه بر وی اولیای سیراب و بر
سحاب کنی خان دله اضطراب و بر

جدا کردی انوار خواب جوان
بناحی ساعی وار عاقبت فتوح و بر

در روز نوبت عتیق مدالی اهل قیاد در روز اول

صد باره او او رسره بریدار شاه نظر
اول زلف بریتابه که اغوش کشاد

| | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| خون جرح خاله که اغوش کشاد | خون جرح خاله که اغوش کشاد |
| بر سر و جراحی که اغوش کشاد | بر سر و جراحی که اغوش کشاد |
| هر قطره نسیه که اغوش کشاد | هر قطره نسیه که اغوش کشاد |
| هر شعله به پروانه که اغوش کشاد | هر شعله به پروانه که اغوش کشاد |
| بر وقت دورانه که اغوش کشاد | بر وقت دورانه که اغوش کشاد |
| خجوعه او فوایه که اغوش کشاد | خجوعه او فوایه که اغوش کشاد |

در روز سینه بخونی دیده اند
بظنم تا نوبت که در دست لاله در

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| زخای قیاسی دل شکست لاله در | زخای قیاسی دل شکست لاله در |
| شیران خام خون الله مست لاله در | شیران خام خون الله مست لاله در |
| مقال قیاسی که صورت پرست لاله در | مقال قیاسی که صورت پرست لاله در |
| سه ماهه جانیه که خای پرست لاله در | سه ماهه جانیه که خای پرست لاله در |

بظنم سینه خانی تیغ خنجر دانه کار آینه می
او خنجر و حه طبع هم می هم واد

| | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| که هر که طره اشک برود برود | که هر که طره اشک برود برود |
| دو چشم خنجر خنجر او آینه می | دو چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |
| سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می | سرسخت چشم خنجر خنجر او آینه می |

بظنم سینه خانی تیغ خنجر دانه کار آینه می
او خنجر و حه طبع هم می هم واد

| | |
|--|--|
| بند خنجر سینه می خنجر او آینه می | بند خنجر سینه می خنجر او آینه می |
| عجیبه سینه سینه کتول خنجر او آینه می | عجیبه سینه سینه کتول خنجر او آینه می |
| قیاسی خنجر خنجر او آینه می | قیاسی خنجر خنجر او آینه می |
| بن کرداب عصری برودانی در خنجر او آینه می | بن کرداب عصری برودانی در خنجر او آینه می |

بظنم سینه خانی تیغ خنجر دانه کار آینه می
او خنجر و حه طبع هم می هم واد

| | |
|--|--|
| <p>دست عقیقه کرده که بیاید می دایم مندر این حال پریشان او شری شاه مندر درون خانه کند زلف خاتم مندر آنچه می او اقدر خاک ابدی کنی فرفق اظم</p> | <p>دست عقیقه کرده که بیاید می دایم مندر این حال پریشان او شری شاه مندر درون خانه کند زلف خاتم مندر آنچه می او اقدر خاک ابدی کنی فرفق اظم</p> |
| <p>سرسر آید ای شیخ بطح استاین مندر در دله مندر دله مندر مندر داغ می سر سر</p> | |
| <p>زنجیر تیغ منگ می دل صد خنده در صفت سگ ای شیخ جان مندر آه اظم دل دیوانه غیب مندر آنچه عشق کنی استاید می دایم مندر فقیح اظم ز کجای می دایم مندر دامنک کنی او دایم مندر</p> | <p>زنجیر تیغ منگ می دل صد خنده در صفت سگ ای شیخ جان مندر آه اظم دل دیوانه غیب مندر آنچه عشق کنی استاید می دایم مندر فقیح اظم ز کجای می دایم مندر دامنک کنی او دایم مندر</p> |
| <p>طاسی ایبتدک دیده طبع مندر در که فقیح جدا</p> | |
| <p>سور درون ونا بی جی عکس حوصه صبر تک جیتی خاتم ایدن صبح جنت تک شوی را ز کوه سنبال تر بسته طیف الا هک مندر</p> | <p>خور با نیدن کون ای کون آنچه عین تک مندر دست بزح ملاح حده با مهر الله بوجسه او بیرون زلف مندر</p> |
| <p>جان افغان فودیده دستون با نیدن جوانه عکس ایبتدک</p> | |
| <p>ای کوه را در صمدی وصله جعفر بدست عقیقه جبران اول کن دن او زره سلسله مندر</p> | <p>اطرف طیب شیخ کل از مندر سندان امنیت دل بوجسه دایم از ناز بر زره اول انوار مندر مسئله مندر</p> |
| <p>اولکی عقیقه مندر عالم منور بوجسه اول کل مندر</p> | |
| <p>بردم می وار دیده زلم بر دم برناله بر کس جنتان عشق هر او یاره وصلت اتم مندر</p> | <p>عمر خانان عاشق مندر هر ده که چشمی کل مندر شب می او چشمی شمع کل مندر اسم مندر ای اسم مندر</p> |
| <p>عقده و صفا ایبتدک عاقل همیشه عقیقه</p> | |
| <p>زخت عکس جنت کل مندر زخت عکس جنت کل مندر</p> | |

طهورات را بر آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد

* او حسی جو صله سوزده و خاوا را بخورد
* شکر و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل

* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل
* شکر و صندل و صندل و صندل

همیشه هم افسون خواندند
احسن بظن است

در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد
در آنجا که آب و گندم باشد

باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد

باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد
باید آن را در آنجا که آب و گندم باشد

حقا که سناک و باطنیک و باطنیک

سحاب و قند در کار حسن و آینه آینه در

اوزاف بخرنج عارض کنی خانه آینه در

* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *

* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *

* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *
* اولسون حسود ماردل و کینه کار کر *
* کویست بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *
بوازه آینه طبع بظنم بظنم ز من در خواصی *

| | |
|--|---|
| <p>* هر جی جی شعله سی بز تو ز خلدن * * هر جی جی شعله سی بز تو ز خلدن * * هر جی جی شعله سی بز تو ز خلدن * * هر جی جی شعله سی بز تو ز خلدن *</p> | <p>* سواد سی حلقه کسوی سناهنک * * خانا حرم کعبه ده عند انکله کنر * * خال سناهنک کوشه چشمه کورن دین * * سناهنک که سناهنک مهر از انکدر *</p> |
| <p>دلاره نظر و بر سه نوله عشاق زانم خالند و سناهنک و سناهنک</p> | |
| <p>ساق او با اول کل صون ساقی تا خوشتر بنامه دساز اول کل صون ساقی تا خوشتر بنامه دساز اول کل صون ساقی تا خوشتر بنامه دساز اول کل صون ساقی تا خوشتر</p> | <p>بر سینه بر کسینگی ساقی تا خوشتر بر سینه بر کسینگی ساقی تا خوشتر بر سینه بر کسینگی ساقی تا خوشتر بر سینه بر کسینگی ساقی تا خوشتر</p> |
| <p>* فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور *</p> | |
| <p>* صفا ی عالم اول دانه فالندر * * صفا ی عالم اول دانه فالندر * * صفا ی عالم اول دانه فالندر * * صفا ی عالم اول دانه فالندر *</p> | <p>* سناهنک به کسینگی ساقی تا خوشتر * * سناهنک به کسینگی ساقی تا خوشتر * * سناهنک به کسینگی ساقی تا خوشتر * * سناهنک به کسینگی ساقی تا خوشتر *</p> |
| <p>نظم بر و اولرسم خلدن نظر بو بو زمین غزل دلشده دو سناهنک</p> | |
| <p>عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک *</p> | <p>عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک * عزیز دانه خلدن و سناهنک *</p> |
| <p>دانه داد سناهنک سناهنک طوطی خاموش نظر فغانک به بچه دل زور عشق دل زور</p> | |
| <p>فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور *</p> | <p>فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور * فغانک به بچه دل زور عشق دل زور *</p> |

گورلان ابروی عزیزی غمزه زده کلدر || باتمه طلحه کلدر افتاب زده کلدر
 بود حرف دهنده دوزخی گویش قول
 او کتم بظلم کسی بدی حاج حسرتدر

سپاسه سننر الله حاج حسرتدر || دایلی حضرت کسره حاج حسرتدر
 هزاره فدایه سینه کیم حاج حسرتدر || ویزون بو غلمسه رو باقی حاج حسرتدر
 رسیده کلیم عشقه حاج حسرتدر || و صالده واده هجیه دو شینک
 اوسه و قدوه بوله جلوه کولورک اوانه

بظلم اول شاه حسنه ناله از غمزه کلدر
 مرگم تیرنه بوله کلدر اشک حسرتدر

نیم مستانه کلیم غمزه کلدر || نیم مستانه کلیم غمزه کلدر
 تا سفاک بوله چشم خنده کلدر || تا سفاک بوله چشم خنده کلدر
 پشای صنیع کلیم اشک حسرتدر || پشای صنیع کلیم اشک حسرتدر
 وزلف خین خین کلیم حسرتدر || وزلف خین خین کلیم حسرتدر
 همان بانان کلیم غمزه کلدر || همان بانان کلیم غمزه کلدر
 دو چشمه آن افرین بر قدمه کلدر || دو چشمه آن افرین بر قدمه کلدر
 اولوب خوب او اوها مستانه

حرمه سینه کلیم غمزه کلدر
 اصل تاب در با صنها کلیم غمزه کلدر

حجلی سننر اول ای کلیم غمزه کلدر || حجلی سننر اول ای کلیم غمزه کلدر
 عجزه خانکله تیر روی کلیم غمزه کلدر || عجزه خانکله تیر روی کلیم غمزه کلدر
 سوزناه کره خیم کلیم غمزه کلدر || سوزناه کره خیم کلیم غمزه کلدر
 شمع کلیم غمزه کلدر || شمع کلیم غمزه کلدر
 قامت با لای کلیم غمزه کلدر || قامت با لای کلیم غمزه کلدر
 عاشق مری کلیم غمزه کلدر || عاشق مری کلیم غمزه کلدر
 کلدر بر زورده کلیم غمزه کلدر || کلدر بر زورده کلیم غمزه کلدر
 بقشته الله کلیم غمزه کلدر || بقشته الله کلیم غمزه کلدر

رهای سینه کلیم غمزه کلدر
 رهای سینه کلیم غمزه کلدر

کوشه کوشه کلیم غمزه کلدر || کوشه کوشه کلیم غمزه کلدر
 قدره ابره کلیم غمزه کلدر || قدره ابره کلیم غمزه کلدر
 موعود کلیم غمزه کلدر || موعود کلیم غمزه کلدر
 عجله حاله کلیم غمزه کلدر || عجله حاله کلیم غمزه کلدر
 عاشق زورده کلیم غمزه کلدر || عاشق زورده کلیم غمزه کلدر
 قدیمی کلیم غمزه کلدر || قدیمی کلیم غمزه کلدر
 غصه کلیم غمزه کلدر || غصه کلیم غمزه کلدر
 بر خیم کلیم غمزه کلدر || بر خیم کلیم غمزه کلدر

شوق کلیم غمزه کلدر
 ویزدی کلیم غمزه کلدر

میتاده کلیم غمزه کلدر
 کلر کلیم غمزه کلدر

| | |
|--|--|
| از چشمت اگر اولست زاده باز هون چنگر اول عجز اول خنده باز شده باک خندان باج داده باز گفته از صف صفا است افتاده باز | در این بزم عجزی عاقلین هون چنگر اول عجزی خندان هون چنگر اول عجزی خندان عجز او عجزی سحر از افسان باز |
|--|--|

شده تا عجزی باز دل عاقلان بطعم
عالم عجزی اگر اولست از

| | |
|---|---|
| از جنه زان اولست در سده باز چشم شیر کفایتی او عجزی مزه عجزی توک تا خنده باز را کل بر شکر اولست که بسته باز | از عجز اولست در سده باز چشم شیر کفایتی او عجزی مزه عجزی توک تا خنده باز را کل بر شکر اولست که بسته باز |
|---|---|

حقان بطن عجزی اولست در سده باز
اسلوب بیان اولست در سده باز

| | |
|--|--|
| از باری هر بختی صدق و صفا باز جور شیرین بر آینه عجزی هم بوش می عجزی اندر عجزی پرتال بستان اولست در سده باز چشم کفایتی او عجزی خان و بر و فایده عجزی | از باری هر بختی صدق و صفا باز جور شیرین بر آینه عجزی هم بوش می عجزی اندر عجزی پرتال بستان اولست در سده باز چشم کفایتی او عجزی خان و بر و فایده عجزی |
|--|--|

ولادری بی نظیر عجزی باز
عجزی در سده باز

| | |
|--|--|
| عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز | عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز |
|--|--|

وصف عجزی در سده باز
عجزی در سده باز

| | |
|---|---|
| عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز | عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز عجزی در سده باز |
|---|---|

بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است
هزاره خاک فغان سر سده او او زور

| | |
|---|---|
| بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است | بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است |
| هزاره خاک فغان سر سده او او زور | هزاره خاک فغان سر سده او او زور |

هر قدمه سر سده فانی پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

| | |
|---|---|
| هر قدمه سر سده فانی پوز و زور | هر قدمه سر سده فانی پوز و زور |
| بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است | بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است |

سواران سده سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

| | |
|---|---|
| سواران سده سده ای که ای پوز و زور | سواران سده سده ای که ای پوز و زور |
| بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است | بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است |

عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

| | |
|---|---|
| عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور | عشر سده رازده سده ای که ای پوز و زور |
| بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است | بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است |

پوز و زور سده سده ای که ای پوز و زور
بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است

| | |
|---|---|
| پوز و زور سده سده ای که ای پوز و زور | پوز و زور سده سده ای که ای پوز و زور |
| بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است | بیتیم که حجه حقیر ز پوز و زور در آن است |

| | |
|------------------------------|---------------------------------|
| هنر و خوار و عیب آینه نوازان | که طبع دل در جی درسی بنویسند |
| استمرازی دل بویانه قید بندند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| سرسنگ کی که در حاجت دل | او در جی بنویسند |
| کج و در جی وعده و صلوات سابق | او در جی بنویسند |
| انگ فک و سی خیم بنویسند | سنگه است این ادبی بنویسند |

بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند
 درود بنویسند که سنگه است این ادبی بنویسند

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| که در دله او نهان اولده | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| کشته شده کدی در دله او نهان | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| خسته شده جنال دل شکر | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |

بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند
 ای شیوخ بجز اندر جی بنویسند

| | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ساقی ساقی ساقی ساقی | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| روشن ده روز در ساقی ساقی | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| ساقی ساقی ساقی ساقی | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| ز بس زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| کله خنده جنال دل بویانه | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |

بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند
 دیر بخت عاقبت از جی بنویسند

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| بنور می خاشی خاشی خاشی | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| کورین دیده دیدی چشم کلیم | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |

بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند
 خنود عینله لیرین اولن بنویسند

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| صناعات عینله لیرین اولن | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| سنگ کی کوزی تیرو فاشی کان اولن | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |
| بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند | بند او زلفی بجز اندر جی بنویسند |

* بزاده نوبت مجلس عشق بظنم و س *

* بزاده نوبت محبت دمنده یوز *

* کشف شرایب مهر و وفا عائد بود یوز *

* هم شاهد جفا س اکوب یافتند یوز *

* زخم دلاک که جاست می هیند یوز *

* یوز کشتیک که تربت شیند یوز *

|| * جودن دل اولدی و عجبی ده داغ و ردی لاله به *

* بزاده نوبت محبت دمنده یوز *

* بزاده نوبت محبت دمنده یوز *

* کرمی که جسم در عشق *

* آینه روی در عشق *

* که غنچه در عشق *

* که غنچه در عشق *

|| * عیناکی دادله در عشق *

|| * آینه روی در عشق *

|| * که غنچه در عشق *

|| * که غنچه در عشق *

* فایده بظنم بر آید یوز *

* آینه روی در عشق *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

* که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

|| * که خانه یوز حسن دلان بود *

اولادك اتمه قصداك اگر بزنگه نس
تاكي دل عزت اوله محله خا نس

سدر اوله عهده دلك آه نس
بوعی در كه قالدی زنجارنگه دو شوب

قرب خوراك بتر پشت اطمین
ای حری و حبه چنان مقدر

مهرشرف بزج آستان مقدر
سرو جومان استاگان مقدر
قالبه روان كاروان مقدر
ای سكا قیربان خان مقدر
راشته جوار جران مقدر
مرشله مسرود اول مكل مقدر
خاله میغان اشان مقدر
كوه گنجینه بهایان مقدر
بوسته درنا سائیان مقدر

ای مده بزج افغانی جهان مقدر
باج اهرنگ بهایان مقدر
شاه نبوت جسم جدمو رسل جلال
عند كوه كوه خنده ارواح
جامه جامه ركب مقرب ملافه
كوه كوه رومال اندل بون خانی
قرب خوراك سنده سنده مقدر
قرب خوراك سنده سنده مقدر
قرب خوراك سنده سنده مقدر

بزم القدر انان خلكی دل زان نظر
به عجز تا به الله بنده را هون

آه اندر سله آه آه
دل عدیده به در جوان و به پندار هون
قدح دینه سله سله سله
بوعین باج خج اندامه جار هون
اولدی شهرت فکرت هون
بینه بوقدر بوقدر قدرت هون

انده و رانسه عینه
بزم هون الله صلا الله هون
سه سه عرقه و نه سینه انرا گنی
بزرگ خاك اندامی مهرله گنی
جوب هون الله گنی
طوطی طوطی طوطی

سلب عقل بتدی اطمین دل دیوانه سرشت
عبدان آسوده اولوب سنگنار هون

* روزگار بتدی بینه قیته بی پندار هون
* او دو انروی رانده در خار هون
بانشادی خور و خور انکه انکه هون
دل شنده بهان در دردم وار هون
بوعین باج خج انرا گنی
دل شوروید آه الله عینار هون
اولدی برده طلب هر سوی نا زان هون
بینه خردی دیوانه و هوشیار هون

* ناله صبح الله تا الله گنی
* خانه راننده بی تیردی در دیوانه
بازای قانی اندامی مونس خان دل انرا گنی
بزم انرا گنی اطمین انرا گنی
جلسه عقیقه خانه خان الله گنی
جسته عقیقه عقیقه عقیقه
خار سو سوزند خنده سینه اول بوقدر حسنی
باده عقیقه عقیقه عقیقه عقیقه

| | |
|--|--|
| خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس | خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس |
|--|--|

طرح خجندی حسن ادا در خجندی
طرح خجندی حسن ادا در خجندی

| | |
|--|--|
| خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس | خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس |
|--|--|

خجندی قیس
خجندی قیس

| | |
|--|--|
| خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس | خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس |
|--|--|

خجندی قیس
خجندی قیس

| | |
|--|--|
| خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس | خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس |
|--|--|

خجندی قیس
خجندی قیس

| | |
|--|--|
| خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس | خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس خجندی قیس |
|--|--|

| | |
|---|---|
| صفت اول گوشتی که پخته شده است به آن گوشت گوشت گوشتی که پخته شده است به آن گوشت | صفت اول گوشتی که پخته شده است به آن گوشت گوشت گوشتی که پخته شده است به آن گوشت |
|---|---|

مظفر گوشتی که پخته شده است به آن گوشت
مظفر گوشتی که پخته شده است به آن گوشت

| | |
|--|--|
| سوزش در اول وقت و سوزش در وقت سوزش در اول وقت و سوزش در وقت | سوزش در اول وقت و سوزش در وقت سوزش در اول وقت و سوزش در وقت |
|--|--|

در وقت که پخته شده است به آن گوشت
در وقت که پخته شده است به آن گوشت

| | |
|--|--|
| سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت | سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت |
|--|--|

سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت
سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت

| | |
|--|--|
| سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت | سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت |
|--|--|

سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت
سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت

| | |
|--|--|
| سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت | سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت سوزش در وقت که پخته شده است به آن گوشت |
|--|--|

کنم جنات چشم کشنده بهان این

کنم جنات چشم کشنده بهان این

تک دل و خاله خردانند بهان این

تک دل و خاله خردانند بهان این

نظم
درخندوب حسن انانی وصفها گداه
نظم
درخندوب حسن انانی وصفها گداه
نظم
درخندوب حسن انانی وصفها گداه

صدق بفرمان مرده برها
عناق حقی غنی گنجا
تا اثر عشق حق بوی گل
چشم سبزه روز از آل آینه
خور و خورده عاشقه مهر و فاقه
شبنم فرور کشتن حسنک حنا

رنگ رخسار بر مرغی
رنگ رخسار بر مرغی
رنگ رخسار بر مرغی
رنگ رخسار بر مرغی
رنگ رخسار بر مرغی
رنگ رخسار بر مرغی

کل
مهر خصال این ایامه
صاف در روز بر کد این
نظم
مهر خصال این ایامه
صاف در روز بر کد این

مهر خصال این ایامه
صاف در روز بر کد این
نظم
مهر خصال این ایامه
صاف در روز بر کد این

کلور انشی او بر می دعوت استر
سرفه سینه سیکه حاج حسرت استر
ز مین سینه ده بر سر قامت استر
اویاری حکمه نازوی غیرت استر

کلور انشی او بر می دعوت استر
سرفه سینه سیکه حاج حسرت استر
ز مین سینه ده بر سر قامت استر
اویاری حکمه نازوی غیرت استر

نظم
ز آن که شوی بوش اولی ای دل
مهرم استر
نظم
ز آن که شوی بوش اولی ای دل
مهرم استر

گداه خاد دل شکست اولت
مقال سانه جور شد بست اولت
اوماهی در که وقتا سر است اولت
بقوت وجود فی انشی بر ست اولت
او خا سکه خانی بنیست اولت
ایمان او پاک و پاک اولت

گداه خاد دل شکست اولت
مقال سانه جور شد بست اولت
اوماهی در که وقتا سر است اولت
بقوت وجود فی انشی بر ست اولت
او خا سکه خانی بنیست اولت
ایمان او پاک و پاک اولت

نظم
رضای اولی عاشقی
اولت اولت است
نظم
رضای اولی عاشقی
اولت اولت است

در دین حسنه لوح وجوده
نام در دین عاشقی بیت الصبح
استاد کا رختک عجمه زیزه
آیتین بزم عشرتی دور اندر

در دین حسنه لوح وجوده
نام در دین عاشقی بیت الصبح
استاد کا رختک عجمه زیزه
آیتین بزم عشرتی دور اندر

| | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| طوبت خاطر جزایک ای خای منجان خوش | دلبرانیمی وصال یقینم خاد مو قوف |
| صاف است و خورشیدهای رنگین خوش | باق زلف مشکها من کور خام لعل نالین |
| صافدی زیدی خای بندر نگار خوش | قد بلند بن اولسم دیدم هموار داد |
| خام صوبه کوکلی بخر خام چم جان خوش | مغر بندر بارک بردارم اولای ناخوش |

شکری زلفه جویق و قال اولای انظم
 یجان خط زخمه وکلی سنجینی بیسی

| | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| دندان نازکی کار با عیش و عجب سندر | که بر می معجز سینه شعله دن بیسی |
| جنال قالی چشم زده در بارک | در وین خونده کو با که نور بیسی |
| طرفه طرفه و خطان کویه عالی وار | بزار باغ نایب خن خن بیسی |
| عداز بارک و زره خط عینین شکر بیسی | بنفشه در آهه آغوش بیسی بیسی |

عاشقانی سواد زور و در کار ناله بوای
 انظم جا که اولکم جان راه اولم

| | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| صفا نایده بی دلان سوال طه زنه ار | که بیسوه سینه و سحر بر سینه بوای |
| وصالی دل شیدا و مست ناله نازک | نلالی محبت خجراتی اختیار ناله بوای |
| شیراب حسنه سرگرم و لوب و زور و قوساقی | کوزل و ناله بی کفایتی جان ناله بوای |
| چند روز و نایب کل کرمه کرمه ناله بوای | بو آب و نایب ولی ناله بوای |

انظم شمشاد صلی وصال و صلی
 انظم چشم عاشق سوزان صعبه سی

| | |
|-------------------------------|------------------------------------|
| زلفه دل او بخنک بلبل بر آیدری | بر فاخته او سر و سر افرازه صعبه سی |
| اولم در وین دانه بقیه خون عشق | بر بقیه در او زور و سوزان صعبه سی |
| اول مست خام عشق الهه اللی دل | بیا به نایب کوزل ناله صعبه سی |
| عشق عشق حوصله ناله صعبه سی | ستمر عدل که بقیه شهنشانه صعبه سی |

چهره نایبم دانه دن مظهر فایق
 کویا اصول درونی چهره نایب

| | |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| جفا دی دمیدم بواله اولسه کوه که | استاد عشق نایب دی باده نایب |
| نلال و قفسی کوی نالی نایب اندوب | زنجیر زلفه اوسته خوره نایب |
| سبز ناله خط لعل او حور و غریب ناز | طوبت طوبت بنفشه لی کوبیده نایب |
| اولکم اقامی در دل نایب نایب | خای قی زلفه کوی نایب نایب |

خان حسوده رشاد که داغ و دم قوم سی
 هر بقعه سینه سس خانه نایب

کلیفی نشاطی نایب لالدر | ساقی چرخ خانبه کویا که قوم سی

| | |
|---|--|
| بشکرت کرد از آن حشمتی شست و شوی و گدازد عرض | خان عطا شد آن عصانه آب و جوی در آن عرض |
| خونش در آن طبع آنگاه سرنگ | گلدان سحر و جود و جوت و گدازد عرض |
| افزایشند سزایک ذات سحر سحر سحر | عین سحر گیسوی سحر سحر سحر سحر سحر |
| سایه آن حال سحر ای سحر لای سحر | مهر او در آن سحر و جود و سحر و گدازد عرض |
| از او نگاه و سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |

کل پیش ای خصم هست که تاج آمدن
 و باک آمدن از آن جلالت

| | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| اول به حسن انطون بخون زندان خان خلاص | خان را ز عفت شدن آینه دانه خان خلاص |
| خوب زمانه کن کوکل خاه زینجا تنده در | سخت اغیاردن خانان سینه خان خلاص |
| خوب صبر عاشری نازکی خاکت خات اندر | این اول عجزه جو بر زدن خان خلاص |
| زنده دلان جدا اولسه خاله اوله کار | |

عزم مقصود اولد که هست اولد ای نظم
 با یکی اول قدمه خاک س اولد که ای

| | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| سال سیرت سحر سحر سحر سحر سحر | شاه عقی بنادین اولم سحر سحر سحر |
| صالح سیرت سحر سحر سحر سحر سحر | بوقلم کرم کرم کرم کرم کرم کرم |
| صالح سیرت سحر سحر سحر سحر سحر | صالح سیرت سحر سحر سحر سحر سحر |
| صالح سیرت سحر سحر سحر سحر سحر | صالح سیرت سحر سحر سحر سحر سحر |

شاه عقی بنادین اولم سحر سحر سحر
 بوقلم کرم کرم کرم کرم کرم کرم

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| اوله و طاقه نصرت سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| کرم کرم کرم کرم کرم کرم کرم | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر | سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر |

سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر
 سحر سحر سحر سحر سحر سحر سحر

لوح و حوری موی و جناب ایشان و جان و جان
آیندین و شریک و شریک و شریک و شریک
وقت و حریف و حریف و حریف و حریف
بسیار و حریف و حریف و حریف و حریف
علاوه و حریف و حریف و حریف و حریف
لوح و حوری موی و جناب ایشان و جان و جان

ای مرد و کون و حریف و حریف و حریف و حریف
احکام و حریف و حریف و حریف و حریف
عجیب و حریف و حریف و حریف و حریف
در پای و حریف و حریف و حریف و حریف
ما و حریف و حریف و حریف و حریف
عجیب و حریف و حریف و حریف و حریف
احکام و حریف و حریف و حریف و حریف
ای مرد و کون و حریف و حریف و حریف و حریف

نظم زار و حریف و حریف و حریف و حریف
سواد و حریف و حریف و حریف و حریف

خالص و حریف و حریف و حریف و حریف
سه و حریف و حریف و حریف و حریف
دو و حریف و حریف و حریف و حریف
اعتقاد و حریف و حریف و حریف و حریف

سواد و حریف و حریف و حریف و حریف
دم و حریف و حریف و حریف و حریف
سواد و حریف و حریف و حریف و حریف
اعتقاد و حریف و حریف و حریف و حریف

انظار و حریف و حریف و حریف و حریف
اوله و حریف و حریف و حریف و حریف

عشاء و حریف و حریف و حریف و حریف
اول و حریف و حریف و حریف و حریف
سرمه و حریف و حریف و حریف و حریف
صاحب و حریف و حریف و حریف و حریف

روز و حریف و حریف و حریف و حریف
عاشق و حریف و حریف و حریف و حریف
بانه و حریف و حریف و حریف و حریف
واری و حریف و حریف و حریف و حریف

گهواره و حریف و حریف و حریف و حریف
بانوی و حریف و حریف و حریف و حریف

خاق و حریف و حریف و حریف و حریف
بای و حریف و حریف و حریف و حریف
صاحب و حریف و حریف و حریف و حریف
زین و حریف و حریف و حریف و حریف

دل و حریف و حریف و حریف و حریف
اول و حریف و حریف و حریف و حریف
بانه و حریف و حریف و حریف و حریف
تاب و حریف و حریف و حریف و حریف

اول و حریف و حریف و حریف و حریف
نار و حریف و حریف و حریف و حریف

صو و حریف و حریف و حریف و حریف
دانه و حریف و حریف و حریف و حریف
بزم و حریف و حریف و حریف و حریف
عزیز و حریف و حریف و حریف و حریف

عزیز و حریف و حریف و حریف و حریف
بزم و حریف و حریف و حریف و حریف
دانه و حریف و حریف و حریف و حریف
صو و حریف و حریف و حریف و حریف

و چون تا زین تا زین روز در حدی حافط
دیدند زین و عدو زین دست و پا حافط
خوهر و عهده حاکم اولدی ایتدی حافط
که اولدی عین بی بی انک از راه ایتدی حافط

بویله براسه اولسه ای رسول کبریا حافط
میان سخن و دوزخی ایتدی ایتدی عارف
سروشان و عظامه عظامه ایتدی حافط
خطیب منیر اولدی سنسن فارس و اولدی الله

نظم کلیه افسانه مشیری اولدی
فناگه بزرگونی خاری خاری ایشاط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بزرگونی بزرگونی بزرگونی بزرگونی
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بزرگونی بزرگونی بزرگونی بزرگونی
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط
بویله حافط

حق ایشاط
بویله حافط

بویله حافط

بویله حافط

* تصور وین اولی اوست انداز معلی | منصور وین اولی اوست انداز معلی * ایتمی دل زلفش او وطنا ز معلی

سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی
و چه طری و اردو طری طبعی سنجین بزوانه شیوق

| | |
|---|----------------------------------|
| سرد زنده شیوق نشووه می دلده کی انداز شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |
| بزه باد کن گن کتور شیوق جندم بزوانه شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |
| بزم صهنده و بزم مستانه شیوق آغازه شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |
| تازه صند اندیشه کلور کوندری تازه شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |
| و بزمده مطهره بنی مطرب طرازه شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |
| کله کله گنمندان اهل نیشانه تازه شیوق | سیر اندوب مراتب ناری کله ای بطنی |

بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی
بزوانه جز انداز بزمده کله تازه شیوق

| | |
|---------------------|------------------------------------|
| می خنده بزوانه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی دم صبح الله ظاهر و تندر ایتمی |

بزمده کله تازه شیوق
حل اولدی کنده کله مشکلی عاشقی

| | |
|---------------------|---------------------|
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |
| بزمده کله تازه شیوق | بزمده کله تازه شیوق |

بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه
بزمده کله تازه شیوق

| | |
|---------------------|--------------------------------|
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |
| بزمده کله تازه شیوق | بطنی او صدمه ناله کله آتش عشقه |

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| * ایشنگاهک عقیق | * ایشنگاهک عقیق |
| * عالم بقایوت کینه سراسر | * عالم بقایوت کینه سراسر |
| * یکن خوش و خروش اولسه دریا خیزم یوق | * یکن خوش و خروش اولسه دریا خیزم یوق |
| * هم ناکه ده برنج ل ایشل خیزم یوق | * هم ناکه ده برنج ل ایشل خیزم یوق |
| * دیوانه به دوش دل شیدا خیزم یوق | * دیوانه به دوش دل شیدا خیزم یوق |
| * اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم | * اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم |

ایتمسنگاهک عقیق
عالم بقایوت کینه سراسر
یکن خوش و خروش اولسه دریا خیزم یوق
هم ناکه ده برنج ل ایشل خیزم یوق
دیوانه به دوش دل شیدا خیزم یوق
اولسه قینه قیاس ایشه بی مریدم چشم

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| اول طایر و حیوانی هله لاله یوق | اول طایر و حیوانی هله لاله یوق |
| اول حال کتگی کوشه منجانه ده یوق | اول حال کتگی کوشه منجانه ده یوق |
| کور در کتگی ایشه ده برشته ده یوق | کور در کتگی ایشه ده برشته ده یوق |
| اول کوهی بر دل کتگی و برانه ده یوق | اول کوهی بر دل کتگی و برانه ده یوق |
| اسرا در راه ایشل کتگی یوق | اسرا در راه ایشل کتگی یوق |
| سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق | سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق |

اول طایر و حیوانی هله لاله یوق
اول حال کتگی کوشه منجانه ده یوق
کور در کتگی ایشه ده برشته ده یوق
اول کوهی بر دل کتگی و برانه ده یوق
اسرا در راه ایشل کتگی یوق
سودای حیوانی دل دیوانه ده یوق

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| بزرگ صفت عشفه نایب قدم اولدی | بزرگ صفت عشفه نایب قدم اولدی |
| مشک تا شکر کله کتگی خیم اولدی | مشک تا شکر کله کتگی خیم اولدی |
| صا حدیق کهر اشکر اطراف اولدی | صا حدیق کهر اشکر اطراف اولدی |
| اشکر کله عشفه نایب اولدی | اشکر کله عشفه نایب اولدی |

بزرگ صفت عشفه نایب قدم اولدی
مشک تا شکر کله کتگی خیم اولدی
صا حدیق کهر اشکر اطراف اولدی
اشکر کله عشفه نایب اولدی

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| اول سه حسنه کوه طوبی و کوه ان و تادی | اول سه حسنه کوه طوبی و کوه ان و تادی |
| دشمنه حقا نغیب شمشیر بران او تادی | دشمنه حقا نغیب شمشیر بران او تادی |
| یوقدن کوشین ایشلجده استاق تادی | یوقدن کوشین ایشلجده استاق تادی |
| ای کوهی کتگی عشفه نایب خاون او تادی | ای کوهی کتگی عشفه نایب خاون او تادی |

اول سه حسنه کوه طوبی و کوه ان و تادی
دشمنه حقا نغیب شمشیر بران او تادی
یوقدن کوشین ایشلجده استاق تادی
ای کوهی کتگی عشفه نایب خاون او تادی

| | |
|--------------------|--------------------|
| * آوزیسه سینه کتگی | * آوزیسه سینه کتگی |
| * آوزیسه سینه کتگی | * آوزیسه سینه کتگی |
| * آوزیسه سینه کتگی | * آوزیسه سینه کتگی |

* آوزیسه سینه کتگی
* آوزیسه سینه کتگی
* آوزیسه سینه کتگی

اولسوی سینه عاقلی خاکی خاکی خاکی
آتش سوزان بی خالی خاکی خاکی خاکی
دایج دایج اولدی دل لاله خاکی خاکی خاکی
خنج آب و شکر اولدی خاکی خاکی خاکی
اره حسه سینه در اصد خاکی خاکی خاکی
سرخه سینه سینه در اصد خاکی خاکی خاکی

خسین آتشی عشق خاکی خاکی خاکی
قلب سنجت در ناله عشق خاکی خاکی خاکی
سپاریدت حال رخسار خاکی خاکی خاکی
بچه بزور حسن تار تار کتر مسون
اولدی اسپرستک مثال شاه دست تار
در کتک استخوان خاکی خاکی خاکی

چند کلری تا تیری ناله ایستون ریحان
بغیر آساکر زانل جوش ایلیان اولدی استون

سراقتیره اولدی و ای خاکی خاکی خاکی
دو حبه خاطر مور سندان اولدی استون
بوگون و اطراب اولدی و ای خاکی خاکی خاکی
سری خجک خجک خجک خجک خجک خجک
جهانده کون کون کون کون کون کون
قول اولدی و ای خاکی خاکی خاکی
دادم رومی و ای خاکی خاکی خاکی
اگر خاکی خاکی خاکی خاکی خاکی

وجود کون خاکی خاکی خاکی
کند لطفه عتقا شکر اولدی خاکی خاکی خاکی
فنا سن و هم ای کون لایق افغانه درک
صفا و حدی کون سینه کون سینه کون
سوزک قیراطه سوزک سوزک سوزک سوزک
علاقیه کون خاکی خاکی خاکی خاکی
کون کون کون کون کون کون کون
کون کون کون کون کون کون کون
کون کون کون کون کون کون کون
کون کون کون کون کون کون کون

گلکه عتاده قومده خاکی خاکی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی

اکل لعل کله کله کله کله کله کله
سلطان جهانده جور و ای خاکی خاکی
مد و ای الهی شیه نام و ای خاکی خاکی
وی خجک خجک خجک خجک خجک خجک
هر و خجک خجک خجک خجک خجک خجک
آینه ای خجک خجک خجک خجک خجک
ای کون کون کون کون کون کون
شیراه پیر اولدی و ای خاکی خاکی
ای ذات شریف شریف شریف شریف

ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی
ای مای شب ای ضیا کسرا اولدی

سپاریدت حال رخسار خاکی خاکی
بغیر آساکر زانل جوش ایلیان اولدی

کسی او تیری خاکی خاکی خاکی
بختانه آینه در اصلا خاکی خاکی
کندی دل سوزانده خاکی خاکی

اولدی او قدر عتاده خاکی خاکی
بن عالم خجک کون کون کون
بر سوله قیدینه دوشدی خجک خجک

اول آینه رخسار آینه دیدار کور شد
انگوشه گلایه دلدار کور شد
تکرار او را سویم محرم اسم کور شد

طو حی کخی سوزاندی بجای کور شد
تکرار کیم چشم دیده در
انگوشه گلایه دل دی کور شد

حاشیه ارنا ب دل او اسقده انظر
حاشیه چشم و سر حاشیه داده در کور شد

امواتی که در آینه رخسار آینه دیدار کور شد
خون بزرگ جرات کسب آینه دیدار کور شد
اول سر و قد آینه دیدار کور شد
دایم صدق خفا آینه دیدار کور شد
اما چه کجاست آینه دیدار کور شد
شکم کیم کیم آینه دیدار کور شد

را کس صفت او اسق داده در کور شد
عشق بزرگ آینه دیدار کور شد
الاول سر و قد آینه دیدار کور شد
دایم صدق خفا آینه دیدار کور شد
اما چه کجاست آینه دیدار کور شد
شکم کیم کیم آینه دیدار کور شد

نارای افلا که خیر ک آینه و صفت آینه
شاه زهره دلبر و در آینه

اولی مهیون بکام کور شد
روز وصله شب آینه دیدار کور شد
دادا کدن ستان ای آینه دیدار کور شد
قوه سینه آینه دیدار کور شد
مایل اولم آینه دیدار کور شد
بانه یوز و زین آینه دیدار کور شد

دو شدی دل آینه دیدار کور شد
سرفسان اولم آینه دیدار کور شد
که آینه دیدار کور شد
داده آینه دیدار کور شد
بانه یوز و زین آینه دیدار کور شد
مایل اولم آینه دیدار کور شد

کرم اولم بخت می عقل داد آینه دیدار کور شد
داعندوب آینه دیدار کور شد

کلی ای دل پره نوبت آینه دیدار کور شد
آر عشقه آینه دیدار کور شد
کویا کویا آینه دیدار کور شد
بانه آینه دیدار کور شد
دور قانوس آینه دیدار کور شد
آستان آینه دیدار کور شد

بزمی کیم آینه دیدار کور شد
بخت دردی آینه دیدار کور شد
آینه دیدار کور شد
بسته آینه دیدار کور شد
کویا کویا آینه دیدار کور شد
دور قانوس آینه دیدار کور شد

عشقه کیم آینه دیدار کور شد
لازم دکلر او آینه دیدار کور شد

اول کلن آینه دیدار کور شد
زیر هادان آینه دیدار کور شد

کیم آینه دیدار کور شد
زیر هادان آینه دیدار کور شد

بود طاغوت هفت انگار مندم سینه عشق
تنگ آسای غنمی خون اشکله وضو ایسم

| | |
|-------------------------------|------------------------------------|
| سنگ عشاقه تعظم خون بر لب عشق | به کشور از بقدری جای کرم کوکوب عشق |
| دوا آید خنده او بولد و لب عشق | غیب آید به عالمی در مشرب عشق |
| بویله دیوانه راه دوانسه خان | بویله خال رخ شکر شوروی بشوریه |

اول ماه کوثر از انبوت شیری بظنی
بکاره کسان هر یک در دوازده ایتدک

| | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| بزم کمال بولد و بزم آید از ایتدک | فرهاتر آید به کوکوبه از ایتدک |
| کشته او ببول آید از ایتدک | مانند کز بر بجه از ایتدک |
| آید از ایتدک | مجموعه خان و دله شیراز از ایتدک |
| آید از ایتدک | آید از ایتدک |

بظنی کوثر به کرمی مدی بر آید به مقصود
هفت انگار از انبوت سینه عشق

| | |
|--|--------------------------------|
| به در با بزم اولدی به ایچرا آید از ایتدک | به ناه شکر طره اندیشه از ایتدک |
| فلاک کز مکره اولدی هاله آید از ایتدک | به سیر باغ به کلاکت از ایتدک |
| به ناری سینه به کلاکت از ایتدک | باقوب خاله افوس از ایتدک |
| بهاری سینه به کلاکت از ایتدک | سقیفه دل شیدا مان خنده خاله |

درک سینه جگر عارضه او هاله
بظنی دفعه آید از ایتدک

| | |
|--------------------------------|------------------------------------|
| سقیفه دل کرد اب اضطرابه شویشدک | او کجوشه عشق بزمی بزمی دوشدک |
| بندد حال دکل در لبه شویشدک | شیر و صابون کویا که ماهتا به دوشدک |
| بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک | او مست بختی بزمی بزمی دوشدک |
| بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک | کند طره سنی بختی بزمی دوشدک |
| بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک | بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک |
| بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک | بندد آیه اولدی بزمی بزمی دوشدک |

حال دل هر حاله دلاره بظنی
ایتم بتم اشعار آیه اشعار رشدک

| | |
|------------------------------|---------------------------|
| شب آینه بزمی بزمی بزمی دوشدک | ما بزمی بزمی بزمی دوشدک |
| بن بزمی بزمی بزمی دوشدک | بن بزمی بزمی بزمی دوشدک |
| خانه خانه بزمی بزمی دوشدک | خانه خانه بزمی بزمی دوشدک |

* کور خرد سی فرق اندوه کنده خانی خان *

| | |
|---|--|
| * سینه سده ساس کور خرد خانی خان * * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * | * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * |
|---|--|

* میل آیتک او کسوی کوهنگه بطنه *
* صدک *
* صدک *

| | |
|--|--|
| * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * | * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * * صدک * |
|--|--|

در بیع ای شاه شاه ملک از اغیاره یوز و بردک
نظم کسی آرزو اندر دود خردنگه

| | |
|---|---|
| بوردک بوردک بوردک بوردک بوردک | بوردک بوردک بوردک بوردک بوردک |
|---|---|

بطلبه عیشیه علم
بطلبه عیشیه علم

| | |
|---|---|
| بوردک بوردک بوردک بوردک بوردک | بوردک بوردک بوردک بوردک بوردک |
|---|---|

* اولور بلند رینه سی سا کرد قارک *
* خجونی خدی فی خجوند *
* خجونی خدی فی خجوند *

| | |
|--------------------|--------------------|
| * صدک * * صدک * | * صدک * * صدک * |
|--------------------|--------------------|

* دوكلى دنده مردن به سرازه دل
 * سرازى جون جگر در خازنى آره دل
 * غنيمى بوس لب دل با سرازه دل

* سرازه صحنه علوانى كجى جسم
 * او غلجه اوله سرازه دل هر دم
 * هنوز حقه اوله دل نظر آره دل

تا ناچه و پردى عهلى خيل خون نظر
 سلطان عشقه ملك اوله لي بختك دل

دل آه دل
 دل جوار دل
 دل سدره دل
 دل خيرا دل

دل بوندن
 دل سرازه دل
 دل سرازه دل
 دل سرازه دل

* ناستان دن نظر
 * ناستان دن نظر
 * ناستان دن نظر

* دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن

* دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن
 * دل بوندن

* اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر

* اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر

* اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر
 * اولش نظر

نظر نازكى حيف و در دل
 حجاب همت آله ناله دل كو رسدك اى دل

دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل

دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل
 دل كو رسدك اى دل

خواجه نو به صرعی ز اهل دل کوشی انانی
 نارسول الله سلام کترنگین نظر

اول کرم کرمی ظهور کرد بر خندان نظر
 جا که روت رو صفا به خنت زیننگین نظر
 شای افسوسگر و اسحق آفریننگین نظر
 حلقه در کوشی درود مکتوبنگین نظر
 بز غریب و تنگس و تنگس آینه نگین نظر
 جا کای الی و احسان کرمیننگین نظر
 جز من خود کجای گویم خورشیدنگین نظر
 عطر خوی گیسوان غنیمتنگین نظر
 از روز میند وصال از زیننگین نظر
 بز بوا کیشی ناز و جزیننگین نظر
 ای نیند جا کجی زیننگین نظر
 حضرت مهر رخ ماه خیننگین نظر
 بنده فرماید ک عند کترنگین نظر

هر یک کجی عاجز و ناچار است که در کرم
 بز زبان اوله بدمین کجی خاربند و ب
 مد حاکم سوزاری اولدی زینان بدست
 حلقه در کجی چشم اطمناری بولده در
 قطع و بندین اطمناری غیر بدین
 خیره سبای آستان خار بار صفا
 ایتمه حصول کجی و نیندی ایتمه
 بقچه بز اوله نوله خیند ما کجی خایه
 خیند هجران کجی و نیندی اولسون
 بقچه کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 مهر مهر کجی کجی کجی کجی کجی
 سوزون و نیندی کجی کجی کجی کجی
 نارسول الله سلام کترنگین نظر

بوا ندر نظر و قهر در آینه نظر
 هر خاله بر خاله و هر خاله بر خاله

هر خاله بر مقام و هر مقام بر مقام
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله
 هر خاله بر شاد و هر شاد بر خاله

حدیثی بی اوله کجی کجی کجی کجی
 بادشاه اوله کجی کجی کجی کجی
 سن کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 حسن کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 عیبه کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 کجی کجی کجی کجی کجی کجی کجی

* دلداره اوله چشمه زیناری ای نظرم
 * بز به شیره سوزون آه و کلدر اول *

* کرم خندان سلفه سوزون کلدر اول
 * خط سبزه اول کلدر اول
 * پرهشای فتنه در کلدر اول
 * افت کجی قدر کلدر اول

* کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 * کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 * کجی کجی کجی کجی کجی کجی
 * کجی کجی کجی کجی کجی کجی

* ستر جعفر اوله سوزون کجی کجی *

| | |
|------|------|
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |

مخام
مخام

| | |
|------|------|
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |

مخام
مخام

| | |
|------|------|
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |

مخام
مخام

| | |
|------|------|
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |

مخام
مخام

| | |
|------|------|
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |
| مخام | مخام |

| | |
|---------------------------------------|---|
| * عیشة کز مریخه خاتون استم * | * کرم و برق اندام و قندمان در کون می نام * |
| * سترگ و انان کور و مایه سینه خورده * | * برون کون در کون سینه یوسفی و سینه یوسفی * |
| * مهربان اولوب پریشان شیخ سینه نام * | * نامم سکا اولم حال دل سوز نام * |

* دریشان استم * اظه دریشان عالم *
 * دمه انا و استم بطهران آشته بوله *

| | |
|---------------------------------------|--|
| * آری افسان و نولور جنبش دلمان استم * | * اولم افسان و نولور جنبش دلمان استم * |
| * دمنم اولم سینه سینه احسان استم * | * اولم سینه سینه احسان استم * |
| * اولم سینه سینه احسان استم * | * اولم سینه سینه احسان استم * |
| * اولم سینه سینه احسان استم * | * اولم سینه سینه احسان استم * |

* استم * علاقه کل ممل *
 * استم استم استم استم استم *

| | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| * تدریر درد هفتده حلقه کل ممل ممل * | * کل ممل حلقه حلقه کل ممل ممل * |
| * انصاف سالی سالی سالی سالی سالی * | * سالی سالی سالی سالی سالی سالی * |
| * مانتد صبح عاشق صبح کل ممل ممل * | * کل ممل صبح صبح کل ممل ممل * |
| * قریبان اولم کل ممل کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |

* استم * استم * استم * استم *
 * استم * استم * استم * استم *

| | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| * سینه بوله جلی روز کل ممل ممل * | * کل ممل سینه سینه کل ممل ممل * |
| * بن اربوی بن استم کل ممل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * قبول اولم کل ممل کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * سینه ممل کل ممل کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |

* کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل *
 * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل *

| | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| * قیون سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * طریق سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * بود سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * بد سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * قیون سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |
| * قیون سینه سینه کل ممل کل ممل * | * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل * |

* کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل *
 * کل ممل کل ممل کل ممل کل ممل *

واری و بر سه بوله زنده می دستم استم
 اکساور خور حلقه طین اظه بقدرت خاتم

مات غیر باقده ای آینه من کورن
به جرعه جام داده دوپشته من کورن
کل گنجی خاک بوی پشته من کورن
بزرگه محشر اولادن آینه من کورن
دل گنجی صاف کورن گنجینه من کورن

صد باره قلده سینه سی سینه من کورن
مستانه بخته تاب خمار لاولور
حیرتله اولدی جامه سینه دوز رشک
ازاده طغله حاصل دستان عشق قدر
باقوت آفتاب سنجی سنجک طمن آفر

خط سینه بر آینه سی یا سی کورسون
نظم اوله سینه سینه کورسون

چار دفعه صحنه ای صحنه ای کورسون
مدام بزم خجسته خون تاب کورسون
البد ای آینه من کورسون
که خله برنگه کر سله کورسون

فراق اوله ای تاب آینه من کورسون
سروشک آله اولسون قونای سینه لایب
فنا بزم اوله مدد که عصه ساق برنگ
اودکل دی دله عه و کورسون آینه من کورسون

نظم اساقه سونان تاب اولور که همواره
مرا تاقی کلا من کورسون

هلاخت خسته بر خوش و موج کورسون
هسان عاق و وجودن دوش آینه من کورسون
سره سوری اسیره دوزخ کورسون
بزرگه بوشی جام نازدن آینه من کورسون

مدد عذر بسونون باقیان عشق ای جوی
خه ای قدری سینه سینه آینه من کورسون
اول کورسون آینه سینه آینه من کورسون
هسان عاق و وجودن دوش آینه من کورسون

دلمردن ای نظم عشق استر استر
خیزدن اول ایله استر استر

باق ایله من استر استر استر
سیرتار عالم استر استر استر
عشاقه عشق استر استر استر
بزم عجمه جنگ و رناب استر استر

کور قامت خجسته می کوش آله تالی
ای قانعی کورن سینه استر استر
باق خوی اشک سینه کل ای جوی آن
الز منسن کله حسان استر استر

نظم ایله ایله ایله ایله ایله ایله
نظم ایله ایله ایله ایله ایله ایله

سکندر طبعی کورسون کورسون
وفا بینه خجسته خجسته خجسته
سکندر طبعی کورسون کورسون
قوری صورت آینه دوزخ کورسون

همان کورسون کورسون کورسون
بینه بر آینه واردر کورسون
نشاط دل سوره شور و شوق و شادانیدن
همان کورسون کورسون کورسون

فته روزگار و او را بخیر می بخشد آن که این
سوی او را می آید است می عتاب آن که
دایج در روزگار و او را بخیر می بخشد آن که این

به شاه و به کلاه نام آورده اند که در آن
نظمه برشته است

بصیرت و صفت او را می آید و او را بخیر می بخشد آن که این
بهارستان و عقیقه هزاره دل بود آن که در آن
دل شوی در آن آینه عالم عالم عالم عالم عالم
خوب است و ما به نام عالم عالم عالم عالم عالم
عزت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
اسماء یا عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

کوسر عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
نظمه کون اشکانی عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

سحر چشمگر بی بخون شنید آن که در آن
حسرتی ای عقیقه کل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
درده او را سار نه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
مردم چشم بر شکر سوید آن که در آن
هاله در خطه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
واریت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
حلقه حلقه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
کون عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

* شاهد نظم عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
* کوه کوه حلقه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
عقل عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

مقام در آن آینه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت
مقام در آن آینه عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت عجلت

* انباشت بر وانه بی عشق آتشک بی زبان
* انگش آتش در عشقه اوله واه دانستان
* بزنگش آتشی اول اوله اول ناهه زبان
* اصل شکل ریز و زلف سرده زانک دایران

* انباشت شمع منیر بر می زری سرده دان
* کوسر و سوزن عشق زان سرده کون انزوران
* دوداه سرده زانک عاشق سیر انباشتوب
* لوطی خانگی کوهی خاموش که گوئی اندر

* احد مرز کاکرتین انزوانتین نظیم
* قصه خان آتشی او جونی تیر عشقه در زبان

* انگی زانک او تیر عشق آتشی استی صنعی استمان
* دام زلف و دل خانه اول عشق تیغ جوتستان
* ناهه لب ساقی ساقی ساقی ساقی ساقی ساقی
* اشک خود دل عدلیه حسن و دل سترستان

* صحنی حسته دلدارک دلدارک دلدارک
* صد انجمن دل مرغی صناد چشم درنا
* دل نجه سوسه آتشی سون ستاره سوزنده
* فصل سیرنا بی کلکشت بهاری بنیم

* بار اولدی دلدار نظیم
* قدر کوهی سستی کاکرتین

* دوستی هوس اعانه مستانه کاکرتین
* اول شمع زانک غمینه بر وانه کاکرتین
* اسب وصال آتشی مرده کاکرتین
* اول طریقه ستم ستم کاکرتین
* قیفا آتشی جوی نایب فریاد کاکرتین
* کوه صاخره اطرافه ویرانه کاکرتین

* بغلندی کوکی زلفه دیوانه کاکرتین
* هر عشق بزدل و زود بر وانه کاکرتین
* همه جویانه آرا اوله عاشق او کاکرتین
* آرزو آتشی باغی باغی کاکرتین
* شوریده کاکرتین بی دیوانه صندک
* اشک سینه دلدار کاکرتین

* نظیم زانک جنون کلدی وای کاکرتین
* نگاه سینه کاکرتین

* فغان نغان اول کاکرتین آه کاکرتین
* هزاره جوی زلفه زلفه کاکرتین
* ایمن دخی تیر کاکرتین کاکرتین
* همیشه حال کاکرتین کاکرتین

* جهان کراب کراب سینه کاکرتین
* نهافت دل و جان سگانه اوله فتیه به
* در و نده کاکرتین کاکرتین
* همیشه خاطر عشق کاکرتین

* آتشی بی غمی کاکرتین
* طبع نظیم کاکرتین

* دیوانه ایمنی ایمنی کاکرتین
* خال خال کاکرتین کاکرتین
* بزم چشم کاکرتین کاکرتین
* دل مبتلا بی اول شه حسته کاکرتین

* قدم ایمنی کاکرتین کاکرتین
* بار کراب کراب کاکرتین کاکرتین
* آتشی درون بلبل کاکرتین کاکرتین
* حالش هوس عشقه کاکرتین کاکرتین

خلاص اولدی دوشدن دایر دوزلف عنبریندن

دوشو در کلاله و سولتای اشک از اهل حسن

| | |
|--|---|
| فان بنامه هسته صحت بر آرد سوالتون | بنا اولی بیهوشی و کماله و کماله و کماله |
| دکتر بویزه کماله بر صدمه کماله سوالتون | اوشو و کماله و کماله و کماله و کماله |
| اولی بویزه کماله بر کماله سوالتون | اقتاد کماله و کماله و کماله و کماله |
| هله کماله کماله بر کماله سوالتون | کماله کماله و کماله و کماله و کماله |
| عده کماله کماله بر کماله سوالتون | کماله کماله و کماله و کماله و کماله |
| یونان کماله کماله بر کماله سوالتون | کماله کماله و کماله و کماله و کماله |

به بار آیدسون بظن نام بر خطه
به بار آیدسون بظن نام بر خطه

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| به بر زنده مهر رخسار آیدسون | به بر زنده مهر رخسار آیدسون |
| به وجود بر خسته و بر خسته آیدسون | به وجود بر خسته و بر خسته آیدسون |
| به بر بلبل چند و در آیدسون | به بر بلبل چند و در آیدسون |
| به دل دل آیدسون بر آیدسون | به دل دل آیدسون بر آیدسون |
| او که بر آیدسون آیدسون | او که بر آیدسون آیدسون |
| دگر آیدسون آیدسون | دگر آیدسون آیدسون |

✱ او لایه بوله شام به سوی کماله ✱
✱ او لایه بوله شام به سوی کماله ✱

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |

✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱
✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |
| ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ | ✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱ |

✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱
✱ کماله کماله کماله کماله کماله ✱

* نظر عارض انگار نظره سن و یروب *
* مباد کازم خاک انجمن ایدرن *

| | |
|---|---|
| اوهر دستبند زین اجتناب ایدرن * | دوشتر دیوشقی شرمه ماه رخساری * |
| * طلسم دله دوتیج دستبند ایدرن * | * درو هـ س و اس و ای و ای و شویب و شویب * |
| * در را با غبار سینه سینه ایدرن ایدرن * | * باقوب عذاب نه کاهی شکر خج زلفه کاه * |
| * درون را باغ پردانی ایدرن ایدرن * | * خجال حال رخنه خجته آه ایتسم * |
| * کل خشمی لیم ایدرن ایدرن * | * کوروب اولدی باقوبی کایه کایه اولسم * |
| * پناه دینه می جون دل شیر ایدرن ایدرن * | * او بزیم حسرتی کیم نیمی نیمی ایدرن ایدرن * |

* سخن طمع سینه کایه ایدرن ایدرن *
* خواهی شکر ایدرن ایدرن *

| | |
|--|--------------------------------------|
| * کینه دانه دوتیج دستبند ایدرن ایدرن * | * بود شکر بن اول صندنا شکر کیم کیم * |
| * که شکر دانه اولسم ایدرن ایدرن * | * او کایه کایه کایه ایدرن ایدرن * |
| * صبح خج دوتیج دستبند ایدرن ایدرن * | * دل طبع می عذبه کایه ایدرن ایدرن * |
| * بنان حیرتیه رنگی ایدرن ایدرن * | * سرشان آله کایه ایدرن ایدرن * |
| * عذبه کایه ایدرن ایدرن * | * سوسو کایه کایه ایدرن ایدرن * |
| * سواد دینه جور شد و باهنا ایدرن ایدرن * | * وجود می ره عذبه کایه ایدرن ایدرن * |

* دستبند کایه کایه کایه *
* کایه کایه کایه کایه کایه *

| | |
|------------------------------|---------------------------------|
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * دل در کار دیده ده کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * او کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |

جوان و صال دانه کایه کایه کایه
سیر خجال کایه کایه کایه کایه

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |
| * کایه کایه کایه کایه کایه * | * کایه کایه کایه کایه کایه * |

نظر فوضی الهی به مظهر اولسون
نظر فوضی الهی به مظهر اولسون

قاری اولدی مجلس فرمودن و حور بان له
 سوز اینه کونک بزم کونک بان له
 بر دلم بان سمنه خیمه معلا بان له
 دشت همتد ره سایی طه بان له
 پنج در صفا امی و زو فرود بان له

* کوستر زو و جنبی رفتار کر مله *
 * اولسون خرم قدمه کونک دل انظم *

* بلدر اداری طوطیه گفتار کر مله *
 * سقایی دینه اشک کهر بار کر مله *
 * هر سور و رواج بولده بازار کر مله *
 * الی عزال خاوری رخسار کر مله *

* انظم تصفیه ناطق اهل اصدا اول *
 * نجم سراج کیمی ذوق و شوق و حاله *

* که قندی فتنه آخر زمان مینامه *
 * او شمع تا که زانیا کمال در زمانه *
 * هر آن بر زده شرم الله صد خدایه *
 * که عکس حسنی اولنه سلا مینامه *
 * که بوسه سقا اولسه و طایر تیر طایر حلاله *
 * اگر و آوار کونک و محبت و عشق و ناله *

* کل کور انظم نامیره کندی عاقبتی *
 * دیوانگان عشقه کلرک زمان الله *

* بزمه بزمه دعوت ایدرک زمان الله *
 * کل بزمه کونک در کدرک زمان الله *
 * کل بزمه کونک در کدرک زمان الله *
 * کل بزمه کونک در کدرک زمان الله *
 * کل بزمه کونک در کدرک زمان الله *
 * کل بزمه کونک در کدرک زمان الله *

* انظم اشخاصی هست کشته بیشتر *
 * بی شکوی فلکون حیف قائل قنده بن قنده

* دخی روز از ازلیم دل قنده بن قنده *
 * فسو نو و مگر در مایه قنده بن قنده *

* * * * *
* * * * *
* * * * *

| | |
|-----------|-----------|
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |
| * * * * * | * * * * * |

دعای خجسته ای که شوق دلده در
بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| دعای خجسته ای که شوق دلده در | دعای خجسته ای که شوق دلده در |
| بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده | بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده |
| دعای خجسته ای که شوق دلده در | دعای خجسته ای که شوق دلده در |
| بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده | بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده |
| دعای خجسته ای که شوق دلده در | دعای خجسته ای که شوق دلده در |
| بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده | بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده |
| دعای خجسته ای که شوق دلده در | دعای خجسته ای که شوق دلده در |
| بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده | بند نظر به شکل و مل سرده سینه ده |

بوی مین اولور سه روا داده دیده ده
میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| بوی مین اولور سه روا داده دیده ده | بوی مین اولور سه روا داده دیده ده |
| میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی | میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی |
| بوی مین اولور سه روا داده دیده ده | بوی مین اولور سه روا داده دیده ده |
| میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی | میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی |
| بوی مین اولور سه روا داده دیده ده | بوی مین اولور سه روا داده دیده ده |
| میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی | میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی |
| بوی مین اولور سه روا داده دیده ده | بوی مین اولور سه روا داده دیده ده |
| میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی | میل انله نظیم کوروت شاید اول بوی |

طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم
قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم | طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم |
| قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له | قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له |
| طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم | طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم |
| قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له | قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له |
| طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم | طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم |
| قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له | قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له |
| طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم | طوبه ده ری توله فسون کلا مینله نظیم |
| قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له | قالی سخی بیستان طبع سخندان ای له |

سرخسب نازد سر و شایه
شاهد خاهن ده صراف سون ای خجسته ای نظیم

بیش از آنکه هستی در کرم روی کرد اندر هونور

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

بائنه عاشق دلورده تکه حیات کی
 بظلم اوساده رنجك بربقيسه در بئنه

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

بوفو ناله بظلمك بئنه حیران معنی
 بریدار اولورسه پای قلده سربهاد

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

بظلمك دورمه وطنه شاهه دل عرض ایت
 کلور شکرسته کله زلف نيم تاب برالد

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* منت ایترا بظلمك ویش فلكه *
 * طالع و بختنه ناز وار دلده *

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

* اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم
 * اوله نيم * اوله نيم

☆ او را بر اول عمر سل ستم ایتمی ☆

| | |
|---------------------------------------|-------------------------------|
| ☆ خط صدرا نه دو ستمی او طسه مشکین | ☆ بنفشه زاره زلف بکاری سترایه |
| ☆ آید شاعری زخیر دهر وین وایسه | ☆ کند خنده دینا زاری سترایه |
| ☆ بکارنگان طاعت سترایه کوی کوی | ☆ بوی دینا آتشی سترایه |
| ☆ آله سترایه آه می بویله و زلف سترایه | ☆ نهفته زور زور سترایه |
| ☆ باقر می رشک سیدانی کت کت سترایه | ☆ هله وایله سترایه |
| ☆ فر و فر میند او رنگین سترایه | ☆ طراوت گل سترایه |

☆ سوز دل آتشی ستمند خندان ☆
☆ قرانک اول باقه وراقه نظمی ☆

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| ☆ آه صدای بی روایه کوی ستم رخ کوه | ☆ احواله افله خدی سترایه |
| ☆ دو روایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه چشمه سترایه |
| ☆ رفقا کل ای سر و خرام چین باز | ☆ خاک قدک سترایه چشم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ سترایه سترایه سترایه |

☆ اولسه سوداگر عشقه ستم سترایه ☆
☆ بن نظمی ستم سترایه

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| ☆ اولسه کور ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ کوز او ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |

☆ ستم سترایه ستم سترایه ☆
☆ ستم سترایه ستم سترایه

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |
| ☆ ستم سترایه ستم سترایه | ☆ ستم سترایه ستم سترایه |

☆ ستم سترایه ستم سترایه ☆
☆ ستم سترایه ستم سترایه

| | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| * زلف سینه با زری زاده کرده | * سر ریشته در دم دل تاشد که کرده |
| * خستک خلوته از زلفه بی آینه با مال | * او بسم آینه اول قد شست که کرده |
| * بر صنعت شست زلفه مهر بند او ماهک | * کندن دلک تیشه فر هان که کرده |
| * رخسار تان اولسه مشاطه به محتاج | * خندن دل تید حسی جدا داد که کرده |

نظم
 کور نگه خیره چشم او اورم سینه سینه
 مهره مقایل اولدی او آینه وار نسه

| | |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| مشق خنوبدن اولدی از اید طفل دل | یوقد کوی بو هفتیه ده آینه وار نسه |
| تار شفقده نعل هلال ایلدی ظهور | بر مهره عاشق اولدی اولدی آینه وار نسه |
| تأثیر آه چشمی آینه وار نسه | آخردی آینه وار نسه که آینه وار نسه |
| مشق آینه وار نسه مکر سینه وار نسه | محو اولدی جمله بقدر آینه وار نسه |

نظم
 مظهر کور نسه وار نسه
 حکمی عشقه سوسو یور نسه
 غنمی

| | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| آخری ساحل مقصوده نادن مادی | نستم است اسوت فالت آرزو یور نسه |
| کوکله یاقه نایه ساقی | بو برمه صده سوسو یور نسه |
| بوله زلال لب و برسه می اچوب خان | باز دره اچا و بره یور نسه |
| خهان جراب اولور اول شول و جود یور نسه | قویز قیامت اولور بخل فتنه جو یور نسه |

* اولدی بی ضعیفه مهره کوه
 * سودای زلف بر شکر آینه وار نسه
 * نظم

| | |
|--|---------------------------------------|
| * بر زلفه آینه وار نسه | * حرف وفا دی او خفا جو که کرده |
| * پرتاب اندر سینه ریشته ریشته اولدی بوله | * اولدی غم عارضه او کوسو که کرده |
| * تا ریزان عقلم باقیه حسیه | * سحر آینه وار نسه کویز خادوی که کرده |
| * نغم آینه وار نسه طری مشغلی اولدی | * سودای عشقه دل آهوه که کرده |
| * چشم و فتنه اولسه خنوبدن شکر | * خنوبدن عتاله اولور آهوه که کرده |
| * راز راز آینه وار نسه مهره کوه | * رشکین اولدی سینه جوشی که کرده |

* نظم آینه وار نسه
 * خجال حلقه زلفه بر خفا راز
 * خزان طراز که کرده

| | |
|--|--|
| * اولور دی سالی اوسمه حقیقت آینه وار نسه | * سراسر اولسه ای رله بخان که کرده |
| * خناب آب دکل روز در ده او ریش | * بو خنوبدن و خناب آینه وار نسه آینه وار نسه |
| * عسای عتله بلا ریش آینه وار نسه | * که دم زلفی قلی اوسمه آینه وار نسه |
| * اولور غضنه دمادم خنوبدن آینه وار نسه | * غنمی جو فوله اولسه آینه وار نسه |

* نظم
 خنوبدن آینه وار نسه سینه وار نسه

جونا و اولدی خوت کله سینه سو زانه دو کله
هر طرفه کله او سینه سو زانه دو کله

صوبای خوت کله خات کله دو کله
صوبای خوت کله خات کله دو کله

نظم بولسه بولده داغ درد عشقه شهرت
از لکه نام خوت دل زاره قولدی

همان و طوبه نکره زانمان قولدی
همان و طوبه نکره زانمان قولدی

همان و طوبه نکره زانمان قولدی
همان و طوبه نکره زانمان قولدی

قویونده برفی بشارت سوز اولد
هله اظلم کئی کوردم جهان قوردی

شکوه نازده هر بخت ساهان قوردی
شکوه نازده هر بخت ساهان قوردی

شکوه نازده هر بخت ساهان قوردی
شکوه نازده هر بخت ساهان قوردی

قوی اودمکه ایدر ده باره زانمان
نظم زانمان کئی کوردم ایدم

دعای تیش و ورد کله
دعای تیش و ورد کله

دعای تیش و ورد کله
دعای تیش و ورد کله

نظم کتور دل و زبان اولوب ایدم
نظم کتور دل و زبان اولوب ایدم

هر بخت خاستنا دل بولور ایدم
هر بخت خاستنا دل بولور ایدم

هر بخت خاستنا دل بولور ایدم
هر بخت خاستنا دل بولور ایدم

عاشاه ناله و زاهد جودنا بولور ایدم
عاشاه ناله و زاهد جودنا بولور ایدم

اولی برسی بطنی است
اولی باقی کتف و سینه است

| | |
|---|---|
| خاکه بپوشد تا جایی که در خوبی اینها دل را میبرد و سخت بازای خرسی ناله دل دور بند باید دل آله ناله ناله ناله ناله طول و سینه ناله ناله ناله ناله دل زنده دیوانه اولی است بطنی | بطن اینها که در جایی ناله ناله ملاحظه کنی بوی ناله ناله ناله سختی ناله |
|---|---|

بطنی است بطنی است بطنی است
بطنی است بطنی است بطنی است

| | |
|--|--|
| سینه ناله | بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است |
|--|--|

بطنی است بطنی است بطنی است
بطنی است بطنی است بطنی است

| | |
|--|--|
| بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است | بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است |
|--|--|

بطنی است بطنی است بطنی است
بطنی است بطنی است بطنی است

| | |
|--|--|
| بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است | بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است بطنی است |
|--|--|

بطنی است بطنی است بطنی است
بطنی است بطنی است بطنی است

بطنی است بطنی است بطنی است
بطنی است بطنی است بطنی است

در کتبچه دل جنس هیزه ۶۷۶۷

| | |
|------------------|------------------|
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |

بعضی بگویند که در کتبچه دل جنس هیزه ۶۷۶۷

| | |
|------------------|------------------|
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |

بعضی بگویند که در کتبچه دل جنس هیزه ۶۷۶۷

| | |
|------------------|------------------|
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |

بعضی بگویند که در کتبچه دل جنس هیزه ۶۷۶۷

| | |
|------------------|------------------|
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |

بعضی بگویند که در کتبچه دل جنس هیزه ۶۷۶۷

| | |
|------------------|------------------|
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |
| دل جنس هیزه ۶۷۶۷ | دل جنس هیزه ۶۷۶۷ |

نظم بقدرت انبیا سخن و شام
چو صیقله در کوه برآید بوندی

| | |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| الده کل زین رتبه در دیده باده بوندی | تیم ادم اولی رتبه در دیده بوندی |
| همیشه جا و در کوه باده بوندی | مشال آینه روشن باده بوندی |
| چند فایده باده بوندی | رسد اولی در کوه باده بوندی |
| چند فایده باده بوندی | چند فایده باده بوندی |
| چند فایده باده بوندی | چند فایده باده بوندی |

صورتی که در دیده بوندی
صورتی که در دیده بوندی

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| کند ازین رتبه در دیده بوندی | به شاه شادی باده بوندی |
| کند ازین رتبه در دیده بوندی | کند ازین رتبه در دیده بوندی |
| کند ازین رتبه در دیده بوندی | کند ازین رتبه در دیده بوندی |
| کند ازین رتبه در دیده بوندی | کند ازین رتبه در دیده بوندی |

نظم عزم بقصد آله دورده های همیشه
که اخلاقی را آینه شد ست طلب بوندی

| | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی | دخی بنگار باده بوندی |
| بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی | بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی |
| بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی | بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی |
| بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی | بوالسلاک آخلاق بزرگی باده بوندی |

نظم هر قطره باده اولی جهان سوز
نظم خاری بزمی اولی بزمی

| | |
|--------------------------------|-------------------------|
| نظم هر قطره باده اولی جهان سوز | نظم خاری بزمی اولی بزمی |
| نظم هر قطره باده اولی جهان سوز | نظم خاری بزمی اولی بزمی |
| نظم هر قطره باده اولی جهان سوز | نظم خاری بزمی اولی بزمی |
| نظم هر قطره باده اولی جهان سوز | نظم خاری بزمی اولی بزمی |

نظم بزمی که در دیده بوندی

کسی خوشتر از کسی است اولوب انبسم خوشی در آن کسی

صدرا و اولوب که کند در دانه صاندی
آواز و نظره جهان در آن صاندی

| | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| عشق آتشی اولوب که دل و جان صاندی | هر چه شدی سر در سر دودار دیده ز من |
| دل و دل شدی چه در صندیه صاندی | بندگی و صاحب دل و کل ای چشمه وصلت |
| فردا که در دل آتشی صاندی | بر آتشی صندیه صندیه صاندی |
| طوبی خندان با شادی جوای صاندی | کوبنده حقوب آتشی صاندی |

اندر آن مهر طریقه ساقی صاندی
قاله قافه سخنند کتبه عتق صاندی

| | |
|--------------------------------|--------------------------------------|
| کون کون می مهره مهره زین صاندی | سوز سوز مدعا دوزخ زح کار فک |
| دوی دوار در سلسله عشق در صاندی | استخوان سینه ام کوزم کوزم سر شک چشمی |
| بویله بویله طبعی داجی صاندی | ملک خانه ایلادی حکم بران اول بر وان |
| برش برش کون کون صاندی | کوبنده کوزم اوهاک بوجسه آه پرش |
| خندان اولدی دایم صاندی | سر و سر کس اول قول صاندی |
| بویله بویله مهر من صاندی | کوزم کوزم اوهاک عالم آتشی |

روح بر و بر صاندی
کشمه احسای معانیه نظم اسما

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| قالدی زک آتشی اولوب صاندی | صنقل عشق آتشی اولوب صاندی |
| خوش سلسله سرتک در صاندی | فرقده اول در رنگی صاندی |
| کرت عتق صاندی | دو صندی اول صاندی |
| بویله بویله صاندی | سعد سینه زین صاندی |
| اول هلال ابروی صاندی | فرض بویله صاندی |
| ماه صاندی | اولدی بویله صاندی |
| بر طیب خان صاندی | ایلی بویله صاندی |
| کوزم صاندی | شهد اول صاندی |

کشمه اول صاندی
کشمه اول صاندی

| | |
|----------------|----------------|
| کشمه اول صاندی | کشمه اول صاندی |
| کشمه اول صاندی | کشمه اول صاندی |
| کشمه اول صاندی | کشمه اول صاندی |
| کشمه اول صاندی | کشمه اول صاندی |

بزم عتقه نظم زاننده فانوس و شب
جمع سخن تازه اول هر حرفی داسوزانندی

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| عشق کرم عاشق شنیدی دلسوزانندی | عشق کرم عاشق شنیدی دلسوزانندی |
| ای در یک عکاز در آبی دلسوزانندی | ای در یک عکاز در آبی دلسوزانندی |
| فرقت مهر و جوهان آری دلسوزانندی | فرقت مهر و جوهان آری دلسوزانندی |
| آتش عشق سنگ دینی دلسوزانندی | آتش عشق سنگ دینی دلسوزانندی |
| دلای خمی ازین آفتاب بی دلسوزانندی | دلای خمی ازین آفتاب بی دلسوزانندی |
| عجبا اسما عجزه دلسوزانندی | عجبا اسما عجزه دلسوزانندی |

شاهزاده عرض آید ای خانم
لوح نامه خوانی بصورته حاجت دلدی

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| اویتادی عجزه کز خاک تیره حاجت دلدی | اویتادی عجزه کز خاک تیره حاجت دلدی |
| تاب و سوز و تاله تا تیره حاجت دلدی | تاب و سوز و تاله تا تیره حاجت دلدی |
| کرم یک اولی تیری تیره حاجت دلدی | کرم یک اولی تیری تیره حاجت دلدی |
| ای مه تاهه بان سخنر حاجت دلدی | ای مه تاهه بان سخنر حاجت دلدی |
| شهر و ارم کل نیز عجزه حاجت دلدی | شهر و ارم کل نیز عجزه حاجت دلدی |
| تازه در د دل تیره حاجت دلدی | تازه در د دل تیره حاجت دلدی |

بیتا بته مستانه او اوه
سینه سن آخدی بیتی

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ای طایر طریک حلقه کز تاب کبی | ای طایر طریک حلقه کز تاب کبی |
| سبی اولنگم خگم آغوشه محراب کبی | سبی اولنگم خگم آغوشه محراب کبی |
| این سخنر من را کبی مضرب کبی | این سخنر من را کبی مضرب کبی |
| رشته خانه دل زاره دوشین تاب کبی | رشته خانه دل زاره دوشین تاب کبی |
| مضطرب اولسه بوله قهقهه ستاب کبی | مضطرب اولسه بوله قهقهه ستاب کبی |
| دیده بخت سبای هم دخی در جواب کبی | دیده بخت سبای هم دخی در جواب کبی |

نظمی رشته معانه کور در ورده نظم
کز سون الدن اله استیج در تاب کبی

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| اقتن کوزن آشنی دیده دولاب کبی | اقتن کوزن آشنی دیده دولاب کبی |
| صاف آیدن سینه فی کینه سبی آبی کبی | صاف آیدن سینه فی کینه سبی آبی کبی |
| دو پشنگ فرصتی قوتی آله سهراب کبی | دو پشنگ فرصتی قوتی آله سهراب کبی |
| سر کس اوله حذر بیت مهر خربتاب کبی | سر کس اوله حذر بیت مهر خربتاب کبی |
| دو قوتان تا بر زار دله مضرب کبی | دو قوتان تا بر زار دله مضرب کبی |

هرگز چشم آهوان را حسرت نماند ز بختی
که چشم آهوان را حسرت نماند ز بختی
و کار در نه زنجیر دو یوز سر به سر
و کار در نه زنجیر دو یوز سر به سر
نخعی صغیر دل و اسرار با لوح تصویر
نخعی صغیر دل و اسرار با لوح تصویر
یا نه برق درویندن زبان شرح و تفسیری
یا نه برق درویندن زبان شرح و تفسیری
که وقت کار بود در دست انداختن تا تیری
که وقت کار بود در دست انداختن تا تیری
گه سب سوز بود ز جوهر تا تیر شمشیری
گه سب سوز بود ز جوهر تا تیر شمشیری
صار افلا که بچه زار هفتاد شیری
صار افلا که بچه زار هفتاد شیری
اوتیرک اولد بچه قامت جگشته ز بختی
اوتیرک اولد بچه قامت جگشته ز بختی

مدر خوار خاندان کنم اولور کیمیر دینه تیری
مدر خوار خاندان کنم اولور کیمیر دینه تیری
گوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
گوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی

عرض ابتدای روی زردن اوستین بر نظم
عرض ابتدای روی زردن اوستین بر نظم
بلدردی فی عشق اندوگن گتم کبری

سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی

* سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
* سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی

هرگز چشم آهوان را حسرت نماند ز بختی
هرگز چشم آهوان را حسرت نماند ز بختی
و کار در نه زنجیر دو یوز سر به سر
و کار در نه زنجیر دو یوز سر به سر
نخعی صغیر دل و اسرار با لوح تصویر
نخعی صغیر دل و اسرار با لوح تصویر
یا نه برق درویندن زبان شرح و تفسیری
یا نه برق درویندن زبان شرح و تفسیری
که وقت کار بود در دست انداختن تا تیری
که وقت کار بود در دست انداختن تا تیری
گه سب سوز بود ز جوهر تا تیر شمشیری
گه سب سوز بود ز جوهر تا تیر شمشیری
صار افلا که بچه زار هفتاد شیری
صار افلا که بچه زار هفتاد شیری
اوتیرک اولد بچه قامت جگشته ز بختی
اوتیرک اولد بچه قامت جگشته ز بختی

عرض ابتدای روی زردن اوستین بر نظم
عرض ابتدای روی زردن اوستین بر نظم
بلدردی فی عشق اندوگن گتم کبری

سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
سوزنک آج جفته ناله کنی گمده و شکور بر اول
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
اصوات اینر آماج مقصود جدای آه
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
عزال خاوری اینر شکر رخسار استغنا
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
اولور خوشن گذار عاقبت آه دل مظلوم
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
صفه سوزن ناله جان گذار اولدن اول خوبی
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
دل شورید بر آینه سوزنا اولدن استر کنم
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
مهندس سراسر نفسی ز جای خای آه
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
جدای عشفق کجور و جویون کنم بر قی باک
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی
گوکل بر شمسوار دست حسرت اولدی بختی

بظن اسامی کوهی بر بزم جامی اخصی خواند
که روح الله است اوله بر وانه فر و نانی

| | |
|---------------------------------------|---|
| که او این افتاب عالم را کوی کردی کردی | از این بر شهنشاه ستمی خور خور بنور ای دل |
| کل جور شنیدی شرم آورد اندر اندر خجرتی | چیز آن روح الله او شد و خاک باغی بر کیم |
| اول و نانو روز فرود آمدن دامن درانی | شهرت عجزه خلاصه بر کیم بر شهنشاه |
| دل جوانان اولور زیدانی خانه بختدانی | استر عشق و بر یوسف صفر خاله کیم |
| اوله اصح خبر دیده جور شنیدی خبری | تا نماندند بیرون بر موی کیم کور سره جباری |
| که جور شنیدی ظن اندر کیم گوش مستانی | او بر خاک اولمش مستم جام رخساری |

بظن اولدی هرچی در آن خون آلودی بر رخساره
بوله لوله بیله ایسه تصویر ستاری

| | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| کورت فیرک صیقل اخیره او خجرتی ستاری | کوی آرا ده بر عیال کیم اولدی کوی کوی |
| تا شایسته ای دل کیم بر بزم ستاری | کند زلفه جور شنیدی عیال بنی ایتمی |
| بزی روزی که در کورسون مهر سحر ستاری | بجی دیوانه ایتمی بر بزم لطف اولدی |
| عزلا به نگاره کیم شهنشاه ستاری | بر نیسی خانی که روزگار اولدی بر ستاری |
| کورت بابت کیم موت موبتدیه زهنه ستاری | کوره دودنی قدم خانه کیم تیر ستاری |
| قیاس اندر ستاری انکی شهنشاه ستاری | کوی رنار اول دیوار کوی کیم ستاری |

بظن اسامی سلطان اولدی سلفی ای یوسفی
بظن اسامی سلطان اولدی سلفی ای یوسفی

| | |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| دوانه موقیه بوی پیرمی ای یوسفی ای | دل تار و هورک خاره سار اولدی اولدی |
| عز بر صبر از اولدی کیم ای یوسفی ای | اولور لایق است بر بند زلفه دور حشره |
| سنگ سنب زینت کیم ای یوسفی ای | ان کیم سنی غیب جو باه باقدن |
| مکرم اولدی کیم ای یوسفی ای | بجی کیم ای یوسفی ای سار کیم سار |

الذی حرم خانه ایستد تصویر دلاری
الذی حرم خانه ایستد تصویر دلاری

| | |
|--------------------------------------|------------------------------|
| بختله کیم بخت سار صالت یوری طوی زانی | بر خجرتی قدس کیم کیم کیم کیم |
| کوس بر بزم زلفه کیم حال بزم بختی | خویش کیم بخت کیم کیم کیم |
| زینت بختی ایستد اولدی ستمی ستاری | رخسار کیم بخت کیم کیم کیم |
| مست می بختی اولدی اولدی شهنشاه | دستان بر بخت کیم کیم کیم کیم |
| باقی چه شهنشاه کیم کیم کیم کیم | حال کیم کیم کیم کیم کیم |
| باقی صدی صدی اولدی اولدی سلفی | عوی کیم کیم کیم کیم کیم |

بظن اسامی سلطان اولدی سلفی ای یوسفی

| | |
|--|---------------------------------------|
| ای در وی دردی نماند از آنکه در وی دردی نماند از آنکه | مخربان در قیامت خاله دل و جان را |
| شهره ماه آنچه شمس از آتشش بقدر از بود | تجربه عشق در سه چشمه خاندان بدین |
| بار سو لاله قدر کز نخل طولی من مراد | گور عیند بو تو له ابتدا بو او ان گور |
| شیرین دماغ اندر بی ساقی سراسر تیغ | باز گویند در سنگ فرودس اعلا من مراد |
| ای غریبه حیات حسودی سه ساله سنج | حقاقت بدین تیغ و کفی تیغ |
| ای دای دای در خی و دل و ده ساله سحر صوح | زهرانه هلاله کم عدوسی تیغ |
| ای شهین شاه سحر سحر سحر سحر | سرمست عشق سرشکری تو نه اصرار |
| ای شمس و قمر و انوار و انوار و انوار | اطفاهه دو عالم بخراج |
| پر خیزان او از آن او چشم و رنگ مست | سینس بو عینک عالی و او را نه اعانت |
| خون اندر سالکی سر سبز و اصل هفت | خشمش سینه تاب دوتیغ اول سینه مست |
| بنان مخمر سه ساله او مهر صبح بخت | هفت اله بزمی ای هفت اله هفت |
| خاکدای صوفی بزم چند ناله تاب | دو باره اطلالی در صوفی ای هفت اله هفت |
| خشمه خندان صدفی و صدفی و صدفی | کار خرد و دینت در صفای عالم تاب |
| حق تعالی سنجاب اندر باد مرزین | و بزوی ای دل شیدا گداز سحر سحر |
| دانشی آتش خدای شگفتای قرب | عند وقت و او را و او را و او را |
| دکتر جانر بر زرد رنگه ای ملک سنج | مهر سحر سحر سحر سحر سحر |
| سرن رنگ آتین بو لعل و صلاله دانه بن طما | بنات العیش با آبی احراق سینه گویا |
| دل شیدا که هر کور در کوه انظر طوطی گویا | سوی قوی خیز سوری سوری سوری |
| اولدی بی اشک سوزن سوزن سوزن | غیب مرآت او و او را و او را |
| ملک حقیقه سنی آتیشی خراب گویا | هر قطره سوری در جوی سوره سوره |
| اولدی افسردگی دهمردی غفلت حقا | هم جسم و جنل رسال هم با دستانه انبیا |

مفردات مرتبه بر طرز هجرت * * *

| | |
|--|-------------------------------------|
| گدازم او را رنگ سینه خسته و نه ای نظیر | عاقبت بر کون و بر دردم و بر دم دردم |
| مقدم او را رنگ سینه خسته و نه ای نظیر | خاک خاک او را کس که بی گدازم |
| مقدم او را رنگ سینه خسته و نه ای نظیر | حیرت آوده کوه نذر نذر کوه سینه |
| مقدم او را رنگ سینه خسته و نه ای نظیر | هاله آغوشه المسم تا آغوشه |

| | |
|--|---|
| طرف قلبی ده بوقله گهی ای جوانی | گنج اندوب زانه کنی بند الله دل محزون |
| دو گدی بنی اول جاولو بقیه سیدی سر سینه | بشاید چو کله برین از انسه اشکله و جنو |
| دانه روزنگه زانک حالش ایتر بهمان | خندی ز بر دلمه دل و غمی سر دین آنگهان |
| بواله اوله و اوله و اوله و اوله و اوله | سز کنسوی بازی گنج آید ال بدلولو و اوله و اوله |
| فانتک و کله کله بان گهی جمع جور بند جهان | آه آه آه با الله سر کردان مانه اسمان |
| بستوبند آب حار بند سر شکر کوه کن | گوز باشین دریای فی ثانی اندر سر دین خن |
| بستوبند ماه حسنه ناقصه ماه | زیر قیاسه شایسته قانورسه بوله مدام |
| سر زانک گهی دمان روزنگه ندر کوردم | هفان بیزح حسنه انکی ز جشان کوردم |
| بشر اولور کن چینه بینه کل | بغیه آینه اولسون بلبل |
| دوبندی طرفی بینه ده رفقه انابو ابسته دل | حاله ناط اولون حیرتله اوله دی دغیل |
| انی عکسکه اندوب لا بوقله | بخی کوکلی ایتمدی بیدل |
| نامی صوردم اول فرشته صفات | انکی بنی ایله ایتمدی ایشات |
| گور لطفله اولوشی بیک بر صفا | بنال اندر سیک بیزنی و باج و بر سر اوله خدا |

*** من در آن رنگ ***

بغیله ایتمدی کوردم خیمه
خطا بیدن سلطان سندن الهی

| | |
|--|---|
| دستار ستر گوی سوله سیر ایله احمدی | دیور بیز تو فوج خیمه خیمه |
| چینی قره سنی مهر جلی | گوزم نوم گوری کورم مهر علی |
| مهر حسنه بولور ماه صفت پرورشی | آینه مایل اوله سوله سوله کور کور سترشی |
| اکلری بیلدی دل شیدا غنچه دخی | کوش ایتر می ناله سن اول غنچه لب دخی |
| گنه میر انده بوسه کوش اول سکنه بدلی | برج میران اولدی کویا اقتانک میرلی |
| دود دلدرباغ عشق سنبل مشک دخی | اشک تر کدر کور مهر من و محبت شنبلی |
| دولاد رسنه غنچه عید گهدک سیدک اول وحالی | بینه دولاد نه کورم کورم کورم کورم کورم کورم |
| فراتکله اوله کورم دینه دینه دینه دینه دینه | بیک اولدی دایه دایه دایه دایه دایه دایه |
| بند قد زانه زحور کله استاد اول آزلی | بکرستان حسن ایتر غنچه کورم کورم کورم کورم |
| السلام ای بوستان لی مع الاله کله | السلام ای کوشن باشین باطنها وظا |
| غنچه بند زانه کینه کورم کورم کورم کورم | اوشوخه رعد اوچور دوق بینه حانه الله |

| | |
|---|--------------------------------------|
| * عکس می دهد و شدی او را و او را بطلبند * | * عکس دل دخی او و تنگ آید . برست * |
| * و در هاله شش بندی بی دست بندست * | * بخون الله عشق بی بندی دست بندست * |
| * بجنگ عشق ایچره اولور بانه برست * | * اولور مدح داغ دل ناله مست * |
| * کویه نظر آن آینه ده کجیم نظریم * | * مقدار من اولور بنه بر وجهه است * |
| * بر طاقه بوزن ده درازا نیشک دست * | * سر بنجه خورشیدی اندر خورشک دست * |
| * ایگز سه سکا روز درونم تا نیر * | * با نسون علوا الله ام بخار * |
| * ای امل ای جعفر ده آب حیات * | * وی خط باج سوری سواد طلال * |
| * سوزشیدی املی تا فی بر یوسه و برست * | * بار و ردی بنم دهاته مهر سکوت * |
| * عشق ایچی انگری دین سر سکه برست * | * وقت اولدی بر تازان اولدم منهور * |
| * ای کیم تا انا صبح الله ایتدک اکلان * | * مرغان رسات ایتدک خله سکوت * |
| * ای کیم تا انا صبح الله ایتدک اکلان * | * وی نیشک کستان ملک ملکوت * |
| * بن جیم کلام اندنجه درازا کلام * | * صولک دمه اوره دهاته مهر سکوت * |
| * ای محوشکوه عشق امل خیرت * | * لیز بفر و ج مهری ملک ملکوت * |
| * اولش اولش اولش اولش * | * طاق زر دیری ابروان بر تاب * |
| * دل بر صفا مهری امله کشته تاب * | * خان معظمت عشق بنال سحاب * |
| * زهر زده در شش خیمت ایچ نظریم * | * پیش و پیش و زور زور است خراب * |
| * رخساری قفا بی سر آینه بنجه * | * صایح وصول کبر فایک دون مشرب * |
| * اجزای وجودی حکم ازلی * | * کویا کیم عشق این آینه برکت * |
| * خالق ابدی لایسط منبری برکت * | * خان دون اول و اول عشق اولدی اینه * |
| * برضا اله الهی سرمست خراب * | * برست که شیدا ایچ فی بهت عشق * |
| * اولسون ملک ای ساقی بزم لایم * | * خان دون اول و اول عشق و برست عشق * |
| * خان مدحت اذکاره سنگ مهر بنال * | * دل و صفا صفا سنگ مهر بنال * |
| * ای خلقت اشیا به اولی ذاتی سنب * | * محبت ایچ شه باک بزم بسب * |
| * روبرو کیمی سر صفا اقباله حقی * | * سوادلین سینه ایتدم بارب * |
| * بن بصره اولدم کیمه ایتدم بارب * | * صفا اله عالم ایتدم بارب * |
| * اقصی قومه ماه ویش هلال امل * | * ابرار کماله عالم ایتدم بارب * |
| * یتدا شه و دوشاد امل ایتدم بارب * | * چشم ده جوانی صرام ایتدم بارب * |
| * مشاطه ایتدک اولسک بنجه * | * کلک بویه زان روی مریم صفا * |
| * ای خامه افسون کور و سحر خیا * | * وی مطرب شادی بزم ایتدم بارب * |

| | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| * اول زنی فکری خط حرف وصال | * سر صفتی تاز اولسه ازها تراز * |
| * دور که بر اولسه بوله ای مانی تاز * | * اطفال حقیقه دنستان بخان * |
| * بزم علم عشقه کده بانوب اقباله * | * پروانه گنج اولسون ایشم سوز کوز * |
| * ای نوی رضیا کسرتک شایسته تاز * | * وی سیم سراسر فوره زانجام تاز * |
| * آه سون دای فروج مهر تاز * | * اولسون ایدی درون کوزان سون * |
| * ای تازی عسایه بی تیران سون * | * وی نایقه هدایه صیانت سون * |
| * هفت کسرتک ایشمال ایشمال * | * میغان اول اجمعه او فرج فرج * |
| * صد اذن ای رشک بری صیرت حور * | * طلوس کجی حسنگه اوله معرور * |
| * برده دوشه دور تک تندرولی * | * هر ده سی اولسی شراش طور * |
| * ای زلیخا اولن جوانه فته و شوره * | * ابروسن ایندین شهر شاهین عور * |
| * خط کله قیاس ایشمه دیر قدرت * | * نازمی ورق عارضه سوره نوره * |
| * ای حسنی اولان فون رساینده حور * | * وی زلف اجم اندر جی شایسته حور * |
| * بر صیغه کرم اولده دم اولور * | * برده تیه بتک مهر در جهان ساتور * |
| * بر صیغه ملا زور که رفیقان ساتور * | * هر کوشه همدان اولور ساتور * |
| * بر کشته کلام کل بر تیره * | * دام تیه جوانه غنای دو کوز * |
| * سخن اینه کوزدن کسرتک دو کوز * | * هفت سینه مه اجمک دو کوز * |
| * دل رود اینه کسرتک خوشتر کیم * | * خج ساسانه بکده ایشمال * |
| * زلف کله کوهلی شایسته ایشمال * | * سودا سنی موی حکایت ایشمال * |
| * آه صیغه نازمی بر تیره ای ایشمال * | * دیر کله جانی ایشمال در * |
| * حسنگه کسرتک بی مدد غایب در * | * افتاده کله مینه عالی در * |
| * بر جلی بقا ویران باد ایشمال * | * کویا که بظلم قای سنیک در * |
| * مادام او بر کوه مانی سیک در * | * عشق کله ایشمال رفیق ایشمال در * |
| * جوانه کسرتک دینه بر دای کوه * | * اول خنده بر جوشی کوز دای * |
| * هر دانه ایشمال در دای * | * مژگان خس و خارده سینه ایشمال * |
| * فرجک نظر اولسه اعتبار ایشمال در * | * مهیا دکل اویشوه هفت کله در * |
| * رخساری ایشمال کسرتک ایشمال در * | * کویا که ایشمال ایشمال کله در * |
| * درد اولسه ایشمال در دای * | * الله او کله مداره ایشمال در * |
| * سودا کله دای ره و سوز دای * | * هواره موسی کله ایشمال در * |
| * بر صیغه شوره کسرتک بزم بظلم * | * غایب لری قیاسه کله ایشمال در * |

| | |
|------------------|----------------------------------|
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ در دله او با سال سندن سکا مرص |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ حال دل بر ملای سندن سکا مرص |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ زان کجا تا کجا سزا سزا سزا |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ کز او و جودی ل مع الله جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ یسوم کجا رسنک و طای مرص |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ حال دل مبتلا و مای مرص |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ آهیدی بواسی سزا سزا سزا |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ زنجیره کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ مهر مهر کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ بن زان بواسی نظر اولو سه جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ بولس و ن گهر من ادن الله جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ نای کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ طین انلسون کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ زاهد کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ بر لای دورانه بواسی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ بوجسته خال اولو عشوه فروش |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ سلطان حسن دونه صرف از مرص |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ قدی کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ عمار جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ اسب جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ ارواح مقدس اولدی بواسی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ مشک جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ قضی کجا جانی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ رزاق و جاد هندی کجا جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ لایله سینه خانه ای کجا جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ مامون محنت اولدی بواسی جانی |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ نه صوت اذان رسیده نه ناله خسوس |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ عقده صناع و شام اولم مایوس |
| ✱ ای نامه ای شاه | ✱ عقده ای جانی جانی |

| | |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| * ورد آمدی گویم جناب عبد اللهی * | * سیر انبیا علی صلوات الله علیهم * |
| * کور میزدی نظم و سیرت کور می * | * دل نول سارها اولستدی واصل * |
| * اولسه نوله دشت عشقک جنونی * | * برانی حستک اولدی اولدی مقبولی * |
| * لیریز جنون آیتدی دل آتدی * | * برشویح سته حقه دینه دیوانه اولوب * |
| * چقدی فاکه اولوئه و اولی * | * مالک دل بقه الدی عشقک جنلی * |
| * یاران نسی برده کور صرهارتی * | * در بهاده ده خام نام سر بو شوله در * |
| * ساقی نوله غله کور مسکرتی * | * خرچ آیتدی شگسته سا غر مینتی * |
| * نظمه انظم زمره میرانی * | * غان نوت ذاتک دمسازانیت * |
| * نسرین سال رو صرهارتی * | * ای ورد قدش کنی بطن ساقی * |
| * آینه قدر و عدو شام و صحرای * | * کور کور کور ایقلان اولسون شاه * |
| * وی چشم زنده است خاکری * | * ای خان و دلده حسرت رهگذری * |
| * سر دارسل سوله و سر خیل بی * | * زکون اوله بی غیب خنود کور دیم * |
| * بو نگر و عمر حضرت عیان و علی * | * ای ذات شریفی هر دو کونک سنی * |
| * وی مایه منیر فاک لم یزل * | * هر می خور به تاب سیر ازلی * |
| * مستغرق شیشه شعور آله بی * | * تاریخ تاریخی سارا سوالی قونیر * |
| * فی قفسه غم نبود و بود آله بی * | * ای نای خرد سارا ای خود آله بی * |
| * رفاص نولای مجلس اولسه زهر * | * اولزاکه چشم و کوشی است مینا من * |
| * بر در بزمه هوا هر چه مهر * | * ما دل کلزک کینه کینه و نه مهر * |
| * کلکند بر اولور کلکند * | * بر دلاکله کله داغی داغی کل * |
| * داعی نوله عرض انسه دل افکند * | * آید غم کل رو فی او شوق خند * |
| * بر کسی تا ریحون اولم خسته * | * اولدی بنه ارام کهم سیر عشق * |
| * آید بی بی بر سلسله مودلسته * | * زنجیر جنون اولش آنگن انگسته * |
| * کلزار خاله سیر سیرت یکه * | * تا اولته اشیا اشیا آید خطی * |
| * نالده در دل دیوانه * | * ما غم خطم او اولته خاله * |
| * خان بنان اول عیبه شیند * | * آید بنان اوله کوره ل میل آید * |
| * نالسه بخت سیر جم خال آله * | * پروانه دل غم اوله اولوب اواره * |
| * بند اولسه ده دیوانه کور زنجیر * | * بند اولسه ده دیوانه کور زنجیر * |
| * فریاد که بر خاره ده یوق آید * | * فریاد که بر خاره ده یوق آید * |

چهار روز هر که از این چهار روز بگذرد و این
سخن را در دست راست و در دست چپ
دوازده روز از سر ایستاده ساعت میتا
عدا کرده اوله کتاب بخوان و در آن
عبارت را بخوان که در کتب موعود است
اوله نام مصیبت است بر این و اوله

حکایتی است که در آن روزها
مدر آن صفت بود آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها
بند آن را خواند آن طوطی که در آن روزها

وزیر کرمت پروردگار علی آشتی کن
و در وقت فرید الله در حق
ایمام دین و در وقت فرید

وزیر کرمت پروردگار علی آشتی کن
و در وقت فرید الله در حق
ایمام دین و در وقت فرید

وزیر کرمت پروردگار علی آشتی کن
و در وقت فرید الله در حق
ایمام دین و در وقت فرید

۱۰۹۵
چهار روز هر که از این چهار روز بگذرد و این
سخن را در دست راست و در دست چپ

دوازده روز از سر ایستاده ساعت میتا
عدا کرده اوله کتاب بخوان و در آن
عبارت را بخوان که در کتب موعود است
اوله نام مصیبت است بر این و اوله
سخن را در دست راست و در دست چپ
دوازده روز از سر ایستاده ساعت میتا
عدا کرده اوله کتاب بخوان و در آن
عبارت را بخوان که در کتب موعود است
اوله نام مصیبت است بر این و اوله

دوازده روز از سر ایستاده ساعت میتا
عدا کرده اوله کتاب بخوان و در آن
عبارت را بخوان که در کتب موعود است
اوله نام مصیبت است بر این و اوله
سخن را در دست راست و در دست چپ
دوازده روز از سر ایستاده ساعت میتا
عدا کرده اوله کتاب بخوان و در آن
عبارت را بخوان که در کتب موعود است
اوله نام مصیبت است بر این و اوله

۱۱۹۱
دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

دردی که در این روزها
دردی که در این روزها

عاقبت بولوی سوری سیم سنیم
ابتدای فای شاکت ارا را جز
صراحت بولوی سوری سیم سنیم
دل هلاک اولی اشیا فکده
بیماران بولوی سوری سیم سنیم
فاله طولی سوری سیم سنیم

دل شیدا عکله معرا جن
اتر و بوی حسرت اموات اجن
روی زردیم فراقه فکده
خان فدا اولی افزا فکده
دل زار و زین و نالایم
انتظار کده دینه خاتم

عاشق عاشق نظیم
عاشق عاشق نظیم

خاله اولم یو کله سینه سوز
سند در یو کله سند در
ولسه و نه و شوبت ایت احسن
در یو کله سند در
چوقی بزم و صلاک و صول
سند در یو کله سند در
سند در یو کله سند در
سند در یو کله سند در
سند در یو کله سند در
سند در یو کله سند در

ولاد نون اولاد نون
سنسن اچن صر صر شاهه سنسن
ای یوسف کفری سنسن
کرت درایت کرت اله قبول
از کل هر که اولادم مول
استم الله من سنسن
احزان ایت خاله خانهدن
عاشق عاشق نظیم
غیردن بولوی سوری سیم سنیم

* شرفیات * شرفیات *

۱۰۷۵
عون خدا ایله بو نظیم
تاریخی کورن دینی * دیوانه نظیم

مقبول طبع اهل کمال ایزد
امید او در که ایلله دیوانه بی

۱۰۷۸
اندی تاریخی هانف ندا

اولی اوقاقه قول باد نسیم
تایه مات اوقاقه باب
ماه بندر صکره اوور هاله دار
خادم دیرینه سی انس و ملک
شاه شاه سینه ایدر کوش
مصراع کیمه بیت اکرال
شاه شاه اقبال ایدر کار
دینده و در که باب مراد

سیر اندی بیخاک اقی مثال نظیم
بوردک و صافی ولوب برکاب
خوب ایلر ایدر اودرون کنار
حلقه سی مانتد هلال فاک
صیادم ایتد نظاره کوش
هر قافه سن سیر ایلر ایلر
خانگی بیان ایدر آینه وار
اولده و روی ایدر کسان

حسن ختام اول شد

ذی القعدة الشریفة او ایام رهن

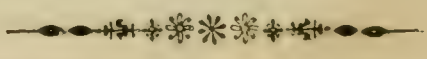
محمد تا یک ایام عازم سینه اشو

مردانه زنده تیوغ واقع ایام سینه ماهی

ایام سینه سینه سینه سینه سینه سینه

شیراز سینه سینه سینه سینه سینه سینه

ایام سینه سینه سینه سینه سینه سینه



* بر مباد ان الله فقیر کدر نظر *

* فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ *

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |
| * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * | * فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ * |

* فاعلی اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ اذ *

